



د افغانستان اسلامي امارت
د سرحدونو، قومونو او قبایلو چارو وزارت
د اطلاعاتو او عامه اړیکو ریاست
د هموطن مجلی آمریت

کتونکې دله

فهرست مطالب

صفحة	عنوان
۱ ...	۱- بقای ما در وحدت و همبستگی ماست
۲ ...	۲- خبرها
۷ ...	۳- مرحوم امیر المؤمنین د حریت سمبول
۱۰ ...	۴- درسلیک کتاب تالیف روشي
۱۸ ...	۵- پشه یې نامې ارایه
۲۵ ...	۶- د اوپو مدیریت یوه مهمه موضوع ده
۲۷ ...	۷- نگرش کوتاه پیرامون چغرافیاۍ
۲۹ ...	۹- ګوری زیبه نې منظوم فولکلوری
۳۹ ...	۱۰- خدیرخربون شاه ات وی نېس ب
۴۶ ...	۱۱- شترال (چترال) مره کويی دی نورستان بدنشين
۵۰ ...	۱۲- آنه تیلی - ملت روحي
۵۲ ...	۱۳- ستموتی اټهمو دی لثور کا چن کا ایک
۵۴ ...	۱۴- بلوج و بلوچستانی باروا
۵۸ ...	۱۵- ترکمن خلق ارتکی لرى و او لارىن
۶۲ ...	۱۶- د ټولکي مدیریت

- ❖ بناغلی ملا حمدالله (فطرت)
- ❖ بناغلی خپرنپوه خیرمحمد (حیدري)
- ❖ بناغلی محمد زمان (کلماني)
- ❖ بناغلی خپرندوی شریف الله (سانین)
- ❖ بناغلی خپرندوی عبدالمحیید (ندیم)
- ❖ بناغلی خپرندوی نوریاگدی (نور)
- ❖ بناغلی خیال الدین (صدیقی)
- ❖ بناغلی خدای نظر (سرمچار)
- ❖ بناغلی مولوی عبدالرزاق
- ❖ بناغلی مولوی صادق (غواص)
- ❖ بناغلی دوست محمد (منجانی)

صاحب امتیاز: وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل

مدیر مسؤول: محمد آصف سروزی

سکرتو مسؤول: عبدالمحبوب حمیدی

مدیر تصحیح: دواجان عظیمی

یادونه

**له سر لیکنی پرته د نورو لیکنو سپیناوی
د درنو لیکوالو په غاره دی**

**پته: د سرحدونو، قومونو او قبایلو چارو وزارت،
کابل، افغانستان**

د اړیکو شمېري: ۰۲۰۲۳۱۱۷۱۱ — ۰۷۰۸۱۹۸۴۳۹

مسجد البيعة:

د سپرت له درېشي

حمد لله فطرت

ښئي وي. دا ټل انصارو له رسول الله صلی الله علیه وسلم سره دمرستې سینه ودبوله او مدينې ته د ورتك بلنه يې ورکړه.

دا مسجد عباسی خلیفه ابو جعفر المنصور په ۱۱۴ هجري کال کې جوړ کړ، چې د مسجد د جوړې دو نېټه يې په مسجد کې پر یو ډبليک توبول شوې بنکاري.

بيعت ته د عقبي لومړي بيعت وايي چې د اوس او خزرج قبيلو ۱۶ تنو يې د بعثت په دولسم کال د رسول الله صلی الله علیه وسلم په لاس بيعت وکړ دويم ټل د بعثت په ديارلسم کال د عقبي دويم بيعت چې د حج په موسم کې وشو د انصارو دري اويا تنه نارينه او چې دوه يې

په مکه مكرمه کې د هنۍ په وادي کې له (جمراتو) زموږ په اصطلاح شيطانانو څه په ۵۰ متره فاصله کې واقع تاریخي مسجد دی چې مسجد البيعة ورته ويـلـ کـيـريـ. پـهـ دـېـ ڭـائـىـ کـېـ دـ مدـيـنـېـ اـنـصـارـوـ لهـ رـسـوـلـ اللـهـ صـلـیـ اللـهـ عـلـیـهـ وـسـلـمـ دـوـهـ ټـلـهـ بـيـعـتـونـهـ کـړـيـ وـوـ،ـ لـوـمـړـ ټـلـهـ بـيـعـتـونـهـ کـړـيـ وـوـ،ـ لـوـمـړـ



بیان مفاهیم

بقای ما در وحدت و همبستگی ماست

در دین مقدس اسلام بنا بر هدایات صریح قرآنکریم و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم تبعیض و تعصب لسانی، قومی، تزادی، مذهبی و غیره جا نداشته و به اتفاق و اتحاد حکم شده که مسلمانان با هم برادر بوده و فقط تقو ملاک برتری بوده میتواند و بس که از همین رو در نزد مسلمانان ایجاد اتحاد، برادری و برابری و رفع اختلافات طبقاتی یک فرضیه الهی بشمار رفته و مسؤولیت دینی، ایمانی ووجیبه هر فرد از اجتماع بوده و از عوامل اصلی سعادت دارین و سعادتمندی جامعه پنداشته میشود که مخالفت با تبعیض و انواع تعصب در اسلام عزیز سرلوح تعالیم اخلاق اجتماعی قرار داشته و از مسیر احیای وحدت حقیقی میان مسلمانان است که میتوان به پیشرفت در بخش های مختلف اخلاقی جامعه دست یافت و در صورت خلاف یعنی دامن زدن به تعصبات لسانی، قومی، مذهبی، تزادی و غیره باعث میشود که در دنیا و آخرت شرمساری و مسؤولیت بزرگ نصیب ما گردیده و نزد خداوند جل جلاله و پیامبر صلی الله علیه وسلم مسؤول و ناکام بمانیم.

وحدت، همبستگی ملی و یک پارچه بودن ملت شریف ما بدون هیچ نوع تبعیض و تعصب در وضعیت کنونی ضرورت اساسی و مبرم بشماررفته و از اصول قبول شده زندگی بشری نیز بوده که موجودیت و احیای اتحاد و همبستگی ملت باعث رشد و پیشرفت در همه عرصه های اجتماعی گردیده که حتی حکومت داری خوب بر مبنای عدالت اجتماعی محصول وحدت و همبستگی ملی بوده و از اثراً آن رفاه اجتماعی بیشتر خواهد شد.

افغانستان سرزمینی است که از اقوام و گوناگون تشکیل شده که مانند گلهای رنگارنگ در یک باغ متنوع بشماررفته و در طول تاریخ وحدت و همبستگی اقوام متعدد کشور سبب گردیده که همواره از آزمون های بزرگ موقفانه بدرشوند و بخارط حفظ استقلال، حاکمیت ملی تمامیت ارضی شجاعانه بدون در نظر داشت تزداد، سمت، زبان و مذهب در مقابل دشمن رزمیده و صفات تاریخ تحولات بشری را با خون پاک شهادی خودرنگین ساخته اند، زیرا این کشور از جمله محدود کشور های است که داری موقعیت خاص جغرافیا یی و ستراتیژیک بوده و به همین علت همواره مورد تجاوز و تهاجم قرار گرفته و یا هم چشم طمع استعمار گران منطقه و جهان به این سرزمین متوجه بوده است، روی این اساس دشمنان افغانستان همواره با هزاران تر فند و نیرنگ سعی کرده اند تا فضای امن را نا امن ساخته و دسایس شوم خویش را بالای ملت ما تطبیق نمایند.

همچنان در این مرحله از زمان، بر تمام ملت افغانستان لازم است که برای بقای تحکیم وحدت ملی و دست آور استقلال سیاسی و تمامیت ارضی به دفاع کشور بسیج شوند و از این سرزمین با روحیه ای اخوت اسلامی و برادری حراست و پاسداری نمایند.

امروز الحمد لله افغانها به هدف سیاسی خود رسیده راه پر از فراز و نشیب را در راه رسیدن به قله های موفقیت طی نموده اند که به دور از تعصب و تفرقه به این هدف مقدس با تلاش های فداکارانه دست به دست هم داده و در این راه از هیچ نوع ایثار و فداکاری در بیغ نورزبده اند و افغانها شهد شیرین وحدت و همدلی را احساس کرده و از شعره های این نعمت الهی و حیات بخش بهره مند شده اند.

سفر سرپرست وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل به ولایت نورستان

مندول را یک ولسوالی صعب العبور یاد نموده، و بر اعمار راه مواصلاتی این ولسوالی از سوی حکومت تاکید ورزیده خواستار توجه و همکاری حکومت در بخش‌های معارف، صحت، زراعت و مالداری شدند.

سپس سرپرست وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل از استقبال گرم باشندگان این ولسوالی تشکری نموده گفت: نورستان از جمله ولایاتی میباشد که مردم آن سنگر جهاد را با خون خود حفاظت نموده و در مقابل متجاوزین قربانی داده اند، وی استماع مشکلات و پیدا کردن راه حل به خواسته‌ها و نیازمندی‌های آنان را وجبه خود یاد نمود.

ولسوالی مندول نسبت به سرک خامه و داشتن فاصله زیاد از پارون مرکز ولایت نورستان از ارایه خدمات محروم مانده است. اکثر باشندگان این ولسوالی مصروف زراعت و مالدری هستند. آنان می‌گویند: سرپرست وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل اولین هیئت بلند رتبه حکومتی می‌باشد که جهت دیدار از نزدیک با مردم این ولسوالی واستماع مشکلات و نیازمندی‌های آنها به این ولسوالی سفر نموده است، آنان از سفراین هیئت به ولسوالی شان ابراز خرسندی نموده و مشکلات و خواسته‌های خود را از نزدیک با هیئت موصوف شریک ساختند.

۱۴۴۴/شوال المکرم

الحاج ملا نورالله نوری سرپرست وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل و هیئت همراه شان در جریان سفرکاری خوبیش به ولایت نورستان با مردم ولسوالی دو آب آن ولایت دیدار نمود.

در این دیدار علمای کرام، بزرگان قومی و جوانان ضمن خوش آمدید به سرپرست وزیر و هیئت معیتی شان، یک سلسه مشکلات و نیازمندی محیطی خود را نیز با وی شریک ساخته خواستار حل مشکلات شان گردیدند.

محترم نورالله نوری سرپرست وزیر در صحبت با مردم ولسوالی دو آب گفت: باشندگان ولایت نورستان متعهد بروحیت ملی هستند، در شرایط سخت و دشوار از امارت اسلامی حمایت نموده و در پهلوی آن قرار داشته اند. وی تعهد سپرد که نیازمندی‌ها و خواسته‌های آنان را به مراجع ذیربط می‌رساند تا به آن رسیدگی صورت گیرد.

دیدار را بزرگان و علمای کرام ولسوالی مندول ولایت نورستان غربی

شنبه ۱۶ / شوال المکرم / ۱۴۴۴

الحاج ملا نورالله نوری سرپرست وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل و هیئت همراه شان در جریان سفرکاری خوبیش به ولسوالی مندول ولایت نورستان غربی، با بزرگان، محاسن سفیدان و عالمان دینی این ولسوالی دیدار نمودند.

در این دیدار به نمایندگی از مردم این ولسوالی چند تن صحبت کرده و از هیئت

که مشکلات و خواسته های شمارا به کابینه
برسانیم.

محترم نوری تصریح نمود حالا که امنیت سراسری در کشور تامین می باشد، مردم با اطمینان خاطر می توانند به مناطق مختلف کشور به سیاحت بروند، اگر مشکلات راه مواصلاتی نمی بود، از نقاط مختلف جهان سیاحان به این ولايت می آمدند.

وی هم چنان افزود که امارت اسلامی برای خود کفایی کشور برنامه های اقتصادی زیادی دارد، همانگونه که بیست سال برای آزادی و استقلال مبارزه نموریم، اکنون برای رشد اقتصاد کشور مبارزه می کنیم، تا کشور را به ترقی و خود کفایی برسانیم.

وی در مورد مشکلات مردم می گوید: استماع مشکلات و رسیدگی به نیازمندی های شما و جیبیه ایمانی خود میدانم، من اطمینان میدهم که خواسته های شمارا به ارگانهای ذیربسط می رسانم و جهت حل آن سعی و تلاش می نمایم.

نشست انسجام و همبستگی با متنفذین قومی در ولسوالی شینکی برگزار گردید

۱/ ذالقعده الحرام / ۱۴۴۴

الحاج ملانورالله نوری، سرپرست وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل در جریان سفر رسمی شان به ولسوالی شینکی ولايت زابل با بزرگان قومی ولسوالی های شینکی، اتفاقیه ای دیدار نمودند.

در این دیدار محترم نوری سرپرست وزارت، محترم محب الله حماس معاون والی، محترم مولوی عبدالقدوس عضوی شورای علمای زابل، محترم عبدالکریم سحررئیس امور سرحدات، اقوام و قبایل آن ولايت، نعمت الله شکیب قومندان امنیه، زیرآغا

نشست با متنفذین قومی و عالمان دینی ولسوالی نور گرام نورستان غربی

یکشنبه ۱۷ شوال المکرم ۱۴۴۴

سرپرست وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل در جریان سفر شان به ولايت نورستان با بزرگان قومی و علمای کرام ولسوالی نورگرام آن ولايت دیدار نمودند.

در این دیدار الحاج ملانورالله نوری سرپرست وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل و هیئت معیتی شان، مولوی فیصل مختار معاون والی آن ولايت، مولوی نادرشاه رئیس امور سرحدات، اقوام و قبایل، مولوی سعیدالله سعادت قومندان لوا، ولسوال ولسوالی نامبرده، مسئولین، بزرگان و علمای کرام حضور داشتند.

بزرگان ولسوالی متذکره از تشریف اوری هیئت بلند رتبه حکومتی تحت ریاست سرپرست وزیر به این ولسوالی ابراز خرسندی نموده گفتند: ما در دوره اشغال در صف جهاد شانه به شانه با امارت اسلامی قرار داشتیم و اکنون نیز از آن حمایت می نماییم. آنان از عدم موجودیت راه مواصلاتی، ارایه خدمات صحي و برخی مشکلات دیگر یادآوری کرده و خواستار توجه حکومت در این زمینه شدند.

سپس محترم نوری سرپرست وزیر در صحبت با مردم گفت: باشندگان ولايت نورستان همیشه از امارت اسلامی حمایت و پشتیبانی نموده اند و جلو هر گونه تحریکات را در مناطق شان گرفتند، به شمول راه مواصلاتی ولسوالی های ولايت نورستان به مشکلات مناطق دور دست و محروم توجه خاص صورت می گیرد، کوشش می نمایم



اشتراك در مراسم فراغت حافظان مدرسه در ولایت زابل

۲۹ شوال المکرم ۱۴۴۴

در منطقه چینو ولسوالی شاجوی ولایت زابل مراسم فراغت (۲۹) تن از حافظان قرآنکریم از مدرسه سیف السلام نقشبندي برگزار گردید.

در این مراسم الحاج ملانورالله نوری، سرپرست وزارت امور سرحدات، اقوام وقبائل، مسئولین ادارات، علمای کرام و مردم محل اشتراک نموده بودند.

محترم نوری سرپرست وزارت در سخنان خویش در این محفل گفت: قربانی بیست ساله برای این بود که استقلال، نظام اسلامی، عزت و آبروی افغانها حفظ گردد و اعلاه کلمه الله قائم شود. وی افزود: جای شکر است که مراسم فراغت را در سایه نظام اسلامی و امنیت در یک فضای مطمئن تجلیل می نمایم، در گذشته چنین مراسم بمبارد صورت می گرفت و به آرامی تجلیل کرده نمی توانستیم.

وی هم چنان گفت: امارت اسلامی نظام است که از میان مردم و اقوام برخاسته است و بجا

ولسوال شینکی، محاسن سفیدان و علمای کرام حضور داشتند.

در جریان دیدار به نمایندگی از بزرگان قومی چند تن صحبت نموده، شکست اشغال گذشته و قائم شدن نظام اسلامی را برکت قربانی ها و همبستگی اقوام عنوان کرده، گفتند: ما در کنار نظام قرار داریم وجهت تحکیم آن از هیچ نوع همکاری درین نخواهیم کرد و برای حفاظت از این نظام آماده هر گونه قربانی هستیم.

آنها امنیت و وحدت در کشور را بی مثال باد کرده واز حکومت خواستار اعمار سرک چهار ولسوالی این ولایت و اعمار پل بزرگ.

در اخیر نشست محترم نوری هدف سفرخویش به این ولسوالی را استماع مشکلات آنان یاد نموده، افزودند: تاریخ را فراموش نکنید، افغانها در هر انقلاب قهرمان های دارند، این یک تاریخ بزرگ می باشد که مردم ولسوالی های شینکی، تغرسیوری ملا صاحب رحمه الله را در آغوش خود جای داده بودند.

وی اشاره به ارزش های نظام اسلامی گفت: با آمدن نظام اسلامی در کشور سمت پرسنی، قوم پرسنی و تعصب از بین رفته است، عفت، عزت و وقار افغانها محفوظ می باشد.

وی هم چنان بیان داشت: قسمکه دیر روز جهاد یک فریضه بود، اکنون حفاظت از مردم، حل مشکلات آنان و خدمت کردن به آنها را فریضه خود میدانیم، محترم نوری در مورد حل مشکلات مردم گفت: همه مشکلات و نیازمندی های شمار را جهت حل به مقامات بلند رتبه می رسانم.

د سرحدونو قومونو او قبایلو چارو وزارت سپرسست د غزنی له والي سره وکتل.

د سرحدونو قومونو او قبایلو چارو وزارت سپرسست الحاج ملانورالله نوري دوزارت د اقتصاد او علفچروننو رئيس مولوي لعل محمد منيب او د ماليي وزارت سپرسست الحاج ملا ناصر اخند د غزنی ولايت له والي الحاج حافظ محمد امين عمري سره د دي ولايت د ميلمستون په انگړ کې په داسي حال کې وکتل چې د دي ولايت مرسيال والي مولوي رحيم الله محمود، د سرحدونو قومونو او قبایلو چارو رياست رئيس مولوي محمد اسحق ادریس هم حضور درلود.

لومړۍ بشاغلي عمري مېلمنو ته به راغلاست ووايې ورپسې د سرحدونو، قومونو او قبایلو چارو وزارت سپرسست الحاج ملانورالله نوري په دي ولايت کې د کوچيانو او ده نشينود څينو ستونزو په اړه له بشاغلي عمري سره خبرې وکړې، بشاغلي نوري د دي سفر موخه د يادو منازعاتو د حل په هدف له بشکلبو خواو او ئخايري مسئوليتو سره د همغږي رامنځته کول یاد کړل.

ديزادونې وړده چې تردي وړاندې هم بشاغلي نوري او د منازعاتو د حل کمپسیون دې ولايت ته د شخړو د حل په موخه سفر تر سره کړي و.

آوردن شکر آن بر همه افغانها لازم مى باشد، اکنون امنیت در کشور تامین است، هزاران سیاح به ساحات سیاحتی کشور جهت سیاحت و تفریح می آیند. وي از مسئولین خواست به حقوق مردم توجه داشته باشند و با مردم به نیکی رفتار نمایند.

در اخیر عتیق الرحمن شهاب سپرسست مدرسه متذکره به مهمانان خوش آمدید ګفت، ضمن مبارکی برای حافظان فارغ شده برای آنان خواستار توفيق عمل گردید.

دیدار سپرسست وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل با والي میدان وردک کرد

۱۴۴۴/شو المکرم/۲۸

الجاج ملانورالله نوري، سپرسست وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل باقاری بختيار ی معاذ والي میدان وردک در مهمانخانه مقا ولايت ملاقات نموده و در این دیدار روی يک سلسنه موضوعات مهم بحث و تبادل نظر صورت گرفت.

محترم نوري با والي آن ولايت روی مشکلات کوچۍ ها و د نشینان این ولايت و جستجوی راه حل آن بصورت مفصل و همه جانبه صحبت کرده، وهدف اصلی سفر شان راهمين موضوع ياد نمودند.

سپس محترم بختياری والي آن ولايت در مرور دحل و رسیدګي به اين موضوعات اطمینان داده، و بر همکاري دوامدار تعهد سپرد، قبل از اين نيز سپرسست وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل به منظور استماع مشکلات مردم و تدوير نشست های انسجام و همبستګي اقوام به اين ولايت سفر های داشتند.

امضای تفاهم نامه همکاری با موسسه TLO در بخش‌های مختلف

سه شنبه ۳/۱۱/۱۴۴۴

تفاهم نامه همکاری میان وزارت امور سرحدات، اقوام وقبایل و موسسه ارتباطات (TLO) در بخش‌های آگاهی عامه، حل اختلافات قومی، تشخیص مشکلات و نیازمندی‌ها مردم به امضاء رسید.

در این نشست ملا عبدالخالق عابد معین جرگه‌ها و هماهنگی امور قبایل، مولوی احمد طه قادری معین مسلکی، روسای وزارت، عبدالرحیم خرم معاون موسسه ارتباطات و هیئت همراه شان حضور داشتند.

در ابتدامتن تفاهم نامه به سمع همه اشتراک کنندگان رسانیده شد، سپس محترم خرم معاون موسسه متذکره هدف از این تفاهم نامه را در مطابقت به پالیسی این وزارت نزدیک ساختن مردم و اقوام و حل مشکلات آنان یاد نموده گفت: موسسه ارتباطات یک نهاد غیر دولتی می‌باشد که در بخش ایجاد ارتباط بهتر میان حکومت و مردم، حل اختلافات قومی، برگزاری نشست‌های انسجام در ولایات، ارتقای ظرفیت متنفذین قومی فعالیت می‌نماید، در هماهنگی باشما در بخش‌های نامبرده در مرکز و ولایات فعالیت‌های خود را به پیش میرد.

متعاقباً محترم عابد معین جرگه‌ها به هیئت خوش آمدید گفته افزود: اکنون که نظام اسلامی در کشور قائم می‌باشد و مردم در گلیم وحدت نشسته‌اند، حقوق همه اقوام محفوظ است. وی هم چنان گفت: افغانستان خانه مشترک همه اقوام مامی باشد و برای خدمت به مردم همه یکجا کار می‌کنیم. وی به اشاره به ماده‌های تفاهم نامه گفت: هدف همه ما خدمت به مردم و فراهم کردن سهولت برای آنها است، خداوند جل جلاله به مأتوانای دهد که این کار را بصورت درست به پیش ببریم. در اخیر محترم احمد طه قادری معین مسلکی به هیئت اطمینان داده بیان داشت: تمام ادارات و مسئولین امارت اسلامی متعهد به اطاعت از اوامر آمر می‌باشند، من اطمینان میدهم که فعالیت‌های شما در هر بخش کشور بصورت بهتر به پیش می‌رود و حکومت در این راستا باشما همکاری می‌نماید. نشست با امضای تفاهم نامه پایان یافت.



قاری عبد السلام سعید

د افغانستان اسلامي امارت د پښتگر ملا محمد عمر

مجاهد آخند د مریشي لسم تلین به مناسب

مرحوم امیر المؤمنین د حریت سمبول

تر هغه وخته چې په نړۍ کې اخلاقې معیارونه له چلبسته نه و لويدلي، حریت ته د آب و هوا په شان د انساني ژوند د اساسی ضروري عنصر په نظر کتل کيدل. د یوه انسان يا انساني ټولنې د شرافت او عزت تر ټولو لوړنې شرط حریت ټکل کиде. ملتونو او هپوادونو به د خپل استقلال او حریت د ساتني لپاره په کلونو خه بلکې په قرنونو مبارزې کولې. غلامي او تر بل چا وابستګي به یې د ځان لپاره تر ټولو کړغېن عیب او پیغور ګډنه.

اما په وروستيو پېړيو کې د استعمار او نړیوالوں د مرحلې له پیل سره، چې نړۍ په ابرقدرتونو او مستعمراتو تقسيم شو، یو شمیر ملتونه د غربې استعمار ګرو تر تسلط لاندې راغل، د هغوي آزادي سلب شو او ډېرې موډه د غلامي په جال کې نښکل پاته شول. تر دې چې بالاخره د نړۍ اکثره محکوم ولسونه له غلامي سره روبدې شول. په ضمن کې آزادي سلبوونکو استعمار ګرو هم د خپلو ګټو لپاره د حریت او ازادۍ اصلې معنى تحریف کړه. هغوي د خپلو رسنیو او فرهنگکې یړغل په ترڅ کې محکومو خلکو ته وروفهمول چې حریت اصلاح سیاسي استقلال په معنی

مسلمانی که داند رمز دین را

نساید پیش غیر الله جین را

اګر ګردون بکام او نګردد

بکام خود بګرداند زمين را

په دې ورڅو کې یو تن غرب میشتی استخاراتي لیکوال کوم کتاب چاپ کړي او د اسلامي امارت په حریت او د پريکړو په خپلواکۍ یې جرح وارده کړي ده. دلته غواړم د موضوع د بنې وضاحت لپاره د اسلامي امارت د مشرتابه په خاص ډول د دې خوځښت د مؤسس مرحوم امير المؤمنين ملا محمد عمر مجاهد د خپلواک موقف او په تصاميمو کې د حریت په موضوع رڼا واچوم.

حریت یا آزادي د انسان له خدای ورکړو اساسی حقوقو شمیرل کېږي. لکه څنګه چې انسان د فرد په حیث له موره آزاد او حر زیږي. همداسې یوه انساني مجموعه، ملت یا هیواد هم د حریت او استقلال حق لري.

کوم بل ابر قدرت په تندی کې گوئي. دوى چې کومه پريکړه کوي نو اول يې د نړۍ له د خواکمنو سره شريکوي او په پريکړو کې يې د خپل دين، هپواد او ولس په خای د خپل بادار هپواد د ګټهو تضمین ته ډيره توجه وي.

مګر ملا محمد عمر مجاهد چې د الله تعالى صالح او مخلص بنده وه، پنځه وخته يې د ستر بادار الله تعالى په حضور کې د عجز او انکسار تندی پر ځمکه لکاوه، الله تعالى په همدي بندګي دومره مستغني کړي و چې د بل هيچا باداري او واکمني يې په زړه نه خایپده.

اصلاد داسي ہریت بنیادي سبب د ملا صاحب دیانت او كامل ايمان و علماء کرام فرمایي چې د الله تعالى مینه او له الله تعالى خوف تر بلې هرې مینې او خوف خواکمن دی. د چا په زړه کې چې د الله تعالى مینه او خوف خای ونسی، د هغه له زړه بیا نورې تولې مینې او ویرې تبستي. نو ملا صاحب مرحوم چې د یو واقعی مؤمن په حيث له الله تعالى وېږد، همدي خوف يې په زړه کې له بل چا ډار ته خای نه ور کاوه.

د امریکایي یرغل په لومړيو کلونو کې کله چې د امریکایي یرغلکړو مهم ملګري جنرال پرویز مشرف خپل کتاب) این د لاین اف فایر (نشر کړ، د کتاب په یوه برخه کې يې خپله یوه خاطره لیکلې وه. خاطره داسي وه چې د مشرف له قوله د جاپان ولسمشر په یوه رسمي ملاقات کې رانه و پښتل چې هغه د طالبانو مشر ملا محمد عمر شه شو، په هغه خو امریکایانو ټپر لوی انعام اینې و مشرف وايي ما ورته په ټوکه وویل چې هغه خو ستاسو په جاپاني موټر سایکل له امریکایانو خلاص شو.

د مشرف د دې طنزیه جملې په خواب کې د پاکستان یو حقپال کالم لیکونکي عرفان صدیقی او بدده مقاله لیکلې وه، په یوه برخه کې يې مشرف ته ویلي و چې که ملا محمد عمر مجاهد په خپل موټر سایکل د افغانستان د مغورو غرونو په لمن کې ګرځي، د شاهي تخت پر خای

نه دی، بلکې د فردی آزادی (لیبرالیزم) په معنی دی. نو ځکه که تاسو د غربی اشغال په زولنو تړی یاست، دا کوم عیب نه دی، ځکه تاسو فردی آزادی لرئ او د غربی لیبرال کلتور خخه په استفاده چې هره ناروا وغواړئ کولاي يې شئ.

خو لکه خنګه چې الله تعالى د اصيلو ديني او فطري ارزښتونو او اخلاقو ساتونکي دی او د احیاء لپاره يې وخت په وخت مجددین پیدا کوي، د حریت او استقلال په دې قحطی کې الله تعالى د اسلامي نړۍ په یوه مهم هپواد افغانستان کې د ملا محمد عمر مجاهد په نوم یو حاکم پیدا کړ. ملا صاحب لکه خنګه چې د امير المؤمنين په حيث د اسلامي سیاست هیر شوي مفاهیم را ژوندي کړل او په اسلامي معيارونو برابر یو شرعی نظام يې جوړ کړ؛ دغه راز يې د نړۍ محکومو ملتونو او واکمنو ته د ہریت او استقلال هیر شوي مفهوم هم ورپه زړه کړ.

د ثالث عمر کتاب لیکلو لپاره د معلوماتو راجمع کولو په وخت کې مې د اسلامي امارت له یوه مخور مشر خخه و پښتل چې تاسو خو له ملا صاحب سره نړدي او سیدلي وئ، ستاسو په نظر د ملا صاحب تر ټولو امتیازی صفت کوم؟

هغه خواب راکړ، ما چې د اوسينيو واکمنو یو خه حالات مطالعه کړي او یا مې د ملا محمد عمر مجاهد سیاست او زعامت ولید، نو ویلى شم چې ملا صاحب د دې زمانې تر ټولو څلواک او ھُر ترين حاکم و نوموري په خپل پريکړو کې د الهي هداياتو پرته د هيچا لحاظ نه کاوه، نه خو يې د کوم ګاونډي، منطقوي یا نړیوال خواک پروا درلو ده او نه د کوم نړیوال یا سیمه ییز بلاک، تړون یا ډلې تر اغیز لاندې نه.

بل اړخ ته د اوسيني نړۍ زیاتره حاکمان داسي رو بددي شوي چې خپل تقدیر د امریکا، انگلستان، روسیې، چین یا

او درون خانه مایرون در
 قبله مسکن کلیسا، گاه دیر
 او نخواهد رزق خویش از دست غیر
 کار مایه وابسته تخمین و ظن
 او همه کردار و کم گوید سخن
 در جهان بی ثبات او را ثبات
 مرگ او را از مقامات حیات

د مسلمان فیلسوف او شاعر اقبال دا شعر خورا او برد دی،
 چې د یو واقعی حرمؤمن صفات ذکر کوي، خو هروخت
 یې چې لولم، نو په دې عصر کې بل حاکم یا واکمن په
 نظر نه راخي چې دغه تعريف دې ورباندي صادق شي.
 که د واقعی حریت لرونکي واکمنان وي هغه به د اسلامي
 امارت مشران وي په خانګړي ډول مرحوم امير المؤمنين
 ملا محمد عمر مجاهد.

يو شمیر پردي لیکوال او سیاستوال چې د نړیوالو
 زبرخواکونو د فکر او غوبنتنو نمایندګي کوي، په خپلوا
 لیکنو کې یې امير المؤمنین ملا محمد عمر مجاهد مغورو
 مشر بللي دی. واقعیت دا دی چې ملا صاحب مغورو نه
 بلکې حرم او آزاد مشر و، د نړۍ د کفری طاقتونو نامشروع
 غوبنتې او تقاضاوي یې په لوړ غږد کولې، هیچا ته یې
 اجازه نه ورکوله چې د افغانستان په کورنیو چارو کې
 مداخله و کړي او استقلال یې مجروح کړي.

که ملا صاحب په لنډو تعریفوو باید ووایو چې هغه په او س
 عصر کې د حرمیت یو مجسم یېکر و. په دې اړه باید ډېره
 خپنه وشي او دیر څه ولیکل شي.

په خاورو او ډبرو ویدیری دا هیڅ د عیب خبره نه ده، هغه
 کوم داسې ذلت او محکومیت نه دی منلى چې په شاهی
 پالنګک یې خوب و تبنتوی، بلکې دین، پیغمبر، ملت او
 تاریخ ته سرلوپری او د وجودان له عذابه خلاص دی. حکمه
 هغه له خپل وروستی مقر کندهار بنار خخه د افغانستان د
 غرونو پر خوا په داسې حال کې لار چې پر تندی یې له الله
 تعالی پرته بل چا ته د سجدې خاپ نه و او په بې دریغه
 قربانی یې د اسلام، سرلوپری، حیثیت او حمیت وسانه. اما
 بالمقابل ته د هغه اټومی څواک مشر جنرال یې چې د
 امریکا د بهرنیو چارو مرستیال وزیر ریچارډ ارمیتاج درته
 یو خو دقیقه یېز ټیلفون و کړ، اخطار یې درکې چې که له
 موږ سره ونه دریوئ پاکستان به د ډبرو عصر ته ستون کړو
 او بیا له هماغه لنډ کې ټیلفونی رابطې او زبني ګواښ سره
 تا خپل ځمکه، هوا، خان، مال او هر څه د امریکا په پښو
 کې ورغورڅول.

د شلمی پېړی مشهور مسلمان شاعر او لیکوال علامه اقبال
 د حرم مسلمان په اړه یو او برد شعر لري، چې ځینې یېتو نه یې
 داسې دی.

مرد حمکم زور د (لاتخف)
 مایمیدان سر بجیب او سر بکف
 مرد حراز لاله روشن ضمیر
 می نگردد بندہ ی سلطان و میر
 مرد حرون اشتران باری برد
 مرد حرباری برد خاری خورد
 پای خود را آنچنان محکم نهد
 نبض ره از سوز او بر می جهد
 دارد اندر سینه تکبیر ام
 در جین اوست تقدیر ام
 سر دین مارا خبر، اور انظر

مطلوب اوزبیکی

باش مؤلف اوئرین باسرى، اتوب الله قوياش

درسليك كتاب قاليف روشى

فايدىه لنهدى. بيراق درسليك كتاب لرنى تاليفى مخصوص
قاعده‌گه اېگە اېمس اېدى. شو اوچون درسليك تاليف
ايتىش روши باره سىدە مطلب تىارلىشنى ضرور كۈردىم.

برجه‌گه معلومكە، تعليمى نصاب رياستىدە بالله لرگە حىيات
اوچون كېرەكلى بىيلىملەر باره سىدە درسليك كتابلر تأليف
اپتىلەدى. اوшибو درسليك كتابلر بالله لرنى تورلى حىقدە
تعليم آلىش اوچون ياردىم بېرىدە. اولرنىنگ كېلەجىكە
جامعىدە اوز مسئۇلىيتنى يخشى روشه بجرىش لرى
اوچون تىارلەيدى. بالله لر درسليك كتاب لرنى بىر معين
زمانىدە اوقيب تورلى تمان تۈلىق كىالت گە يېتىشە دىلر.
قولىنگىزىدەگى مطلب، درسليك كتاب قىندە تىارلەنىشى،
اونىنگ توشۇنچەسى باره سىدە معلومات توپىلب، عزيز
مطالعە اېگە لرىگە حوالە اپتىلەدى. در واقع درسليك
اثرلر حاكم دولت نىنڭ اساسى هدف لىريدىن بىرى بۇلىپ،
اونىنگ نظرى آستىدە تىارلەنە دى. عىنى ذاتنى افغانستان
تعليمى نصاب چارچوبە سىدە (اولكە نىنڭ تعليمى
نصاب رياستى افغان جمعىتى نىنڭ قۇيىدەگى اېنگ
كېرەكلى نيازلىنى كۆزگە توتىپ، جواب قىترىش لرى
لازم: اخلاقى فضىلتىر، اسلام و فرهنگى ارزىشلىنى
اوقو چىلرگە بىلدىرىش؛ فطرى استعداد لرنى
يوك سلىتىرىش گە زەمىنە يەتىش؛ تورلى بىيلىم لر باره سىدە
ينىڭى معلومات ارا يە اپتىشى جىملەدن طبىعى بىيلىملەر،

سۇز باشى

معلومكە، درسليك كتابلر معين نصاب
چارچوبە سىيگە ما سلاشتىرىپ، اينىقسە مفردات
بوزىدىن مؤلفلر آرقەلى تدوين اپتىلەدى. ايتىش
لازم درسليك كتابلر يلغوز رسمي شىكلە
حاكم دولت تمانىدىن اېمس، بلکە خصوصى
اورگىتىش و تربىيەلش موسىسەلرى تمانىدىن هم
تاليف اپتىلەدى. بيراق تعليمى نصاب
نمایىندەلرى تمانىدىن خصوصى نەھادردە
تىارلەنگ درسليك لر نصاب رياستىگە تېگىشلى
بۇلىملەر آرقەلى تېكشىرىلىپ، اوندىن فايىدەلىشى
اوچون رخصت بېرىلەدى.

اپسکى زمانلارده درسليك كتاب لر اساساً كلاسيك متنلر
مبىناسىدە تىارلەنەلر اېدى ياكە اپسکى اثرلر نىنڭ ساده
بۇلىنگىن شىكلى دىر. زمان اوتيشى بىلن اوшибو تۇغريدە
اورگىش و تربىيەلش متخصص صلرى تمانىدىن مسلكى راق
ياندا شىب، در سلىك لردىن با شىلغىچەمەدە يوقارى دورە
لرده كۆپرەق فايىدەلىشى رواج تاپىدى. بوغونىڭە قدر
درسلىكلىرى مخصوص اورىنگە اېگە بۇلىپ، باسىلگەن و
الكترونىكى شىكلە مكتب لرده ترقىتىلە باشلىنگەن. شو
شىكلە عزيز اولكەمىز افغانستاندە هم باشقە اولكەلر
كېلى افزاق زماندىن بويان درسليك اثرلەردىن مكتب لرده

علمی تفکر نینگ ترکیب تایپیشی گه ياردم بپره دی. درسلیک نینگ تیلى روان و توشونرلی بولیشی اۇقووچىلر نطقى نینگ اوسيشى گه ياردم بېريشى لازم (اۋشه).

درسلیک تاریخچەسى

درسلیکلر تاریخى قدیم زمانلاردن باشلنه دى. شرقده، خصوصاً فرات و دجله دريالرى آره ليغىدە يىشەگەن قدیمی سومولر دورىدە سفال تختەچە لرگە بىتىلگەن متنلر میلاد دن اولگى ۲-مینگ يىلىككە عايد بولىب، اولر "قولللنمە" و "درسلیکلر" و ظيفەسىنى اۋتهگەن. كېينىچەلىك باشقە شرق خالق لريدە، اولردن كېين اپسە قدیم دز يادە پاپىرس ياخىدا كېلە باشلەگەن و اولر قۇلیازمه اۇقووكتابلرى وجودگە كېلە باشلەگەن معلوم بىر ساحە گە، كىسبىگە اورگەتىش اوچون اسا سى منبع و ظيفەسىنى اۋتهگەن. كتاب نشر اپتىش ايشى يوزە گە كېلگەچ، درسلیکلر ھەمە باب بۇلە باشلە دى. پىداگوژى و پىسيكولوژى فنلرى نینگ ترقياتى بىلن درسلیک لرنىنگ مضمۇنلىكى و مېتودىك توزىليشى تابارە مكمىللشىب بارە دى.

اۋرته آسيا و اوغانستان ده ۱۹ عصر- آخر لرىگە قدر موجود بۇلگەن مكتب و مدرسه لرده گى تعلیم-تربييە نینگ اساسى مضمۇنلىكى اسلام تعلیماتىنى اورگە تىشىدىن عبارت بۇلگەن و اولرده عرب، فارس، اپسىكى تورك تىللەر يە يازىلگەن دينى كتابلار درسلیک و ظيفەسىنى اۋتهگەن. بۇ درسلیکلر قرآن آيت و سورە لريدىن، باشقە دينى كتابلارنىڭ تورلى قىسىم و پرچە لريدىن عبارت بۇلگەن. مكتب لرده "ھفت يىك" ، "چاركتاب" و باشقە كتابلار اۋقىتىلگەن. مدرسه لرده ھەم اسلام دينى قاعدهلرى تۈپلىمى- اول علم (فارس تىلیدە سوال-جواب طرزىدە توزىلگەن)، عرب تىلى گرامرييگە عايد "بدان" ، "قاۋىيە" كىي قولللنمە لردىن فايىدە لنىلگەن. بعضى مدرسه لرده طلبەلر قدىم

انسانى بىيلىملەر و سايىنس و تكنالوژى كىي. شو شكلدە اپلسپورلىك كۆچەيتىريش، بىشـ حق-حقوقىنى اسلام مقدس دينىگە مطابق رعايت اپتىش؛ اسلامى برادرلىك، تحمل، بىر-بىرىنى قبول قىلىش، آسايشىتەلىكىدە حىات كېچىريش؛ عدل انصاب، يىرهش، قانونلى بولىشنى اوغىل و قىز بالەلرگە روحىيە سىنى اوستىرىيىشى ضرور افغانستان تعليمى نصاب چارچوبە سى، ۱۳۹۰: ۲۰). يوقارىدە اپنگ مهم موضوعلر درسلیک كتابلارده كۈزگە توتىلەدە. اوئىنگ اوچون درسلیک كتابلارنى تاليف اپتىشىدە هر تىمانلۇمە اوشىش كېرەك. شو اوچون اوشبو مطلب نینگ تىارلىشنى لازم كۆردىم درسلیک اثرلر قىندەي يازىلېشى بارە سىدە عىنىي حىنە يازىلگەن تورلى منبع لردى تولىق شكلدە فايىدە لىنگەن.

كلىد سۈزلەر: درسلیک كتاب، تعليمى نصاب، اۇقوچى، اۋقىتۇچى، معارف، محتوا،

درسلیک نىمە دىر؟

معين فن گە دايىر بىليم اساسلىرىنى معلوم ترتىب دە بىان اپتەدىيگەن و يوقارى معنوى-غاىيىو، علمى اسلوبى سوېيەدە يازىلگەن كتاب؛ اۇقووادىيياتى نىنگ اساسى و يېتكىچى تورى دىر. درسلیکلر عموماً اىككى اساسى گروه گە بولىنەدە: اۇقووچىلر اوچون درسلیکلر و اورگەنۇوچىلر اوچون درسلیکلر (تاشقىن بهائى، ۱۳۹۹: ۷۵). درسلیکلر معين فن گە عايد اسا سى فاكت علمى توشۇنچە، قانون و نظرىيەلر مضمۇننى تېگىشلى اۇقوو بورتى نىنگ دستورى حجمىدە تعلیم و ظيفەلرى ھەمدە اۇقووچى و اورگەنۇوچى لرگە ماس طرزىدە آچىب بېرە دى. درسلیکلر تعلیم و تربىيە و ظيفەلرى نىنگ امكاني بار درجه دە حل اپتىلېشى گە، يىنى بىليم نىنگ متتظم، مستحکم و آنگلى اۋزلىش تىرىشىگە اۇقووجى و طلبە لرده فن نىنگ معين ساحەسىگە قىزىقىش اۋىغاتىش گە، اولرده

اوшибو بوليمده درسليلك كتاب متنيگه نيمه كيريشيدن آلدين اوقووچيلرگه تيارلنگن درسليلك كتابدن كپره كلى مهارتلر جمله دن تانيشيش و عاطفه حسينى معلومات پريشى لازم. معلومكه اورگنيش اوچون زمينه تيارلش كپره ك بوله دى. شو اساس گه كوره درسليلك كتاب هم اورگنيش و سيله سى بوليب، اصلى مسله لرنى پيشكشى دن آلدين بيرينچيده انگيزه باشلغىچ معرفتى او نده ايجاد اپتيش لازم(ملكي، ۱۳۹۴: ۱۲). باشنىش بوليمده قوييده گى موضوع لر كېلتيريله دى:

بوتون متنلر فهرستى: درسليلك كتاب فهرستى اوشه اساسى و اصلى محتواسى، اوقيتووچى و اوقووچيلر معلوماتى اوچون بوتون محتوا فهرستىنى با شده كېلتيريله دى. او شبو فهرست معمولگه كوره بوليم لر(فصل) و عنوانلرنى اوز ايجىگه آله دى. ياكه فصل لر عنوانى نىچه محتوا نىنگ عموم شكل لرى كيريتيله دى (اوشه).

محتوا تفسيلي فهرستى: اوшибو بوليمده كتاب نىنگ محتواسىنى كته و كىچىك عنوان لرى تفصىلى و جزى شكلده بيان اپتيله دى. اوقووچيلر فهرستى مطالعه اپتگن زهاتى توليق صورتده در سليك كتاب مطلب لرى بىلە بيرگه كتاب گه علاقه كورستگن موضوعنى تېزلىكده و قىستىنمه متندىن اىزلى تاپه آلىشىگه قادر بوله دى.

تصويرلر فهرستى: تصوير درسليلك كتاب لرنى محتوا لريدىن سنه دى. شو اوچون اولر نىنگ تنظيم و ترتيب گه سالىش و تىلشىدە چوقۇر توجه قىلىش كپره ك چونكە درسليلك كتاب لر تصويرىگە اوقووچيلر و اوقيتووچيلر باقىشى ممكىن. در سليك كتاب لر اينىقسە باشلغىچ دوره اوقووچيلرى اوچون

كتابلرنى مستقل اوقيب اوركىنيشى نتيجه سىده جغرافىه، استرونومى، طبیات و باشقە فن لرگە عايد آيريم معلومات لردىن خبردار بوله بارگن لر (اوشه: ۷۶).

اوقووچيلر درسليلك كتابى

درسليلك كتاب ساده و روان ياززو رو شده بوليب، اوقووچيلر قىنالىمس دن آسانلىكىدە اوقيشىگە قادر بولسەلر. اولر درسليلك كتاب لرنى بير مرته كۆز قره تىشى بىلەن مطالعه قىله آلسە لر. معمولگە كوره درسليلك لر تورلى بوليم لردىن شكللنه دى. هربىر بوليم مخصوص فصللرنى اوز ايجىگه آله دى. شو شكلده درسليلك كتاب لر باله لرگە قىزقرلى و اولرنىنگ توجە لرنى اوزىگە قره تىشى اوچون كپره ك بولگەن منا سب تصويرلر اينىقسە كارتونى تصويرلر و جدول لرنى كيريتىشى ممكىن. دېمك اوшибو تصويرلر اوقووچيلرگە درسىنى يخشى اوركىشىلرى اوچون ياردە بىرەدى. شو شكلده درسليلك لرده كېتمە-كېت فعالىتلر و سوراق لر اونگە قوشىمچە بوله آله دى (كورش فتحى واجارگاه، ۱۳۹۰: ۸). درسليلك كتاب لردىن مؤلف

قوييده گى ويژه گى لرنى كۆزلەيدى:

- يىنگى، زمانوى و اينىقسە كپره كلى معلومات لرنى لوندە قىلىپ، قىزقرلى شكلده درسليلك كتاب لرده كېلتيرە دى.

- درسليلك كتاب لر فردگە خاص بوليب، مخصوص دوره گە اساس له نىب، تاليف و تدوين اپتيلەدى.

- اوقووچيلر و اوقيتووچيلر تاليف بولگەن درسليلكىنى فايدەلى و صنفادە اوندىن استفادە بولىنە دى دېب، توشونىش لرى لازم (اوشە، ۱۲).

درسليلك كتاب نىنگ باشلنىش(مقدمە) بوليمى

کېرەك (شىانفر، ۱۳۸۸: ص۷). شو اساس گە كۈرە درس متنى آرتىقچە كىفietلى و اوْرگىش قابليت لر بىلەن تاليف اپتىلسە، او شە اپنگ مەمۇن وىزەگى لرى قويىدە ايضاح لە دى:

۱- درسلىك كتاب قورىلىشى: درسلىك كتابىدىن اوْرگىشىدە تاثيرلى عامللىرىن بىرى، او نىنگ قورىلىشى دىر. افكار و اندىشە لرنى منطقى روشىدە ترتىب گە سالىب، يېل و يۈرۈق لرنى كورس-تىب، او لرنىنگ بىر-بىرى بىلەن باغله يىدى (حسن ملکى، ۱۳۸۴: ۱۲). درسلىك كتاب قورىلىشىنى كىفietلى تنظيم اپتىش او چون قويىدە گى مورد لردن ياردىم آلىش كېرەك:

الف) باغلاوجى سۈزلىر، اىكى گپنى بىر-بىرىگە او لەيدىگەن سۈزلىر. جملەن چون، الـدین، مثال او چون، اونگە ماسلىشتىرىپ،...

ب) قورىلىش كىفietلى او چون آچىق-آيدىن عبارەلر بارلىگى.

ج) باش سۈزلىر و باش عبارەلر ھمدە عنوانلىنى هم افز اىچىگە آله دى.

د) قىسقىرتمەلر

تېكشىرولىرىگە كۈرە يخشى قورىلىشى بار درسلىك كتاب ياكە او قووچىلىرىگە افز قورىلىشىنى آشكار اپتىگەن درسلىك كتاب دن بىلىش احتاللىرى، اپسىلىشى و كتاب دەگى او رگىلە دىگەن معلومات دن ايش آلىشى كۆپىيە دى (او شە، ۱۳).

۲- متن منسجى: او رگىش قابليتىنى آرتىرە دىگەن درسلىك كتاب نىنگ ينه بىر وىزەگىسى، درس متنىنى بىر-بىرىگە باغله نىشى و تنظيم و

تەصوير جودە يخشى محتوا سىنلەدى. دىمك بالەلر تېزلىكىدە قىزىقە دى. مكتب گە علاقە تاپە دى يخشى رو شەدە يۈلەنە دى (يازو ووچى).

نمودار و جدول لر فهرستى: معلوم كە، درسلىك كتاب محتواسى عكس لر، نمودار و جدول لر آرقەلى او قووچىلىرىگە تو شۇن تىرىلىدە دى. دىمك بىر جدول نى تېكشىرىش بىلەن بىر كتە موضوعى خلاصە سىنى بىلە سىز. شو اوچون درسلىك كتابىدە جدول و نمودارلار فهرستى ھم سىغىدىرىلىشى لازم.

درسلىك كتاب محتوا بولىمى

معمولىگە كۈرە بىر درسلىك كتاب، او قووچىلىرىگە مؤلفلر تىمانىدىن مناسب شىكلەدە مخصوص موضوعە اپق معلوماتنى تۈپىلە، تىيارلەنە دى. درسلىك كتاب دن او رگىش، تاثيرلى بولىش دليل لر گە كۈرە خاص وىزە گىلىرى بولىشى كېرەك. شونگە كۈرە او قووچىلىرى او رگىش قابليت لرنى آلغە آلەب بارسىھەلر. كىفietلى و قوهلى محتواسى بار درسلىك كتاب لر اينىقسە او قووچىلىرنى يوكسلىشى و سۈنگى او رگىش لرى او چون ياردىم بېرەدىگەن درسلىك لرنى جودە يخشى دىب ايتە آله مىز. بونقە قابليتلى و كىفietلى درسلىك تىيارلش تعليمى نصاب اينىقسە درسلىك كتاب لرنى تاليف ايتەدىگەن ادارە لرنىنگ اپنگ دالضرىب فعلىت لرىدىن سىنلەدى. اپتىش لازم، تىيارلەنگەن مطلب لر امكاني بارىچە كوندىلىك حيات و اجتماعى ساحەلرگە تېگىشلى بولىشى كىرەك، مادى حيات دن آرتىقچە مثاللىرى كېلىتىرىش جملەن يىشىن محىط و حيات، انزىزى مسايلى دەقانچىلىك، يېمك و اىچمك، كيمياوى صنعتلىر و باشقەلرنى تورلى بىلىملىرىدە مثال شىكلىدە ياكە سۈراق صورتىدە درسلىك لرده كىرىتىلە دى. شو يېل بىلەن درس نىنگ كىسلىك، ياقمىس حالت دن قىزىق حالت گە كېلىتىرىش

عنوانی محتوا گه با غلمه نیشی: متنی تنظیم و ترتیبیکه آرتیقچه یاردم بیره دیگن ذات عنوانی محتوا گه ارتباط پریش دیر. عنوان اپنگ آز سوژلر بیلن کتاب محتواسینی معرفی اپتیشی کپره ک. بعضاً بیر عنوان ینه بیر کیچیک راق عنوان بیلن تکمیل بولیب، بیر مبهم متنی او قوچی درکی و تو شونیشی اوچون یاردم بپرهدی. ینه هم کتاب محتواسی مبهم بولسلایگی اوچون اینه یلیشی کوتیله دی (اوشه، ۱۴: ۱۳۹۴).

مفاهیم کوپلیگی: اورگنیش اوچون ینه بیر تاثیرلی عا مل، درس متدیده مفاهیم تراکمی دیر. کینچ و همکارلری اوшибو موضوعگه چوقور باقدی. اورنگ اوچون: گپ او زون لیگنی ثابت سقلب، آرتیقچه معنالی نکته لرنی جمله ده کیرگیزیب، او قیش جریانیده زمانی کوپ آلیشی اپس مفاهیم تعدادی سوژ شکلیده مطرح بولگن، اوذگه تپگیشلی بولهدی. کینچ و همکارلری محدود راق معنالی مفهومی بار مطلب رگه کوره، تولی معنالی مفهومی بار مطلب رنینگ او قیش زمانی کوپ راق و اپسلش مقداری آزراق ایکن لیگنی ثابت قیلگن. ینه بيرتماندن، ينگی مفهوم لرنی او زیگه الگن مطلب رگه کوره، تانیلگن عنصر لردن شکلنتگن مطلب لرنی درکی و اپسلشی آسان راق دیدی. قیسه صورتده ایتگنده؛ متن قنچه قیس قرtierیلگن بولسله (ینگی مفهوم دن شکلنتگن) او نینگ او قیش اوچون زمان کوپ راق صرف نهیش کپره ک. همده او نینگ اپسلش اوچون او قوچیگه ذوق کمران بولهدی.

مهم اطلاعات، کم اهمیتلی معلوماتگه کوره نسبتی: اورگنیش گه تاثیر تسله یدیگن و پره گیلردن

ترتیب دیر. تنظیم و ترتیب نیچه تور بیلن عملگه آشیریله دی، جمله دن اندیشه و افکارنی بیر- بیریگه با غله یدی، گپ لرنی بیر- بیریگه تاقه دی، با غلا و چی لرنی اپنگ مهمی ارتباط پر ووچی سوژلر نی تولی شکل لری جمله دن ضمیر، با غلا و چی حرفلر (و، یا، نیمه اوچون، چون، هر حالده) درس لیک کتاب لر مفهومنی اپسلش و بیلیش اوچون با غلا و چی لرنی کوپ اهمیتی بار (حسن ملکی، ۱۳۹۴: ۱۳). انتونی هاینس نظریگه کوره درس لیک کتاب محتواسینی ترتیب گه سالیش اوچون اپنگ مهمی، مؤلف درس لیک کتابنی یازیش جریانیده بیر تصویرگه چوقور با قسین. هر بیر صفحه محتواسینی فصل محتواسیگه قنده؟ با غله نیشی باره سیده اینق فکر قیلیشی کپره ک. عینی شکلده فصل محتوا سی بوتون کتاب گه نیمه؟ اورنی بار لیگی حقیده با غله شیشی لازم (اوشه). معمول شکلده درس لیک کتاب مؤلفی اوшибو با غله نیشی سقالشگه موفق بوله آله یدی اولر درس لر محتواسی، فصل لر و کتابدگی مفهوم آلب بوله یدیگن بار مطلب رگه قره گنده مهم حالتی بولیشی ممکن و ذهنی مشغولات دلیل لرگه کوره او ز تعادل نی قولدن پریشی ممکن (اوشه). درس مطلب ری نی با غل نیشی، فصل و بوتون کتاب مبهم بولگن صورتده اور گنوچیگه تولیق بیلیم حاصل بوله یدی. معلومکه، بونده کتاب لرنی او قیش، بیر نامنا سب هیدوچی بیلن سفر قیلیش کبی دیر. دېمک کتاب او قوچی جوده قیلیک بیلن بیر صفحه نی ینه بیر صفحه گه با غله آله دی. اوшибو ایشده اصلاً موفق بوله آلسی ممکن (اوشه ص- ۱۴).

سۈرەق درسلیک کتاب محتواسى نىنگ بىر بۇلىمینى تشكىل بېرەدى. سۈرەقلر معمولىگە كۈرە هەر بىر بۇلىم نىنگ سۈنگى سىدە اىرىيەم پىتلەدە متنىدە طرح اپتىلەدى. متن اىچىدە سۈرەق طرح اپتىش اورگىنىش اوچون اۇقووچىنى فعال سقىش اپنگ مەم عامل لىدن بىرى سىلەدى.

درسلیک کتاب محتوا ياكە متنىنى توغرىسىدە اپنگ سۈنگى سۆز:

يو قار يىدە متن حقىدە بىحث آلىب كېلدىك و تورلى نظرلەرن شۇنى بىلەيش كېرەك كە، درسلیک کتاب تىارلۇش جودە اسا سى، علمى و نىچە بۇلىملى دىر. شو دليل لرگە كۈرە درسلیک كتابنى طرحى و تاليفى نىچە عامل لرنى اۋز اىچىگە آلهدى:

۱ - طرح و رىيجه لىشتىرمىسىلىك دن آلدىن درسلیک کتاب تاليفى گە قول اوروش ممكىن اپمىس. درسلیک کتاب متنى گە عامللەر و تورلى بۇلىملەر تاثىرى بۇلىشى اوچون نياز سېزىلە دى. درسلیک کتاب قورىلىشى ده ابهام بۇلىسىلىك اوچون بوتون توركوملار و عنصرلار بىر-بىرىيگە باغلىق صورتىدە تنظيم اپتىلېب، انىق صورتىدە طرح و برنا مە قىلىش لازم. اوشبو وىزەگى لر درسلیک کتاب ماھىتىنى با شقە کتاب لىدن فرق بېرەدى. اصلگە كۈرە، درسلیک كتابنى تاليف اپتىلېشى دن آلدىن علمى صورتىدە برنا مە بۇلىسىلىك عقلسىزلىك و ناقۇلايلىك دىر.

د) درسلیک کتاب متنىگە سۈرەق گېلىر كېلتىريش: درسلیک کتاب دن كۈپەرەق اورگىنىش اوچون، تورلى سۈرەقلر دن فايىدەلىنىش كېرەك. اۇقووچى مناسب سۈرەق لىرى بىلەن مطلبىنى يخشى بىلىپ، مطلب لرنى تېزلىكىدە درك اپتىلەدى. درسلیک کتاب ده سۈرەق گپ طرح اپتىشىدە مقصىد، قويىدە گى اهمىتلىرنى اۋز اىچىگە آلهدى:

الف) اۇقووچىنى اصل و مەم نكتە لرنى قىيەتىه اۇقىشى گە قىزىقتىرە دى.

ب) اۇقىتووچى، اۇقووچىنى متنىدەن اورگىڭن مطلبىنى تېكشىرىش گە قادر قىلەدى.

ج) اۇقووچى متنىدەن درك اپتىگەن مطلب لى مقدارىنى تېكشىرىش گە قادر بۇلەدى.

د) اۇقىتووچى لرگە صنف فعالىت لرى و صنفدىن تىقىرى فعالىتلىر، اوى تاپشىرىغى و سۈرەق سۈرەشنى تعىين اپتىش اوچون ياردىم بېرەدى.

ھ-) اۇقووچىنى سىنماو سۈرەق لرنى طریقە لرىگە آشنا بۇلىشىگە ياردىم بېرەدى.

و) اۇقووچى لرگە متنىدە گى مطلب لرنى يخشى بىلىشى اوچون ياردىم بېرەدى.

ز) اۇقووچى لرگە تورلى موقعىت لىدە، اورگىڭن لرىدىن فايىدەلىنىش اوچون ياردىم بېرەدى.

ح) اۇقووچى لرنى افكارى و ذهنىنى اۇسىشى گە كۈپەرەق ياردىم بېرەدى.

و ناتیش و مفهومسیز نکته‌لرni آجیقلانی اوجون کته خدمت قیله‌دی. همده من مطلب لرینى اپسلش اوجون اوقووجى گه ياردم بېرددى. مطلب لرگە عنوان کیلتىرىش اوجون افراط قىلىسىك كېرەك، منن گه آرتىقچە عنوان ذكر قىلىش اوقووجى اوجون فایدەلى اپس (اوشه، ۱۸، ۱۲۹۶)، عنوان سوراق و درگ گب شكلىدە يازىلىشى مىكن، عنوان من ايجىدە ياكە حاشه‌دە بىتلەشى مىلى، بىكشىرووگە كورە، عنوان، اوقووجىگە معلوماتنى اپسلش و مطلب لرنى قىھە اخترىب، تايىشى اوجون ياردم بېردى، بېراق عنوان تىنگ متىدە ياكە حاشه‌دە بولىشى دېيمىك اوتنىڭ موقعىتى اوقووجى گه اوژچەلەيك تائىرىي بۇق.

ج) سۆزلر و گپلر اندازەسى؛ اوزون گپلر و مفهومسیز ياراگرافلر جودە قىيىنجىلەك بىلن اورغىنلە دى، درسلىك كتاب و من طرح اپتىشىدە قىسقە گپ لر ايشلە تىلىشى كېرەك، اورغىنوجى آسان جملە لرنى اپسلب، اوتنىڭ سۈنگى مطلب لرگە ارتباط بېرە ئىشى مىكن بولىشى كېرگە، سو سكىلە كوب حرفلى و كوب هجالى سۆزلر، قىسقە راق سۆزلرگە كورە قىمىزراق دىر، سو اوجون بىر مەنتى اورغىنىش قابلىقى كوبىھىسى اوجون گپلر و عماراتنى تنظيم اپتىشىدە قىيدە گى اصولىگە كوز توپش كېرەك:

- اوزون عباراتى قىسقە عبارات گە بوللكلش.
- مجهول گپلر اورنىگە معلوم گپلر دن فایدهلىش.
- مەنتى لغت لىدن فایدهلىش جملەدن (كويراق)، و (أغىرراق) مەنفى سۆزلر اوزىنەگە جملەدن (أزراق)، (جزىي راق)، (اھمييتسىز راق).
- مەنفى گپلر اورنىگە مثبت گپلر دن فایدهلىش.

بىرى، اصلى مەھم مقدارى حاشىە كە كورە مەسبىنى تىنگ دى بىر دېزە گى لىدن بېرى دېر، تجرىي تېكشىرسوولر نىچەدە لرىكە فېرەتكە دوسن تىنگ قىسىقىتمە مطلبىنى (ا) دى، مەنگى اوقدە حى بوتون كتابنى او قىمەنگى اوقووجىلەك كورە اصل نکھلرنى تشخيص اپتەلە دى، يىڭى مۇرۇملىقى يخشى اورغىكە آللە دى. تحقيقات كە كورە بېرىلەنگى معلوماتنى مەهم نکھلە لرى اوغۇرچىلەك اسکار و اندىن بولاسە، كوجىلى اورغىكە دى و حافظەسى زىد اپتە دى، اگرە مەهم نکھلە لرى مەسخىز بولماكن صورتىدە دەدف سىز اطلاعات بولىپ كۆزگە كورىتە دى و نکھلە ارسىدە گى باغانلىش لر تصادقى شىكىدە درك اپتەلە دى (اوشه، ۱۷: ۱۲۹۴).

من فعاللىيگى و اوئى اوزىگىنىش قابلىقى: درسلىك كتاب بىلن باشقە كتاب فرق لىرىدىن بېرى درسلىك كتاب مەنتى فعال و قىزيق تېرىدىيگىن سورتىدە تنظيم اپتىلە دى، اوستۇ و بېزەگىلەك اوقووجىسى مەنگە اپق توجه سىنى قەرىتىدىن باشلىپ، تورلى اوزىگىش فعاللىت لرى و بىلەمىنى كېنگى قىزىقىنى اوزىجىكە آللە دى، قوپىدە نېجە اورنىك فعال مەن بوزەپىش اوجون مؤلفلار فایدەلە آللە دى:

الف) كوجىلى منن بوزەپىش: هەدايم اوقووجىنى بېرى مەن، قىزىقىنە مە بدەي، مەنتىن اپرىم بولىملىرى كوجىلى بوللى، اوقووجىنى اپق توجه سىنى قەرەتىپ، اوزىگىنىش اوجون ياردم بېرددى، حرفلى تورى، حرفلى زىنگى و حرفلى اندازەسى آرقەلى اوقووجىنى مەنگە قىزىقىنە دى.

ب) مناسب عنوان تنلىش: درسلىك كتاب مەنتى تىنگ تورلى بولىم لرى، گە مناسب عنوان تنلىش مطلبلىز تېرىپ و تنظيمىدىن باشقە مەنتى فعال سقلىشى اوجون نهايات تانبرلى دىر، عنوانلار منن اوقووجىلەنلى دركى

درسليک کتاب نى اپنگ سونگي بوليمى حقيده نيمه لرنى كېلتيريشى باره سيده معلومات تۈپلەپ، عزيز اۇقووچىلرگە حوالە اپتە من. هربىر درسليک کتاب اوچ بوليمىدن شكلنگن جملە دن باشلىنىش، کتاب متنى و سونگى بوليمىنى اۋز اىچىگە آله دى (ملکى، اورگىنىشنى كوشلتىريش و قايم قىلىش گە نياز سېزىلە دى. اوшибو بوليمىدە اورگىنىش نى تحكىم لش، اورگىنىش فعالىت لرى، ارزيابلىك روشى و اورگونچىلر اوچون كېرە كلى توصىعە لرى سونگى بوليمىگە سىغدىريلە دى (او شە). (۳: ۱۳۹۴) اگرده افغانستان تعليمى نصاب رياستى ده تاليف ايتىلگە درسليک کتاب گە نظر تسلنسە بولرده کتاب نينگ سونگى بوليمىدە سۈزلىك كېلتيريلە دى دىمك اۋشە درسليک متنلىرىدە گى قىين سۈزلرنى تۈپلەپ معنا قىلىب، اوшибو بوليمىدە اورينلاشتىرە دى هىمەدە معارف ترانە سىنى سىغدىرە دى (يازووچى).

منبعلى:

- ۱- شايانفر، دكتور حيدر على و همكاران، ۱۳۸۸، راهنماي تاليف، ترجمه و نشر كتاب هاي درسى علمى كاربردى، تهران: دانشگاه جامع علمى كاربردى.
- ۲- ملکى، حسن(۱۳۸۴)، شيوه طراحى و تاليف كتب درسى(بخش يىكە و متن)، تهران: سخن سمت، شماره ۱۵، پايزى ۱۳۸۴.
- ۳- ملکى، حسن(۱۳۸۴)، شيوه طراحى و تاليف كتب درسى(بخش مقدمە)، تهران: سخن سمت، شماره ۱۴، بهار ۱۳۸۴.
- ۴- واجارگاه، دكتور كورش فتحى(۱۳۸۵)، راهنماي تاليف كتابهای درسى، تهران: آيىز، ۱۳۸۵.
- ۵- چوکات نصاب تعليمى افغانستان، ۱۳۹۰.

۲- درسليک کتاب تاليفىدە، روح شناسلىك، تكنالوژى، نصاب و باشقە هنرى بوليمىر جملەدن (گرافيك، خط، صفحە بېش...) جودە اهمىتلى و توغرىدەن- توغرى د خالت اپتەدى. تاليف و طرح جريانىدە اوшибو فن متخصص لىريدىن فايىدەلىنىش كېرەك. هربىر ضرور فن متخصص لرگە توجه قىلىمىلىك و كوز توتمىلىك، اولرنىنگ نظرى آلينمسە، درسليک كتاب متنى كمچىلىككە سبب بولە دى.

۳- درسليک کتاب نينگ ينه بير ويزه گىسى گروھى ايش دير. كتاب محتواسى حساس ليگى و نىچە بوليم ليگى درسليک كتابى تاليف اپتىش اوچون بير صلاحىتلى كېنگاش نى اىستەيدى.

۴- درسليک کتاب محتواسى نينگ اپنگ سونگى ويزه گى لرى جملەدن ارزشلى بوليش، قولەى ترتىب، منسجم بوليش، محتوا فعالىيگى، چىرايلى بوليش، محتوا مناسب حجمە بوليش اوшибو ويزه گى لرى درسليک کتاب طرحى و تاليفى اوچون جودە اهمىتى كە. اولرنىنگ درسليک كتاب بده رعايت اپتىش و عملدە كورگىش يخشى مهارت و يوقارى تجرى به و تورلى روش و فنلر اپگەسى بولىشى لازم (اوشه، ۲۳: ۱۳۹۴).

در سايك کتاب اوچىنچى بوليمى(سونگى بوليم):
معلومىكە درسليک کتاب اوچ كتە بوليمىگە بولىنە دى يوقارىدە باشلىنىش و متن بوليم لرى حقىدە كېرە كە معلومات لرنى اشارە قىلىدىك. مقاھى نى بوليمىدە

محمد قادر هوتا

پشه يي نامي بارايه

پشه يي گه افغانستانس اي قوم او باشتا نامه شې، پرانی سندپلا، لکنۍ او کتابه کوچه بهاشه، پيشاچه، پيشاوي، پاشايي، پشائي، پشوبي، پشة، پشي، پشه او وري نامه او شکله دي اوashi، اپلو گه تانکې پشه يي کوتۍ نامي اودای گوربن بتیک او يا نام جېنسنا وجي کويک شې، او هولګي مه خلکه او جبې آتنې پشه يي ماگن؟ مې بابتہ کوتۍ لکوي سندپلا نه شن. بدې گره به اپته نظریات گه يه بارايه سن، موتي رکمبدې پورا بیاکن.

سيناس

قفسستا يعني اړ پشي آتنې

ماگن. گه اپمه رکمبدې کهرها، کاتپلا او قوي معنا دارا. لمنګل نظر اپلو گه: اپلو پشه يي نام بهاشه اودای گوربن بوا شې گه پانيني اوچجوبي او مې اودای سانسكرت جب جو پيويا سې، خول گه بهاش يا باش پشه يي جبې کوچه لفظ او لسان آتنې ماکن. اهولي: اپلو کو باش کیا؟ اپلو امه باش آس او وري.

چارمنګل اپلو سې گه: اپلو نام پيشاچه اودای گوربن بوا شې او مرحوم دوست شينواري به کدوبي سې گه، مبنه پکرپدې اپلو کليها اپت هونا پشه يي پلا مطابقت دارا. (۲) پيشاچه او پيساسه به اي پشه يي کليها سې، هولګي که پشه يي جبدي کم فرق پلا (پې آسا) آتنې کدا او اپلو گه پشه يي آبيآيچ، ويي ميسى خاطري مه نامبدې ياده بوي آن. وري تلن تانکې کاپيسا به بوره هوني نوشتا يه کوچه کياپيشي او پيشاكا شکلبدې اوا سې گه ميمه ليين اودای لپا، پشه يي کيا او پشه يي کېکالي معنا دارا.

پروالي نظر اپلو سې گه مېگا: بو دنهونې زمانایه کوچه مېمه اپت هونې پشه ينه اودای گه آريابي او الیناینه نامبدې به اوچبن بوي آن، اي پاچا آييك گه مېسه باشبدې اگت کياييك، ميسسي خاتري اپمه جب او خلکه آتنې تېمه پاچا يا پا شا پلا ارتباط نسبتبدې پا شايي کدوبي سې، گه يان دن نېمنا یومه پاشايي نام پشه يي سره پړکوا سې. اپلو تاري اگت سې گه دنه پشه يان گه مرکزي لغمان سې، تانهه تانک پاچايي دارييچ. چيني ناملا زاير هبون تسنګ گه ۶۲۹ او ۶۴۵ ميلادي کاله منجه لانپو آتنې اوا آييك، يه بابتہ لکګا: اپمي خاتري گه کا پېرېه دي اپله بل مه مملکتس شاهي پوګلي منجاي پروا سې او دشتېينستا قدرت درپني خاتري اپمي جایه گه اي وربس آست الانگرسنا مندن، تانک کوچه مخالفتې کپويا او آخری يان کياپيشي- (کاپيسا) س تابعي بوي آن. (۱)

(لغتمame دهخدا) کوچه به پشه يي (پشه يا پشي) پا شايي او پادشاهي ليين اودای اشراف لپن بوي آن. دومنګل نظریا اپلو شې گه ماگن: پشه يي پشي- اودائی گوربن بتیک. پشي- پشه يي جبې کوچه ور، ديوال او هم

او دنه هونی درا او ساحا سن لیاییگان. بو واقعیت مرحوم بوهاند حبی اس لکنی کوجه به گه نی کوجه الینا الینگار او الیستنگ خلکه آتنی کدن بو اسی تارا رکمبدی لیا بیسیگان. (۵)

مرحوم دوست محمد دوستی د افغانستان زبی او توکمونه نامبدی تانک کتاب کوجه صراحتبدی پشته بینه آتنی الینایی کدویی سی.

بوهاند دکتور محمد حسین یمینی الینگارس وجه تسمیا پابنه کدویی سی گه امه کلیاس اول وته الینا سی او سه لغائی شیال او نورستانس ای قبلاس نامه سی او تیس دومنگل وته کار او گر سی گه جای او منطقاس مفهوم دارا. وین الینگار الیناینا تگ جایی آتنی کدا، الینا جز قبلا معنایدی لغائیس الیشنگ او نجرایس (کایسا) الله سای نامه کوجه به لیان گوریا. (۶)

امي خاطری گه ای تلن الینگار، الیشنگ او الله سای درا او تیس کنه سنه پشته بتنا اصلی او دنه هونا تک جایه سی او پشته بی جبی کوجد که ساحاسن اصلی جبه سی، الینگار او الیشنگ نامه تربیدی الیناس جای او گوتینگ او الله سای (الله شاه خیل کلیاس مخفف او پرین بو شکلی سی) الینا شاه خبل آتنی منسوب معنا دارا او وری تلني ایت به او جبیوی درا او تپنا کنه سنای بو ارک تکالیا مهم پشته بی جبیدی اکنی کیا او پشته بیان آن. وین مه واقعیت اودای ابلو لرا گه الینایان ابت هونی پشته بتنا او وری داردي قومیلاینا اصلی تانکولیا آن.

۲ - داردي: بو اصطلاح بو دنه هونی گالایه دی ابته خلکه او جبه آتنی پشته بو اسی گه هندوکشی جنوب او جنوب سورآلک ساحایه کوجه جنوی آن او پشته بی تیس ای مهم قوم او جبستا جویی. ای گنات وارکالی ابلو باوره آن گه داردي جنا گروپ ایرانی جنا دلا اودای سی. ای وته بیان مه جبی هندو آریایی جبه اودای بایی او ابلایی وری اهولی گریزمن تی هیچ کوتی بلا به نه تنگی. بلکنی ای آریایی لهجا بایی گه ایرانی او هندو ایرانی متوجه وستنی لیاویی سی. معاصر دله وارکالی داردي جبی ایمه ۳ وته سره ونټویا سی.

۱ - مرکزی داردي جبی

انخول پیشاجه کلیما دیو معنایدی به او اسی گه شنیدی پشته بیان او وری داردی او الینایی قومیلا بو کهری، باتور ابرودی او قهرمان خلک آن او مه رکمبدی پشته بیان پا شایی نامی شمولیدی کایلا او کهراس معنا دارا. خو هر رکمبدی ابلو گه ابلایی لکنیه کوجه پاشایی او پاشایی لکن بو اسی سبمه اولوا لاظریا گه پشته بی پاشا (پادشاه او پاچا) اودای گوریت بو اسی، صحیح لرا.

مرحوم عبدالحق حبیبی لکا: «ابله هندوکشی جنوب او هندس شمال غربی سرحد پلاینا ابلایی جبه اهولی داردی او پیشاجا تانک دنه هونی حال کوجه دروی سی او مه جبی هتدی او ایرانی وتهان دی بورا ابلایی آریایی ذخیرا دارا. (۷) وین بقینی رکمبدی کده باکنان گه پیشاجه بومه پشته بی جب سی گه هندوکشی جنوب سرآلک تلن خلکه گرای پتین گوریا او «افغانستان» جم داردیکی جبه کوجه بو او کایلی دروی سی گه بو آریایی مسیرات او خصوصیات دارا. (۸)

پشته بی خلک او جب وتواها هزار سالا تاریخس لکایه کوجه پلایپل دلایله گرای الینا، گندههاری، داردي، لغاني، دیگان او دیگانی، کوهستانی، کافر، سیاه بوش، سفید بوش، کوری، نورستانی او وری نامه دی به اوجین بوي آن گه اکور بل هر واسنا وجه تسمیا بارایه لوش وین گوریا.

۱ - الینا: الینا ابته ۱۰ دنه هونی آریایی قبلاش اودای ای مهم قبلاسی گه ۲۰۰۰ قم کوجه آریاناس سرآلک وته سندس نندی کویه بیهاراناس گنی قبلا او تیس متحدینه پلا ازجالی کبویی او مه رکمبدی ناهمه تاریخ کوجه تبت بو اسی.

دبی آریایی دشتیان او اوجبوی قبلاش ازجالی بابته بو لکنی او نهضلات بوي سی گه تیس تکرار آتنی ضرورت نه سی او کپولا ایسه حققت لوش ککستا ایرمگم که نه زمانای الینایی قبلاس جمه دی مهم او اساسی وته مهمه ایت هونی پشته بیان آیج، باوری عبارتبدی ته زماناس الینایان ابت هونی پشته بتنا تانکولیا آیج. ابلو گه ابلایی وارکالی پشته بینه الیناینا اولاد بایی او مه آتنی الینایی کدا، عینی او انکار نه منکالی شواهد سی او ته ایمه گه الینا کلیاس لینی الینگار، الیشنگ او الله سای نامه کوجه گه ۳ گپنج

جب دنه وخته کوچه لكان، پريک، قلم او كتاب مورخ آنې پولوي سى.» (۱۱)

۳ — گندهاري : اپلو گه وتوی دنه کوچه کابل او پشاور منجاي منطقا يا وري عبارتبدى كابل ننديس حوزا گندهارا نامېدې ياد بایك ، ميسىي- خاترىپ ايمه منطقاس خلك او جبه گندهاري نامېدې اوچېن بوي سن. هول گه آريانا دائرة المعارف رويدې : کودن گه لمنگل ق م دې لمنگل ميلادي پيرى جا افغانستانش شمال او شمال غربى منطقا يه کوچه پرشوی (پهلوی پارتى) جب معمول آچ ، هندوکوش کوچه گندهاري پراکریت دومنگل جب آچ گه خروشتي رسم الخط پلا وونا آچ. اپلو جب گه ليني شك دې اورتا ويدى دورا آنې پولا ، هندوکشس چىكە جنوب شرق کوچه محلى او ملي جب حىپىدى شرىي اغت بايچ. (۱۲)

اپمىي کوچه هېچ شك او شبها نه سې گه پشه يى جب ويدى او گندهاري پراکرېت جېپس ادامىي او بدل بوي شكللى سى، گه ايمه منطقا کوچه وئوي او مورگېنىسترس کدنما اسىپىدې به : "پشه يى اپته دنهونى جېپس اپت هونى شكل او منجه اچويا سې گه اسلام دې پورا هندو بودايى كاپيسا او لمپا كا (الغمان) کوچه مرین بىگاچ " (۱۳) اپلو واقعىت تارىي با گه گندهارا انهول منطقاس نامه آبيك گه تى کوچه بو ارك پشه يى خلکنا تامه کولىنىستا زندگى كپويى او گندهاري پراکرېتس جب ابت هونى پشه يى جېپس پوره هونى شكللى آچ.

داكتر سيدچراغ حسین شاه کدنایدې : اپسە گندهاري جب گه ابت هونى جبنا آيه باين گوريما، يو گندهاري مېمە پشا يى اوداي منجه اوئى شې. او چويه دې جالب لا اپلو گه تانكى گندهارا به اي پشه يى كليما سې. گندھ پشه يى جبې کوچه او امزات سنسكربت کوچه به خوشبوئي او آرا اچكالا (خوشبوئي اچكالا) معنا ديا گه شنبىدى به وطنس اپلو همبىشە بهار منطقا ايمېند او وېپنده بو پېنچا داريك گرائى عطروتا هاواس داركالا او خوشبوئي اچكالا سې.

خداي بخچوا مير غلام محمد غبار به اي انهول ساندين او اشارا دارا گه گويما پشه يى گندهاراس اصلى جبه سې. يو لكا : " افغانستان کوچه هيطل دولتس منجاي پېك دې پتائى گندهارا بېلاپل محلى تشکيلاتنا داركالىي بىك . اپمىي

۲ - غربى داردي يا نورستانىي جبې.

۳ - شرقى يا خاص داردي جبې. اهولى كشمیرى.

گه پشه يى، تيرايى، وته پوري، گوارى، خوارى او كلشه يى جبې داردي جبنا مرکزى ونتې کوچه شامل سن. (۷) افغانستانس ابت هونى جبنا لoha کوچه داردي جېلا گه پشه يى مهم جبه سى، هندى جبنا شمال غرب دلا اوداي بابويما او شرحى ايمه ركمېدى سى.

ب السنه داردي : ۱۹ - پشه يى ۲۰ - گوارباتي ۲۱ - كلشه يى ۲۲ - تيرايى. (۸)

فرانسوی واله دوپوسن کدنما اسىپىدى، ايلاي نشانا او علايمه اوداي انخل تاپا با گه دارادييان يا دارادييان بو دنه هونى زمانا يه دې يبل تانك جايما بې جاي بوي نه آن، جبه بول دنه هونى او انخل كليما كوچىي ليان گوريما گه تانك ويدى شكللى ساتلپويما سن. (۹)

کودور که کدکان، داردي نام او يا اصطلاح اپته خلکه او جبه آنې کدن بوا سى گه اكتريتى پشه يى آن او وري تلن اگه تانكى داردي نامي آنې متوجه بمان او پشه يى جېپس پام کوچه درېپ پلا كمگوی دقت کان، مولاکان گه بول به اي پشه يى كليما سى، هولگې كه پشه يى جبىدى (دار) دارې آنې او (دي) كه اي بىسوند سى داراي معنا دارا. ميسىي گرای پشه ييان او مه داراي ساحاس وري تكالي به داردي (داراي) نامه دې اوچېن بوي او يان يومه داردي نام کوهستانىي سره پرتوا سى گه اي معنا ديا. (۱۰)

پيشاوسرس ناملا لککالا محمد پرويش شاهين به لكا: «مېنا علمي او ادبى جبه که پشه يى نام دارا هندس عالمنه پساجى، پشايى او پساجە نامه دې ضبط كپويما سى، گه يان جب مولېكالىي مه دنهونى داراي جېلا اي عام نام درد دردي نامېدى اي جاي كپويما سن او مه بې گنات جبه آنې دردكس نام دبويى سى. خوا گه تارنى او وىزىن بې وىي دردي نام به مه جبه آنې مېمە پشائينه دبويى سى او پشايى کوچه درد او دردي داراي او کوهستانىي آنې كدا او مه جم کوهستانىي جبې كه کونر، نورستان، دير، سوات، چترال، گلگت، تانگير او كشمیر جا چنوي سن مه جم مېمە پشه بى جېپس اولادىي سن. مه جمه جبه کوچه كپولا پشايى

خلک او جبهه به لغه‌نی نامه دې یاد بوي آن گه یو به پشه
یی لین دارا.

لامپاکا ، لانپو ، لامگان ، لمکان ، لمغان ، لمغانات ، لمقان
او انهول وري لغمنس دنهونی نامه او شکلبلی سن گه
تاريحس لگایه کوچه بیلاپل شکله دې ثبت بوي سن. اېمه
نامپلا کودن محدود ساحا او کودن ابٽ هونا ساحا دې گن
منطقايه آنتې اطلاق بوي سن، گه کودن اپن کابل او پشاور
منجای چيکه منتطا لغمان او لغمانات نامپدې اوچان بوا سې
او لغمان يا لغمانات نام کاپيسا منطقا دې اورپا چيکه پشه يی
جب منطقايه آنتې به يتپن بوا شې.

لامپاکا نامي کوچه (لام) کليما اي پشه يی نام شې گه تيس
پُرانتانیاً اپن آريايي جبي آنتې پولا او معنی لام سې او (
پاكا) اي روایت اسسپدې اپته کيس نامه آيیک گه لامپلا
شربى اوچپن بوي او ميکه منسوب بوي سن. لام کليما
مهترلام، نورلام ، كل لوم ، نولاما ، گللام (کهنه ده) نجلام ،
نولام ، ننگه لام ، کونته لام ، لوگرلام (که اصل کوچه لگه
لام سې) نچه لام ، پيلام ، کوكلامي او وري کوچه به سې گه
شارپلا ، لامپلا او درايينا نامه شن گه کونر، ننگرهار، لغمان
، کاپيسا، نورستان او پروان ولايته کوچه موقعیت دارا.
لانپو گه تي کوچه لان لام او ماني آنتې او پو پوې آنتې کدا
، معنی لامپلاینا پوه شې گه شتبدې لغمان نفوس دې پرووا
او آباد منطقا سې.

لامگان گه لمکان ، لمقان ، لمغانات او آخری لغمان شره پړکوا
او لهنه کوچه اوا سې ، لام او لامپلا معنا دارا او (گان) گه
اي پسوند سې او مشترک آريايي لين دارا ، مالکيت او
خاوندان مالکين (دهندين) معنайдې ايا، که يان یومه پشه
ېي لام کليما فارسي يا دريس ده سره پړکوا او لمکان آنتې
دهگان او ديگان کدن بواسې.

اپلو گه دنه دې لغمان او تيس کنه سنا منطقا کوچه پشه يیان
زندگي کيابيچ او کوزات گه تارا بيک تيس نامه به پشه يی
لين دارا ، مېمه دليلپدې وتوی وخته کوچه کپول والا
ركمبدې ننگرهار ، کونر او لغمنس پشه يیان او هم جبهه
لغه‌نی نامپدې به یاد بوي سې .

ولایتس چویه دې گن سلسلې کابلس تېمه رتیبلان آن گه
نؤمنګل مسیحی پېرس آخري جا شاروا آییک. امزات
پشاورس کاتلي محلی دشتیني گه کوچوالا تانکواکي پلا
زندگي کيابيچ ، اېمه چيکه مودا کوچه اسلامس منجه ایک
جا گند هارا ولايت کوچه بودايي دیا نت چلاچ ، بدې
زمناس وټيک پلا گند هارا کوچه افغانستنس اصلی دنهونی
آريايي جب اورن بچ او تانک جایه پښتو جبي آنتې اوږکن
او اي اندازا گند هاراس شمالي ونټه کوچه بیلاپل محلی
لهجا اهولي دنه هونا باجوري او پشه يی منجه ايچ." (۱۴)

او مندو کدا گه: " گند هارا ولايت (نجراؤ دراس) پشه يی
شعبا اوداي اي ونټستا غرجستنکه اېمه هجرت کوچه
وانټ گوربوي او له وري طایفا يه پلا ملوي او طبیعي
ركمبدې لهجا او جبستا تغیر لیاوېي سې. بدې مې پلا به
ابت جا به تېمه دنه هونا (پشه يی) نامپدې اوچبن باکن." (۱۵)

افغانستنس ايراني او هندي آريايي جبنا جدول کوچه به
پشه يی جب تيراهي او گوارباتي شمولپدې داردي او
گند هاری نامي لپنه اوی شن (۱۶) او شربوي شې گه
مرېکالپنا گنات رویدې اېمه جبهه اوداي چویه دې مهمي
پشه يی سې گه اېمه پچبل دې کوچه ملي جېپس مقامېکه
اورپي بوي شې. (۱۷) مندو کون گه پنجي منګل پېرس
منځکت دنه مرزا الغ بېگ او هم ظهير الدین محمد باپرس
زمانا کوچه او تيدي پتاي دنه کوچه تېنا کنه گورېکالپ
گرای گند هاري قبila سره لنګاتپلا با، مه بو اركي تانک
منطقا اوپري، کونر نندي دې وتا او تانک هم قوم خلكه
پلا (گه مېمه پشه يان آن) کاما او کاتر (کافرستان) آنتې وکا
او کابل ننديس گله او درايد کوچه تا تګاو جا دريائګن .
ابت اسلام سره اېمه مشرف بوی گند هاريان گه سوات او
باچور دې تا کونر، لغمان او تګاب جا وشوي آن گند هاري
او صافي نامه سره ونټن بتیج . (۱۸)

اېمه اوچبني او مثاله اوداي بکرپدې تارا با گه گند هاري
کليما بو ارك پشه يی جب او خلكه آنتې يتپن بوا شې .

۴ - لغه‌نی : اېمي خاتري گه لغمان اما وطنس اندو تلنې
ولایتلایه اوداي سې او پرانۍ دنه کوچه تيس چيکه تکالا
به پشه يیان آيچ، ميسېي- خاتري ايلائي لکنیه کوچه تيس

القسطنطیل تانک کتاب کوچه پشنه بیان دهگان قوم او ملت نامپدی اوچبوا او کدویی سی گه افغانستان شمال شرقی گن و نهستا کوچه زندگی کاکن او الہین جی سره اگت کاکن گه پاپرناها ، آین اکبری او وری منابعه کوچه لغایی نامپدی اوچبین بوي سی .

محمد حیات خان تانک کتاب حیات افغانی کوچه که پشنه جب برنسنی به سی نامه بیان دهگان قوم نامپدی اوچبوا او لھویی سی که ایلو قوم اوی سربی بو اسمازایی افغانستان شمال شرق کوچه درایک او ایت کپلا کور ، اوی با جوور او ایلایی وری لغایی کوچه زندگی کا او الہین جی سره اگت کدا که لغایی نامپدی باد بوي سی .

اوروالی نظریلا او لکنیه اودای ایلو تارا با گه دهگان با دهگان ایسه نام سی که کپولولا رکبیدی لغای ، سکھار او کونه پشنه بنه آتنی کدن بوا او دنهویی وخته کوچه ایمه تونکی وطنی وری جا به آتنی به بیوی او میمه نامپدی اوچبین بوي آن .

۶ - کوهستانی : کو رکم که بربل به اوچبینی بیک ، بورا پشنه بی خلک او ایمه منطقفاس تکالی داردي نامپدی گه دار دی او داری اودای اودای معنا دارا اوچبین گورهیایج ، گه بیان پجیل یومه داردي پشنه بی کلیما فارسیس کوهستانی کلیما سره بروکوا سی ، گه ایت چیکه پشنه بیان او ایلایی وری میمه نامپدی اوچبین گوراکن اوئانکی پشنه بیان به تانک جب او خلکه آتنی کوهستانی ماگن .

حیات افغانی کتابس لھکالا لها گه : پشنه بی یا پشاوی نامپدی ای قوم کوهستان کوچه (که هدفی بروان او کاپیسas کوهستان سی) آس گه تی بارا کوچه محمد پاپرشاه لکگا گه مه جانپکه کپولوالی جب دارا ، ایلو جب نظر کوچه هندی لر .

موت ستوارت القشن کوهستانی تاجکته (کابل کوهستان تکالی) پارایه تارا کپنی دارا او شربیا گه : " ایمه منطقفاس قو و تی خلکه آتنی انھول ای کرکتر دیوبی سی گه ، اپنه تاجکته پلا گه بربل اوچبین بیج بو برك داراکن ، مه حکومت اودای تقریباً مستقل او عمومی رکبیدی تانک دشتینه آتنی تابع آن : مه شخصی کرکتر روپیدی اروودی ، تند او سرکش او انجالیکه انھول اوینجوی او علاقمند آن

مونت ستوارت القشن به کابل سلطنتس بیان نامپدی تانک کتاب کوچه لغایی ، بوشاء او بوشاوی اودای اوچبین کپما او کدا : " مینه فکر بدی مه اپته خلک آن گه با بری اودای اوچبین کھوی شی او ابت به کوهستان کوچه لان گوراکن . " بو کافرتنا جبلستا کپولوالگری او خصوصیت پاپنه کدا گه : جیکه ستسکریت بلا ای رکم روابط داراکن او سه ایلو گه صدبلا با سوپلایه جایه وست او ویا کیائن او مینا هزار عددی (گه مه بستو با دری دی کدا) وست ویا با وست وست والایه اودای جویوا سی . ایسه چیکه حقایقی لغایی با دېگانی جی سره به تطیق با گه لم کا کافریس ای لهجیتی او سی اودای ایلو تیجا استه ایگا گه لغایانی یا دېگانان دنه کافران آییج گه پجیل دنه اسلام دین منویا سی . گومان کاگم گه کابل کوهستان نکالیا به میمه اصل اودای آییج . می خاتری گه کپولولا رکبیدی کوهستان نام ایسه شی گه جیکه ایتنی سره دلالت کا گه ایمه پجیل وخته کوچه مسلمان بوي آن .

اوروالی تاراکپنیه اودای لرگا گه میمه پشنه بیان او جیه ایلای لھکالی گرای لغایی نامپدی به اوچبین بوي آن .

۵ - دهگان : دهگان یا دېگان ای دری کلیما سی گه لامپس خاوند او دھنشین معنایدی ایا او بوراک پشنه بی خلکه او دېگانو پشنه بی جبی آتنی کدن بوا سی گه فارسی جبه لامگان یا لگان کلیما جایه پتوبی شی ، گه می کوچه کپولا پشنه بی جبیس لام کلیما دریس (ده) شره بروکواسی .

ایمی بلا به گه دری جبیس ادیباته کوچه دهقان کلیما بو بورا دی بیل بیل معنایه دی اوا شی او عمومی رکبیدی هیکالا او بزرگر مفهومیدی جیکه افغانستان کوچه معمول سی او یتبن بگا ، یدی دهگان شکلی کپولا پشنه بی قوم یا ملت مفهومیدی استعمال با . کونر ولايت کوچه ابت به پشنه بنه آتنی دېگان او جبستا آتنی دېگانو ماگن .

فارسی دایرة المعارف بروالا جلد کوچه گه خلام محسین صاحب سریر ستدی ایران کوچه لکن بوا او چاب بتیک ، افغانستانه پلا هوران او تماس درینی گرای ، پشنه بیان افغانستان هندو آریانهنا چویه دی مهم قبیلایه اودای بایوبی او کدویی شی گه مینا محلی نامه دهگان شی .

او ای اندازه تانک بومی لهجه شره به) هم، تاجک نامبدی
یاده بیانگن. (۱۹)

پشه بی جیس ای لککالا، فضل الرحمن صادقی کوهستان
او کوهستانی نامی گوئستان اودای گورین بوا بایی او کدا
گه کولی پشه بی کوجه کپی او زیتون آتنی ماکن گه (س) ا
کوچی لستی حرف شی او (تان) حاپس معنا دارا گه ایمه
رکمبدی کونستان با کنستان کینا با کپی منطقا آتنی کدا
او کیدار او کیداریان هم (کچی) او (دار) اودای ترکیبی نام
سی که پشه بینا منطقا کوجه بیدا با گه بو کهرا دار سی.

۷ - نورستانی : البته اما وطنه قومی او ملی مفهومبدی
نورستانی نامبدی ای بین بوا قوم او با ملت سی که ایتی
دنه شرقی هندوکش جنوبی دمنه کوجه زندگی کیا، خو
ایلای پشه بیان به آن گه نورستان ولایت ساحا کوجه
زندگی کیا، گه میمه دلیلبدی می آتنی به مه نام، ساحا او یا
ولايت آتنی ارتباط نسبتبدی نورستانی مین گوریا او یا
ایلای کارگه بوره هوئی کافر یا کافرستان چایه نورستانی
کلیای پنهانی، ایلای موارده کوجه شگنی منجه اگا. هولگکه
دین او عقیداس موضوع قوم او جب آتنی ارتباط نه دارا او
پشه بی خو ای بودنه هونا نام سی او کار گه مه خلک لا
مسلمان به بوری نه آبیج پشه بی نامبدی اوجین بایج، انخل
حال کوجه گه نورستانی کلیای یا نورستانی اسلام سره مینا
مشرف بیک دی پنهانی امیر عبدالرحمن خان حاکمیت دنه
مه ساحا او خلکه سره جین بوا سی، گه می کوجه
نورستانس نورگرام، دواپ او واما ولسوالیها پشه بیان به
شامل یا، ایلای انخل به استدلال کیا گه نورس کلیای مه
ساحا کوجه دنه هونا سی، اهولی نورگل (گل فتحا بلا پشه
بی دی درا آتنی کدا) نورلام صاحب، دره نور او وری نامه
کوجه که کونر، لغمان او ننگرهار ولاپلانا پشه بی تکالی
ساحابه آتنی ارتباط دارا، اگه بور صحیح تی و بی بور به بان
اما پشه بنتا مال سی گه بودنه هونه گری دارا او مه ساحابه
آتنی اسلامس بولک دی بورا به مه نامپلا آبیج، انخل حال
کوجه گه ایلایه نورستانس جبهه پشه بی بایویا او نورستانی
جینا کپولو الگریه باپته لکا گه: مه جم جینا کپولو الگریه
اودای ای ایلو سی گه گنات کوجه پنج و بایه جایه وست
وست او هزره جایه وست و با وست و با پتگا. البته ها

گه کچانگر لپنانی هران او مرگی جانپنکه ننگ بایی . مه
بورس، خاص رکمبدی کوهستان او دارپلانا بکار بینادگنی
جو یاکن ، بدی مینا اروده گریا عموماً مینا کوچوالی بی
اتفاقه کوجه ضایع با ."

بو تانک کبس لپن لهان با پاورقی کوجه لها گه کوهستانی
اودای پشه بی نام به اربوم سی، خو متائف آم گه مینا
تاریخ بارایه واری نه کپگم او بحیل مینکه تانبا بیک گه
بایری مینا او جینیا کویی آیک، گه جانپنکه جب دارایبع.
میسمی گرای به سی گه ایلای، پشه بینه کوهستانی تاجکه
جمله اودای او ایلایی محلی تکالی بایی او لکویی سی
گه" ایمه جمله کوجه لغمان او کونرس پشه بیان او لوگرس
اورمری به گنات کوجه ایاکن." گه اگه ابلو نظر پشه بینا
خیزه شتوونگرس تفکر روپدی تی، بیل م سالا سی، میدی
اوربا انخول قومبلان گه تانک جبهه استانی دهونا سن، مگر
انخول هیچ کوئی جب نه سی گه خاص قومس دارکالا نه
سی اخون پشه بیان که لغمانی، کوهستانی او وری نامه دی
ید اوچن بوری آن . می بلا یه انخول نظر بی شمن ، اهمی
خائزی گه کونسانیان سیمی قبایله اودای بوجی نامبدی
مهاجر خلک آبیج، کاییسا متعلقایکه ننگیج او دریج او ایله
لش مدنت جانای اورجان او بان پنبا واکدرستا نتویک او
دنپس و تیک نتیجا کوجه مه پشه بی خلکه منجه گه
متعلقان اصلی تکالیا آبیج متحل بیج . میسمی خائزی پشه
بی آتنی کوشانیه ارتطبیدی کوستانی او کوهستانی به مین
گورها، لغمنس لستگار کوجه کوشی نامبدی ای دار سی
گه کو شانننا نامی بلا یه ارتباط نه سی، لغمنس غیر پشه
بی خلک ایت به سنه به آتنی کوستانی ماکن او امزات پشه
بیان کاییسا رسزره کوهستان نامی زبره کوشانیان با کننسی
کوشانننا نامی اودای بایی ، گه جنکه خلکی پشه بی آن .

تواریخ خورشید جهان کبس لککالا لکا گه: پشی - یا
پشاوی ایسه طایفا سی گه ایمه کوهستان کوجه درا، مینا
جبهه هندی جپی بیری سی .

محرجراح ایج دیلو بلو ای پشه بیان (کاییسا شے
بیان) تاحدک بایویا او لکگا: «هندوکش جنوبی دمندانا
هندی قومبلان گه اسلام منون سی، هفارسی دی اقت کاگن (

پشه بی خلک وطن دی کنا وری و طنبلایه کوچه کوهستانی،
چرکس او چیسیانه نامبدي به یاده بوی آن گه یه بابتنه بو
وارنبه آنتې ضرورت لیان گوریا.

مأخذبلا:

- ۱ - د چینیانو یونلیکونه ، ۱۵۰ منگل دور ، عبدالکریم محب بس جب پرتابن.
- ۲ - د افغانستان ژبی او تو کمونه ، خپنجل دوست محمد دوست ، ۴۱۶ منگل دور ، ۱۳۵۴ کال.
- ۳ - د پښتو ادبیاتو تاریخ ، اول جلد ، ۶۰ منگل دور ، پوهاند عبدالحی حبیبی .
- ۴ - کابل مجله ، اول گنات ، ۸۵ منگل دور ، روهی ۱۳۶۲ کال.
- ۵ - د افغانستان لنډ تاریخ ، عبدالحی حبیبی ، ۱۳ منگل دور ، پښتو کېکالی عبدالروف بینوا.
- ۶ - افغانستان تاریخي ، پوهاند محمد حسین یعنین ، ۲۳۸ منگل دور ، ۱۳۸۰ کال .
- ۷ - د افغانستان ژبی او توکمونه ، دوست محمد دوست ، ۴۱۴ منگل دور ، ۱۳۵۴ کال.
- ۸ - آريانا دائیره المعارف ، لمنگل جلد ، ۷۹۱ منگل دور .
- ۹ - د افغانستان پخوانی تاریخ ، اول جلد ، علی احمد کهزاد ، ۱۲۷ منگل دور ، ۱۳۳۴ کال .
- ۱۰ - درمورد مردم وزبان پشنې بی ، چونېکالی نورمحمد چار ، ۱۲ منگل دور ، ۱۳۷۱ کال.
- ۱۱ - اصلاح دواسيپا ، محمد پرويش شاهين ، ۷ منگل دور ، ۱۳۹۱/۹/۱ گنات .
- ۱۲ - آريانا دائیرة المعارف ، لمنگل جلد ، ۴۲۲ منگل دور .
- ۱۳ - آريانا مجله ، ۲۷۶ منگل دور ، ۱۳۴۷ کال ، جوزا او سرطان نس مالیم گنات .
- ۱۴ - جغرافیای تاریخي افغانستان ، میرغلام محمد غبار ، ۷۵ منگل دور ، ۱۳۷۶ کال.
- ۱۵ - اوروالا اثر ، ۱۵۶ - ۱۵۷ منگل دور .
- ۱۶ - افغانستان ، بنیاد دائیره المعارف اسلامی ، ۷۴ منگل دور .
- ۱۷ - نژاد های افغانستان ، میجر جراح . ایچ دبیو بیلو ، ۷۸ - ۸۰ منگل دور پلا .
- ۱۸ - د افغانستان جغرافیایی قاموس ، پنج منگل جلد ، ۱۷۶ منگل دور .
- ۱۹ - عرفان مجله ، ۵۸۱ مالیم گنات ، ۵۴ - ۵۷ منگل دور ، میزان ، ۱۳۹۶ کال .
- ۲۰ - تاریخ افغانستان ۱ ، از آغاز تا ظهور اسلام ، علی اکبر فیاض ، ۵۶ منگل دور ، ۱۳۸۰ کال .
- ۲۱ - نژاد نامه افغان ، ملا فیض محمد کاتب هزاره ، ۱۵۴ منگل دور ، ۱۳۷۲ کال .

پچوالی دهایه کوچه رادیو کابله ای پروگرام (پشه بی) جبی دی نشر - با گه کدان گوریا سېمه نورستان خلکنا جبه سی.» (۲۰)

فیض محمد کاتب بی پشه بیان او نورستانیان جدیدالاسلام نامبدي اوچجویا آن او لکا: «یو فرقا قریب وست ویاوینج ویا هزار جن آن او هندوکشس دارنا سلسلاس بطن کوچه پنجشیر او بدخشان منجان کوتل دی تای لقان (لغان)، چترال، کاشغر او آربت او شماش، کلمان او آسمار جا او ورپی، پورا اسلام میین دین منوی آبیک او دروی ۱۳۱۳ هجري قمری سنا کوچه امیر عبدالرحمن گرای لشکرنا سوقدی مسخر، مطیع او حضرت خیرالبشر دین س منکالیا بیچ.» (۲۱)

امي خاطری گه پشنې بیان پورا سامېچ او شلېچ لشوتی چېلا منجاپیچ ویې مې آنتې ایلایه سیاپوش او کافر به کدویی سی.

اوچبوی نامه دی اوپتا امي خاطریگه پشنې بیان و تان کېکالی او اشغال مقابله جهاد او مبارزاس بو مینادرکالیا آن، کودن گه ای لهمبس سره پولېک خاطری ای گوزر تانک کندولی النجیحان او کدن گه (شارپی گه شارپمان) تی سره پولېی. وی لمه کوچه مینا یومه جدیبت او کسگنی سببیدی شارپی کلیمای گه هدفي شارپیک سی تانک اگته کوچه بو یتېبی. میسی گرای کومې بو ای پیری دی یېل بریتانوي او شوروینه پلا جهاد او مبارزا جریان کوچه کېلولا رکمبدی مشرقی خلک، پشه بینه آنتې شارپی اس نام گه پشنې بی دی شارپیک مصدر اودای امرس ای کلیما سی او پېکس معنا دارا یتېبی.

اگرکه پروفیسور محمد پرویش شاهین نظر پدی امي خاطری گه پشنې بیان پورا دی ورپی دی متمدن خلک آیېچ او شاري زندگی داراییچ، ویې ورپی مېنې شهری او شاري مېوېی او یان یو کلیما شارپی سره پرتوا سی گه اصل کوچه شاري سی. خو ابیت یو شارپی اصطلاح کېلا ای پشنې بی کلیما سی، نه کوتی جېبس او قومس نامه، گه خوشبختانا مولېکالی او اونشان خلک شارپی نامې جایه پشه بی گه پاشا، پاچا او پادشاه اودای گوربن بوا ها هزار سالا نام سی، یتېبی.



شاه محمود درویش

د اوپو مدیریت یوه مهمه موضوع ده

مالی او خانی تاوانونه اوښتی دی چې نن سبایې د آبادولو، رغولو، سمسورتیا اوښیرازی په موخه د پتمنو هپوادوالو دھلو خلو ترڅنګک د افغانستان د اسلامي امارت د اړوندو اړکانونو همغري، کوبنېن او جدي اقداماتو ته هم ډېره اړتیا لیدل کېږي ترهغو چې لوړ پتوب ته په پاملرنې دمنظمو پروګرامونو په طرحه کولو سره په انډولیزه توګه د هیواد په ټولو ولايتنو کې ټولکې بنسټيزې پروژې پلي کېږي، الته په دې لړکې د نورو مسایلو او ډول ډول پروژو د تطبيق ترڅنګک د هیواد د طبیعی اوپو له سرچېنۍ او له دغو اوپو د غوره ګټې اخیستنې او مدیریت موضوع هم ډېره مهمه ده چې باید ورته په هر اړخیز ډول ډېره پاملرنې وشي، د نظر د خاوندانو په باور د هپواد اوپو سرچېنۍ

په هپواد کې د اوپو دېه مدیریت مسئله ډېره مهمه او اړینه موضوع ده، بنآ په ټوله کې له اوپو څخه باید په منظم ډول سالمه استفاده وشي او له بیچایه کارونې او اصراف څخه یې باید تل او په جدي ډول مخنيوی وشي ځکه چې او به یوه حیاتي ماده ده، د انسانانو او حیواناتو د حیات ترڅنګک، د نباتاتو، خنگلونو او شارو څمکو د آبادي، سمسورتیا او زرغونتیا سبب هم کېږي.

پردې بنسټ زمونږ د ګران هپواد سرلورې افغانستان د اوپو مدیریت په هکله د خو ټکو یادونه ډېره اړینه برینې، الته دا واقعیت خو ټولو ته څرګند شوی چې زمونږ هپواد د تېرو کابو خلورو لسيزو په بهير کې د جګړې له امله وران او ويچار شوی او افغان مظلوم ولس ته هم په ټولیزه توګه په دې لړ کې نه جيړه کېدونکي

خبره نه ده بايد افغانان خانونه له دغه ستونزې خلاص کړي، يعني افغانستان بايد د کرنيزو محصولاتو صادر وونکې شي، نه واردوونکى، همدارنګه او به د انرژي د تولید سرچښه هم د چې سه مدیریت یې کولای شي د افغانستان د وارداتي انرژي اړتیا کمه کړي او د ځان بسیاني ترپولي یې ورسوي، او به د افغانستان پانګه او دخداي (ج) ستر نعمت دی که له طبیعي نعمتونو سمه استفاده ونه شي نوستونزې به راواړۍ شي. بناؤ په ټوله کې افغان پتنم او غيرتي ولس له اسلامي امارت خڅه د دې تمه او هيله لري چې په هراپ خيز ډول بايد د افغانستان د طبیعي او بود سرچښو منظم مدیریت په بنه او عادلانه توګه و کړي تره ګنو چې پڅله په افغانستان کې د بریښنایي بندونو په جوړې د سره د هپوادوالو د اړتیاور بریښنا په هپواد کې د ننه تولید شي او له بلې خواه هپواد پراخې دښتې، شاري او ميري آبادي شي چې له امله یې ګن شمېر بیکارو او بې روزگارو هپوادوالو ته هم په هپواد کې د ننه د سالم کار او روزگار زمينه مساعده شي چې په دې توګه د هپواد خوانان وروسته له دې د مختلفو اړتیاوه او مجبوريتونو له کبله پرديو ملکونو ته د تللو په موخه د مهاجرتونو له ستونزو او کړاوونو ډکه لاره غوره نه کړي، بلکې په خپل هپواد کې د اسلامي امارت تر چتر لاندې پاتې شي او د ګران هيود سرلوپوي افغانستان په آبادي او بنیازې کې فعالانه ونډه واختلي.

بايد په شتمني بدلې شي حکم د افغانستان یوه له ټولو مهمه سرچينه جغرافيايې موقعیت دی چې «درې زره» کاله یې دغه هپواد د تمدن په مرکز او خلورلاري بدل کړي و، حکم د آسیا په زړه کې د افغانستان جغرافيايې موقعیت افغانانو ته د پريمانه سرچښو د کارونې ستر چانس ورکوي او له جنګک خڅه د راوتلو او د سيمه یېزرو همکاري د زياتولو زمينه برابروي، د افغانستان او به مهمه طبیعي سرچښي او د افغانانو شتمني د چې تراوسه د او بو له واقعي اهميت او ارزښت خڅه بې خبره پاتې وو، چې واقعاً د سه نظم او مدیریت په برخه کې یې زياتو کارونو ته اړتیالري، که د هپواد سرچښي د خلکو هڅې، جغرافيايې موقعیت، او به، خاوره، کانونه، پانګه او څینې بسکلاوې سره یوځای شي او سمه استفاده ترې وشي د نړۍ د څینو هپوادونو په پرته به په لړ وخت کې له یوزلی خلاص شي، افغانستان د څيلو سترو سرچښو د سه مدیریت په برکت کولاي شي په راتلونکو خو کلونو کې پرنسپتاً متوسط سوکاله هپواد بدل شي او بايد هم دغه هدف ترلاسه کړي او پرڅيلو پنسو ودرېږي، حکم د پرديو په مرستو ډډه لګول او یاهم ورته په تمه پاتې کيدل تپروتنه ده او اساسي هدف بايد د نورو له احتياجه راوتل وي، له شک پرته چې او به د افغانانو عزت او د دغه عزت ساتل یو ملي هدف دی، ده ګه هپواد لپاره چې لایې هم د (اتیا) سلنې خلکو ژوند پرکرنه ولاړ دی، د کرنيزو توکو واردول سمه

نگرش کوتاه پیرامون جغرافیای کران و منجان

شده است که یک حصه در شرق بنام منجان و قسمت غربی آن را کران می‌گویند.

ساکنین این سر زمین اکثراً مردم بومی محل را تشکیل میدهند که از هزاران سال به اینسو درین منطقه زنده گی مینمایند.

کران و منجان از جمله مناطق با شهرت نه تنها در بدخشان بلکه در تمام کشور و منطقه بوده است. زیرا لاجورد، بدخشان که از ۶۰۰۰ هزار سال بیشتر به اینسو استخراج میشود در این منطقه موقعیت دارد؛ همینگونه موجودیت آرامگاه فیلسوف شاعر و دانشور بزرگ خراسان زمین حکیم ناصر خسرو بلخی آن را از شهرت فراوانی بر خوردار ساخته است.

ولسوالی کران و منجان با آنکه از لحاظ جیوفزیک یک ساحه کوهستانی است، ولی موجودیت زمین‌ها و دامنه‌های مساعد زمینه را برای زراعت خوار و بار فراهم نموده است. زمین‌های این ساحه به وسیلهٔ دو دریایی جاری

کران و منجان یکی از شهرستانها و یا ولسوالی‌های ولایت بدخشان است. در گذشته‌ها یعنی تاسال ۱۳۷۳ (۱۹۹۴ م) — ۱۳۷۴ (۱۹۹۵ م) از لحاظ تشکیلات اداری دولتی بنام علاقه داری کران و منجان یاد می‌شد که شامل یکی از مناطق ولسوالی جرم میگردید.

حدود و موقعیت: کران و منجان از سوی شرق به کوه‌های نورستان و از جانب غرب به ولسوالی ورسج مربوط ولایت تخار و ولایت پنجشیر شمالاً به و ولسوالی یمگان و جنوباً به مرکز ولایت نورستان، هم سرحد است.

این منطقه ۱۲۵ کیلومتر از مرکز شهرک جرم فاصله دارد. سرک موتر رو به قسم غیرا سا سی این منطقه را به جرم و صل ساخته و در فاصله این مسیر قریب حضرت سعید تا معدن لاجورد امتداد می‌یابد.

کران و منجان با آنکه یک ساحه را از لحاظ اداری احتوا مینماید و لیکن به دو حصه تقسیم

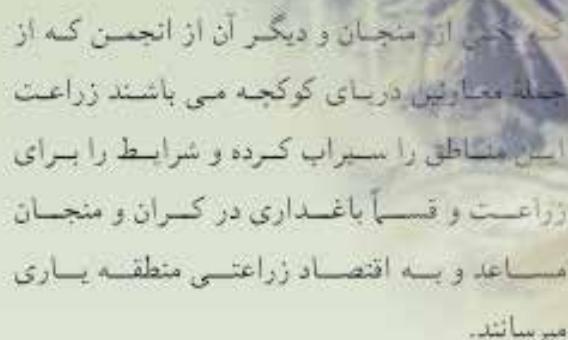
کران و منجان نسبت به نداشتن راه های مواسالاتی، سالها زیاد از لحاظ اقتصادی در سطح عقب مانده گی فرار داشت. بعد از امتداد سرک ها و رفت آمد؛ مردم علاوه بر زراعت به تجارت و صنعت های دیگر نیز می بردند. روابط ذات الینی مردم در این منطقه به اساس اخلاق عالی و اعتقاد متقابل استوار است.

مردم در تمام حالات غم و شادی شریک هم اند. روزهای شادی جشن های ملی را بر گذار می کنند. رسم و رواج ها و عنعنات دیرینه و دست ناخورده حکایت گر روزگاران کهن زنده گی پر تحرک این سرزمین است. در هر ترانه محلی، افسانه مردمی و اثر فلکلوریک، سیای مردم روابط و حالات اجتماعی و فرهنگی شان نمایان است.

کران و منجان اکنون با تغیرات و روند تحولات اجتماعی همگام بوده در آنجا مکاتب متوسط و لیسه های بروی هزاران گودک و جوان از فیض علم و دانش بهره مند می شوند.

از لحاظ انکشافی تطبیق پژوهه های حیاتی توسط حکومت و سایر نهادهای کمک کننده ایجاد مرکز صحي، آب صحي و سرک خامه موتر رو و سایر نیاز مندی های دیگر برای زنده گی مردم کران و منجان مهیا گریده است.

البته با توجه بیشتر یقیناً، امتداد راه های اساسی، تامین روابط این منطقه توریستیکی ولایت بدخسان با سایر ولایات شگوفائی های بیشتر را نصیب خواهد گردید.



کران و منجان دیگر آن از اینچن که از جمله معادنی دارای کوکجه می باشد زراعت این مناطق را سیراب کرده و شرایط را برای زراعت و قسمیاً باغداری در کران و منجان مساعد و به اقتصاد زراعتی منطقه باری میرساند.

در کران و منجان ا نوع غله جات چون گندم، جو، باقلی، مشینگ، زعیر، جواری، ارزن گشت می شوند.

و ا نوع میوه های فصلی چون توت، چهار مفرز، آبالو، گیلاس، سیب، زردآلو، شفتالو، تاک، بادام در باغ ها غرس و ثمر بارند.

میوه های کوهی طبی چون قره قات، زرغول، اخمن و به صورت طبیعی پیدا می شوند.

مردم کران و منجان از لحاظ کلتوری، دارای فرهنگ و عنعنات سنتی خوش اند. اکثربت اهالی پیروان مذهب سنی حنفی و اسلامعلیه، میباشند. تعداد اسلامعلیه ها در منجان اکثربت دارند. آنها به زبان منجانی که از جمله شاخه زبانهای پامیری است صحبت می نمایند، همچنان به زبان دری نیز صحبت می کنند.

خپرندوی شریف الله سانپن

گوری زیبه نی منظوم فولکلوري ادبیاتانکی کتنی بالنه

نی يحنه نه پاتۆی موضوع بی گوری زیبه نی منظوم ادبیاته پېنە تىنە زې مختلف فورمنام لرييان.

اتې خېتنا (ليكتنا) کې فولکلوري نه کتنە پیاناوا پېنە علاوه، اوی معلوم بىبە زې گوری زیبه نی منظوم فولکلوري يا ولسي ادبیات كريک فورمنام(شكىنام) او دولنام لرييان او اتې مختلف فورمنامه نه محتوا کې كريک موضوعات او مسایل تصوير او زۇخان دى تىنېت. اتې زیبه نی منظوم فولکلوري ادبە نی اوی مختلف بىنام، مسایل او موضوعات اتې خېتنا کې پلل بىته.

تحقيقە نه اهمىت او مبرميت

فولکلوري ادبیات يك جامعانە، قوم او ملتە نه اجتماعىي زېتىلىكە نه او فرهنگە نه ارزشت ۋەدى ڈبو تىنې او وارې بکە پېنە تىسە مى زیبه نی مهم او ارزشت ۋەدى سرمایە تىنې. اوی زې گوری زیبه نی فولکلوري ادبیاتە نى ڈبوه کې ئورى مىز لازم تحقيقات نه بى تىنېت، تو ضروري تانديمان زې اتې ڈبوه کې لو كىمي هله زله او تحقيقات بىتى تېو او اتې تحقيقە کې موضوع نه شوتە ليكە نه اساسې خاص رۆپ منظوم فولکلوري ادبە نه مختلف شكلى او محتوايى بىنام او موضوعات پلل بىتى يو. ايمىپ مسایل او موضوعات اتې خېتنا (ليكتنا) کې امكانىنە حد مىز خېران دى تىنېت زې تحقيقە نه اهمىت او مبرميت اتې کې معلوم او واضح تىنە.

تحقيقە نه هدف

اتې تحقيقە نه هدف اوی تىنە زې يك بکە پېنە گورى زیبه نی منظوم فولکلوري يا ولسي ادبیاتە نی مختلف فورمنام او محتوايى موضوعات او مسایل پلل بىته او وارې بکە پېنە فرهنگە نه علاقە مندان او خېرىتە نامانىکې اتې زیبه نی منظوم فولکلوري ادبیاتە نى ارتباطي معلومات پۆدم بىته.

خلاصە

هر زیبه نه منظوم فولکلوري يا ولسي ادبیات تىسە زیبه نه ادب او فرهنگە نه دېگە کې لو مهم او ارزشت ۋەدى ڈبو زانان دىيان زې يك قومە نه فرهنگ او اجتماعىي زېتىلىكە نه لو ارزشت ۋەدى بىنام تىنې کې منظوم شكلى تصوير او زۇخان دى تىمېت.

گورى زىب بى ھبادە نه وارې زىبىنامه پېدە تانۇ ولسي ادبیاتە نه ڈبوه کې منثورە نه نېرى منظوم ولسي ادبیاتە نه مختلف فورمنام(شكىنام) لرييان زې محتوا نى مۆخە پېنە تىنې کې اجتماعىي زېتىلىكە نه مختلف بىنام او موضوعات تصوير او زۇخان دى تىنېت.

اتې خېتنا (ليكتنا) کې گورى زیبه نی منظوم ولسي ادبیاتە نی محتوا پېنە علاوه امكانىنە حد مىز مختلف فورمنام رتى بحث بى تىنە او تىسە نه مثالنام آنان دى تىنېت.

مقدمە

فولکلوري ادبیات يك جامعانە كلتوئر او اجتماعىي زېتىلىكە نه مختلف بىنامە نه پلل كېرىكە نه او تصوير كېرىكە نه لو مهم ڈبو تىنې زې ھر جامعانە ولس او ملتە نه ادبى تارىخە نى پلل كېرىكە کې لو بىزالىي نقش لرى بىمان. ولسي ادبیاتە کې يك جامعانە او ولسە نه كلتوئر او فرهنگە نه لو مۇل ۋەدى بىنام زۇخان دى تىمېت، زې تىسۇ نه ياداوا او پام كېرنا پېنە علاوه تىسە ولس او خلکە نه ادبى تارىخ پىكە او خېكىلى زانان دىمان. ولسي ادبیات فولکلوري نه يك لو مهم ڈبو زانان دىيان. فولکلورستانىپى فولکلوري محتوا(مضمونە) اساسې ئې ڈبوپى(شفاهى، خېكىلى شفاهى او غير شفاهى) رتى بېتىي توس او آياوى شفاهى فولکلور ولسي او فولکلوري ادبیاتە نه نامە بى بى يادان دىيان زې منظوم او منثور ادبیاتې بېتىان دىيان او امە

تامس (W.J.Thoms) نه بکه پینه انگریزی متنه کې استعمال بۇی، نۆ شیلانکىي فۇلكلۇر انگلېسى كلمه زانان دىيان.

فۇلكلۇرە (Folklore) نه اصطلاح دۆ كلمه نامه پینه ژۇپان دىي تىينى زې "فۇلک Folk" خلکە نه معنا يې او "لۇر Lore" پىزىنە (بوهە) او هىلىكائىنکىي جاندىيان زې دۆمىيە پینه مجموعا كې ولسىي پوهە، خلکە نه ھيلاۋە يَا خلکە نه ادبىيات ژۇپانىدېت.

فۇلكلۇرە نه اصطلاحىي پىياناوه: فۇلكلۇرە نه اصطلاحىي پىيانىكە نى اساسىي مقولە نام خولوڭىي، عوام او عنعنه تىپتىزىيەت زې اتې ٿې مقولە نامە نى ۋەرگانىك ترکىيە پینه اشىكىي تعريف استانکىي جىيان: فۇلكلۇر عوام خلکە نه تىپ تىپتىزىيەت زې خولوڭىي زمانە نامە پینه درىي تىپتىزىي او نۇرۇزكە وختە نه متداولە پىزىنە (بوهەنە)، عقايد او چلن مثالىنامە منزىي يكىي فرق لرى يو. (۱۱)

فۇلكلۇري موضوعات نامە نه تصنیف (بېنېت او دىلبىندىي): فۇلكلۇرە نه بېنېت نه دۈلتام لو زىيات تىپتىزىيەت نه لو بىيکە نه عمده علت اوىي تىنە زې بعضى فۇلكلۇرستان بعضى وارې فۇلكلۇرستاننە بېنېت نه معىارنامە قناعت بخشىتىزە نه زانىدېت. پۇدە مۆكە فۇلكلۇرستان فۇلكلۇري موادە موضوع (محتووا) نه اساسىي بېنېتىمان بوت او نورىي مىز بى اتې چول بېنېت (تصنیفە) پینه ٿم گان دىيان. اتې، تې ساپە پینه يك چول بېنېت ياداوه كېرىپە زې بعضى فۇلكلۇرستانىي فۇلكلۇرە موضوع (محتووا) نه موخى ئې چېپىي بېنېتىزىي توپ:

- 1- شفاهىي فۇلكلۇر: اتې كې محاوارە نام، مەتل نام، هارە نام، كىشىتىنە نام (چىستان نام)، چول چول ولسىي ھىچان نام، تۈكە نام، رسم رواج نام او وارې شامل تىپتىزې اتې دېپانكىي معمولاً شفاهىي ادبىيات، فۇلكلۇري ادبىيات ياي بعضى ھېتىنامە نە (لىكوالاننە) اصطلاحىي ولسىي ادبىيات بى جاندىدېت.

تحقيقە نه كۆدنام

1- فۇلكلۇر كى شانكىي جمېت؟

2- فۇلكلۇرى يا ولسىي ادبىيات كى شانكىي جمېت؟

3- خاص او عام فۇلكلۇرى ھارە نام (شعرنام) كى فرق لرىمېت؟

4- عام ولسىي ھارە نامە نه كىرىك فۇرمىنامە رتى بحث كېرۋوھ؟

5- گۇرى زىيە نى فۇلكلۇرىي ادبىيات كىرىك منظوم فورمنام لرىمېت؟

6- گۇرى زىيە نى منظوم فۇلكلۇرىي ادبىاته نى محتووا كې كىرىك موضوعات تصویر او زۇخان دى تىپتىزىيەت؟

تحقيقە نه روش

اتې چېتىنانە تكمل كېرىكە كې تىرىجىي او تحليلي مىتودە پینه ٿم گان دى تىنە او اسە نه تحقيقە نه رۆكتابتۇنى تىنە.

مقالاتە متن

ولسىي ادبىيات زې فۇلكلۇرىي او شفاهىي ادبىيات بى تسانكىي جمېت، امە نه ولسىي نە هنرىي استعدادە لېرە مان او اتې ولسىي نە اجتماعىي زېتىپلىكە نه آرپىشە تىنە. ايمىي ادبىيات جامعا كې منزانكىي جمېت او جامعا كې تانۇ مۆخۇدمىدىك، بىدایيانە او دوانە مرحلە نامە سىمېت او ولسىي نە سىينە او آنسىي نامە كې خۆندىي او يك جامعا پینە وارې آنکىي او ياك نسلە پینە وارې نىسانلىكىي انتقال بىمېت.

فۇلكلۇر پىيانىكە نه تارىخي بکە پینه اشىكىي معلوم بىيان زې فۇلكلۇرە نى ساحە لو ۋىساري تىنې او فۇلكلۇرىي (شفاهىي يا ولسىي ادبىيات) تىسە نى يك چۈز زانان دىيان، تۆ پۆدمىي اسە پینه زې گۇرى زىيە نى منظوم فۇلكلۇرىي ادبىاته رتى بحث كېرىكە، لازم تىنە زې اول فۇلكلۇر او فۇلكلۇرىي ادب يا ولسىي ادب رتى كېتىي پلل تىلىكە او پتا گىرىي تانۇ موضوع آنکىي گىرىكە:

فۇلكلۇر

فۇلكلۇرە نه لغويي پىياناوه: فۇلكلۇرە نه اصطلاح اول بۇ آنکىي (1846 م) پېلىيە كې انگلېسىي پىزىن (وېلىم جونز

نه مادی او معنوي خصوصیاته پل کپریان او امه نه ولسه نه هنري استعداده لپه مان او ولسه نه تولنیز زپتپلیکه نه آربشه زانان دیمان.

ولسي ادبیات زی امه نه ولسه نه اجتماعی زپتپلیکه نه تمثیل او تصویر تینه، لکه ولسانمه نه واری ایجاداته نه گاشتی ضرورته نه مۆخی سی منزانکپی جیان او ولسه نه زپتپلیکه منزی پاوه پاوه بی سی خوی تیمان، ولسه نه زپتپلیکه نه میشته او پیته، وتلی او توونگی، بی او کز تانو سینا کپی خوندی کپریان او تسه نه ساپ اصنافه مخصوص معاشره او مخصوص کلتوره پنه پیدا بیسن معنوي سرمایانه گاشتی اجتماعی، اقتصادي، ملي او تاریخي ژوپن(جوپن) او ارزشت نامه نه تفکره نه چول، عقاید، جهان بینی او تجربه نامه یک خاص ملي چوکاته کپی پله کهان زی خوشحالی نه وخته کپی تسه رتی تانو بزمه نه مجلس نامه تپو ساتیمپت او خقگانه وخته کپی تسه رتی تانو گمشت هره نامه نه براسه کایمپت او گیری روایی رؤی سی، آنسی نه آنسی آنکپی او سینا نه سینانکپی اینده نسلونانکپی انتقال کپریان. ولسي ادب پنه مطلب سبی ادب تینه زی لامنامه نه او بادنامه نه، بنت او کنده نامه پنه زیگی تی یو او عام طبقا منزی او ولسه نه زپتپلیکه منزی ارتباط لري یو. اوی ادب عموماً تسو خویسن واقعاته نه تشریح او توضع کپریان زی خلکه نه زپتپلیکه کپی محسوس او تاندیسن مثالنام لریمان.(۴) دنیا نه مختلف ولستان تانو فرنگ او اجتماعی زپتپلیکه کپی تانو آنکپی فولکلوری(ولسي) ادبیات لریمپت، زی گوری زیب بی دنیا او هپواه نه مختلف زیب نامه پنه تانو آنکپی فولکلوری(ولسي) ادبیاته نی غنی سرمایه لریمان زی وی ارزشت ۋدى سرمایه ولسي خلکه نه او هنري استعداد لریته نامه نه بکه پنه ولسه کپی تخلیق او زیگی تینی. ایمپي فولکلوری يا ولسي

۲- خیکپلی شفاھی فولکلور: اتپی کپی خلکه نه درامه نام، اتنپ نام، محلی مۆشاوه نام، جادویی بعضی شکلنام او واری جیمپت.

۳- غیر شفاھی فولکلور: اتپی رَو فولکلوره کپی خلکه نه مستظرفه صنایع، محلی ژۇواوه، نات نام، موسیقى او اشیکی واری جیمپت.(۲)

فولکلوره نه پیاناوه او بېننە رتی درى كەنپى باتى او بحث کېرۇوه، اتپی امه نی هدف او مقصد شفاھی فولکلور يا ولسي ادبیاته پنه تینه، شیلانکپی نۆ بحثه نه اصلی موضوع نه گاشتی فولکلوری (ولسي) ادبیاته نی كەنپى يادداوانى پت گورى زىبە نی منظوم ولسي ادبیاته رتی بحث کېریمپىك:

فولکلوری(ولسي) ادبیات

فولکلوری يا ولسي ادبیات هر جامعانه، ولس او ملته نه ادبی تاریخه کپی بیزالي ارزشت ۋدى دېو لریمان او يك جامعا او ولسه نه کلتور او اجتماعی زپتپلیکه نه لو ارزشت ۋدى ټونتە او بک نام تینپی کپی زۇخان دی تینپت. ولسي ادبیات معمولاً شفاھي شکل لریمان او امه نه ولسه نه هنري استعداده لپه مان او ولسه نه اجتماعی زپتپلیکه نه آربشانه حیثیت لریمان او تینپی جامعه او ولسانمه کپی لو قوي تیمان زی لیک لوتست (سوداد) تسو کپی لو عام نه بیبۇوه بۇ او تسو نه خلک اتپی نعمته پنه دېو نىشىتە بۇت بۇ. امه نه ھیواد او جامعه بى خاص سیاسى، اجتماعی، اقتصادي، فرنگى او جغرافيوی عوامله نه مۆخه پنه اشیکپی جامعه او ولسانمه نه قطاره نه شوتا کپی جیان، نۆ شیلانکپی چېتىپسەن (ليکىيسن) ادبیاته نه نسبتی اشیکپی(ولسي) ادبیاته نی دېو لو گندالى، مۆل ۋدى او بیزالي تینپی.(۳)

ولسي ادبیات يك جامعانه او ملته نه کلتوره نی سپی مۆل ۋدى دېو تینپی زی جامعانه خلکه نه زپتپلیکه

ب- شکل او ژوپینننه مۆخى منظوم ادبه نه بېنىت: ولسى اشعار(هاره نام) شكله نه مۆخى دۇ دېۋىپى بېنىتان دى تىنېت:

- ١- خاصل ولسى هاره نام
- ٢- عام ولسى هاره نام

خاص ولسى هاره نام: تىسە هاره ناماڭىچى جمپىت زې ولسى نه تعليم نىتىپە، پىك تعليم ۋەدە يا تعليم ۋەدە (باسوادە) ولسى شاعراني جى تۇن، تانۇ محيطە نه مۆشۇت او مناظىنامە تىنېتى كې تمىيل كېرى، ولسى سادە مىنە او محبىتە نه تصویرە تىنېتى كې خېتى توس او تانۇ تان او محيطە نه مهم تارىخي مۆشۇت ناما تىنېتى كې زۇخى توس. ايمى شعرنام(هاره نام) ولسى هاره جىتىنە ناما نە، مجلسىيان او ذوقىانە نە وسىلە يې سې آنسى نە آنسى آنکىپى پېدىيەپت او يك نسلە پېنە وارى نىسانلىڭىپى نقل بىيمېت.

اتىپى هاره ناما نە لو دېۋى شفاهى تىنېتى، اسە هاره ناما مجلسىيان دىرە، حجرە، خوشحالى، زېتى او مىلە ناما كې موسىقىنە سازە منزې شۇبانە كەتىپى جمپىت او ولس تىسە رتى تانۇ آودىايە پۇتە مان. اتىپى هاره ناما نە اصلىي جىتىنە، يعنى شاعر معلوم تىيان او معمولاً شعرە نە اخىرى بىت يا بىنە كې تانۇ نام يا تخلصە آئىمان؛ لەكە مقام (رباعى)، غزل (بدل)، لوپە، چاربىتە، بىگىتى او داستان.(5)

گورى زىب بى وارى زىب ناما نە گاشتىپى ولسى ادبىاتە نە دېۋە كې خاصل ولسى ادبىاتە نە مختلف فۇرمۇنام (ژانرنام) لەيمان زې اتىپى زىبە نە ولسى شاعرانتە بىكە پېنە جان دى تىنېت لەكە: مقام (رباعى)، غزل(بدل)، لوپە، بىگىتى او داستان. اتىپى گورى زىبە نى خاصل ولسى هاره ناما نى بعضى فۇرمۇنامە نە مثالنامە آئىمېك:

ادبىيات اجتماعىي زېنېتلىكە نە ليگالىيارە كې اتىپى ولسى نە ھېركى تجربە نام، عنعنات او احساساتە لېرە مېت.

گورى زىبە نى ولسى ادبىيات دې شوتى كې دۇ دېۋىپى (منظوم او مىشور) ولسى ادبىاتى سې بېنىتان دى تىنېت زې تىسە نە ھەر يك دېۋى مختلف ولسى فۇرم نام(ژانرنام) لرىمېت. اوىزى زې امە نى موضوع گورى زىبە نى منظوم ولسى ادبىاتە نە خېراوه تىنە، تو اتىپى يكولە گورى زىبە نىي منظوم ولسى ادبىاتە نىي مختلف ژانرنامە مثالنامە مىزى بحث كېرىمېك:

گورى زىبە نىي منظوم ولسى ادبىيات: گورى زىبە نىي منظوم ولسى ادبە نى دېۋى لو شۇبانى، ارزشت ۋەدى او بىزالىي معنوي سرمایە تىنېت زې ھەم موضوع او مضمونە مۆخى تىنېتى كې مختلف موضوعات زۇخان دى تىنېت او ھەم شکل او ژوپيننە مۆخە پېنە خاصل او عام هاره ناما نە (اشعارە ناما نە) مختلف فۇرم نام لرىمان. گورى زىبە نىي منظوم ولسى ادبىات بى دۇ كېتگۈرى نامې بېنىتان دىمېت:

اول- موضوع او مضمونە مۆخى

دۆرم- شکل او ژوپيننە مۆخى

اول- موضوع او مضمونە مۆخى:

موضوع او مضمونە مۆخى ولسى شاعرييە نە تۈپىل لو ۋىساري تىنېت او عقىدوىي، اجتماعىي، سىاسىي، اقتصادىي، كلتورىي او ملىي زېنېتلىكە نە ساپ تۇنېت او بىك ناما زۇخە مان او اجتماعىي زېنېتلىكە نە ارزشت نام تىنېتى كې تانۇ شكلى تصویر بى تىنېت.

كۆل زې اتىپى ولسى شاعرييە نە بارا كې موضوع او مضمونە مۆخى بحث بىمان، ولسى هاره ناما نە مختلف موضوعي دېلنانم تان دىمېت، لەكە دينى او مذهبىي، عشقىي، تارىخى، جغرافىوئى، اجتماعىي، اخلاقىي، تۆكىي او وير ۋەدى هاره نام زې ايمىي مختلف موضوعات نام تىنېت كې زۇخان دى تىنېت.

بگتى

- ایخین پره تى مانکىي بالو
ایخين نام تونى كانخي كانхи
ميشتىي زىبى سې باتىي كېرۋو
- قسم تېكۈري زى مۇ لۇشۇ
- آوا جيمېس سنكىي سنكى
ایخين پره تى مانكىي بالو
- باٽىي كېرىمېس ميشتىي ميشتىي
وربلە پوشە قطار كېرۋو
- قسم تېكۈري زى مۇ لۇشۇ
- بىمېم تو پىنه پېرە پېرە
ایخين پره تى مانكىي بالو
- تىنېم تو شخىي چتە چتە
تو گېس كريك بىك مۇ درە و
- قسم تېكۈري زى مۇ لۇشۇ
- جيمانتىي مانكىي نېرە نېرە
ایخين پره تى مانكىي بالو
- آنسييە ورى باٽىي كېرە
مۇنە پوشە كار شە و
- قسم تېكۈري زى مۇ لۇشۇ
- شاھىيە پېدىي پىنە ديمېس
ایخين پره تى مانكىي بالو
- ماسویە پىديي تو زلىمېس
تانۇ زلفانى تۆى مۇ گېنەتۆ
- قسم تېكۈري زى مۇ لۇشۇ
- نه ديس كريك بىك كېرە باگە
ایخين پره تى مانكىي بالو
- تانۇ سانپنە لىپلە پيانە
تونە تىنېم آ تانى جە و
- قسم تېكۈري زى مۇ لۇشۇ(٦)

کانخه خیکا کی شوبانی لکه ماسوی زلیمپس
 کندوره گوی کتني پنتی سی آوف آنیمپس
 ایخینه کانخ کپری زاتگ نامانکی هره دالیمپس
 لپندی مالیه کندوره بیبک پیشامی پوره
 تو لو ددبوری پوریمپس گیری ورزایی کمپس
 کندوره گوی کتني پنتی سی آوف آنیمپس
 ایخینه کانخ کپری زاتگ نامانکی هره دالیمپس
 نونگی چل بی تینیس سانبنا بالیمانی یه بیک
 پېقى بیدا مو اوپیا کیا دره مپس
 کندوره گوی کتني پنتی سی آوف آنیمپس
 ایخینه کانخ کپری زاتگ نامانکی هره دالیمپس (۸)
عام ولسي هاره نام:

ایمی هاره نام بی منظوم ولسي ادبی نه لو میشتی او
 دلچسپ چپو تینی زې خولوکه تاریخ لریمان، ولسي ادبی
 نه وی مهم چپو لو قسم او فورمنام لریمان، خو خاص
 ولسي هاره نامه نی خلافی اسه نه شاعر معلوم نه تیبان او
 ساپ ولسنه نه مشترک مال زاتان دیمان. ایمی ولسي هاره
 نام مختلف وخت او حالت نامه کې متزانکې جی تنبت او
 وارې ولسي هاره نامه نی گاشتې ایمی بی آنسې نه آنسې
 آنکې يك نسله پېنه وارې نسلانکې بېدی تنبت. (۹)

گوری زیبه نی عام ولسي هاره نام بی مختلف دول نام
 لریمان زې شکله نه مۆخې مختلف فورمنام لریمان، لکه:
 نیکه نیکانې هاره نام، جای نامه نی هاره نام، منظوم
 کیشیتینه نام (چیستان نام)، منظوم متل نام او بعضی وارې
 هاره نام زې اجتماعی زېتېلیکه نه مختلف موضوعات تینې
 کې کافی ولسي مهارت او استعدادې زۆخان دی تینې.
 اتې گوری زیبه نی عام ولسي هاره نامه نی هر فورمې کېتنه
 بحث کېرمېبک:

نیکه نیکانه هاره نام: نیکه نیکانه هاره نام عام ولسي
 هاره نامه نی يك چول تینه زې نیکه نیکانه متزې جاندیمان.
 ایمی هاره نام لو ساده او ولسي دود- دستور او کېرنه پېشنا
 پېنه رنگ گوی توس، کول زې نیکه چل بۇوه بۇ او وارې
 نیکه نیکا متزې مۆشاونکې بېدۈوه بۇ، نۇ ایمی نیکه نیکه

لویه

یک پوشە تانى تینیس دۇوم پوشە شوتا رتى
 تو باله تۆما آیه در مۇنە داکا رتى
 در مۇنە داکا رتى

کته شوبانی تینیس نام تونە پوشە تینە
 مندا تونى لاتى تینى استە آرسە تینە
 شىلى شوبانى والى تینى تونى كمتا رتى
 در مۇنە داکا رتى

ای پوشە غۇنچە پوشە كە شوبانە پوشە
 بۆمە لۇتىمېس كىنا مۇ كېرۇ نىشە پوشە
 لە باله پىرى مزە كېبان تونى سينا رتى
 در مۇنە داکا رتى

استە كى كۈندال مۇنە آباله دە قان تینېم
 گانامە پۆدم تلى گوپتائىكى بى روان تینېم
 چل بى ژوغاتە باله تینە مۇنە مندا رتى
 در مۇنە داکا رتى

جه مۇنە نېپانکى تو آتونە مە جنون تینېم
 تو شخى باله آجمە خان لو زىگرخۇن تینېم
 كته شوبانى والى تینى تونى كمتا رتى
 در مۇنە داکا رتى (۷)

بدله

(غزل)

کندوره گوی کتني پنتی سی آوف آنیمپس
 ایخینه کانخ کپری زاتگ نامانکى هره دالیمپس
 تانکى آپتنە کارپى نە بېمېم
 کن زې کارپۇم بۇ كى زباتىي کارپىمېس
 کندوره گوی کتني پنتی سی آوف آنیمپس
 ایخینه کانخ کپری زاتگ نامانکى هره دالیمپس
 کانخه خىكى با باله وارې نە آنخېس
 کانخه خىكى کي تو شاھى تاندىمېس
 کندوره گوی کتني پنتی سی آوف آنیمپس
 ایخینه کانخ کپری زاتگ نامانکى هره دالیمپس
 وۇخ وزله اس وزله پۇك وزله تاندىمان

هاره

نیشن مۇتا رتى كۆبه زېرى تىيان نا

خۆد بى خۇشالىي مۇنە بايە گىلە جىيان نا (۱۱)

جاي نامه نى هاره نام: جاي نامه نى هاره نام بى ولسى منظوم ادبى نىكەنىكانە هاره نامه نى يك دول تىنه، زې جاي نام معمولاً تاتۇز نىكەنىكانە كې مختلف وخت نامه كې پېپىكە نە، قرار كېرىكە نە يانىكەنىكانە باتىي يې سې آنىكە شىخي خاصل وزن او آهنگى متزى جمپت. جاي نامه نى هاره نام لو ساده، عام او ساده كلەمە نامه پېنە ژۆپان دى تىپت، كېرنگە بى زې ايمىپە هاره نام نىكەنىكانە كې جان دىمپت، تو شىلانڭى كەنەر يك هاره خاصل اكتىام بى لريمان او جاي نام نىكەنىكانە كې جلب كېرىتە حرکات بى مىلى كېرىمپت او تىسى(نىكە) جايە نە حرکاتانڭى كەنەر تىپە منزىپە باناوا ورپىمان او آنساوه بى سې لگەپىمان. اتى گورى زىبە نى جاي نامه نى مختلف هاره نامه پېنە نمونانە گاشتىپە يك مثالە آنىمېك:

هاره

ھۇ لىلۇ لىلۇ مۇنە زىگەرە

ٿېپى ديسە ۋشتىسە دىيگەرە

جۇممايتە تو نىتامە تو مۇلا بىسە

قۇمنە جىرگانە تو مىرزا بىسە

كتابە بالىي نام توپىمە اكىرە

ھۇ لىلۇ لىلۇ مۇنە زىگەرە

ھېل تە چغاچقۇ ٿىي بانىمېس بى تو

اشىلىي مىشىتى ٿې نە كايىمېس بى تو

كتە بى تىپىس تو زۇرورە

ھۇ لىلۇ لىلۇ مۇنە زىگەرە (۱۲)

منظوم متل نام: متل نام ملت نامه نە ملي تىجريه نامه نە عملىي نتيجه او فكىرى نچۈر تىپت او خىلەكە نە آنسىي نامه نە تىسى پاغزى، معنا لرىتى او ڈدل-ڈدل، خۇ كىتى كىتىي جملە نام تىپت زې ولسى نە ثقافت، فرهنگ، علم او پەزىز نامه كېرنە پېشىنانە زېنىتى نمونانە نام او ولسى پەزىز نامه نە ۋەتەلە افكارە نە نمايندە گان تىپت. (۱۳)

مۇشاوا نە جريانە كې بعضىي هاره نام جمپت زې دول دول مطالب تىپى كې زۇخان دى تىمپت. ايمىپە هاره نام معمولاً آنساوه آنىتىي تىمپت زې آنساوه، طنز او تمسخرە شىخى جان دىمپت او كۆل كۆل تىپى كې يكۈلە ساعت تىرىي او مۇشاوا نە دلچىسىپى نە مقصد زۇخان دى تىيان.

اييمىپە هاره نام كېرىك مخصوص فۇرم او شكل نە لرىمپت، هەر قسم زې نىكەنىكانە ذهنىي منى توون، تو تىپنىي رقمىپە سې جى توون، بعضىي معنا نىشىتە باتىي او لغۇي ترکىب نام بى تىپى كې تىمپت، خۇ وزن، آهنگ او قافىيە نام تىپى كې رعایت بى تىمپت. گورى زىبە نە نىكەنىكانە هاره نامه لو ساده زىبىپە سې ساعت تىرىي او مۇشاوا نە دلچىسىپى نە مقصدىپە سې جى توون زې تىسە نە مختلف هاره نامه پېنە يكىتە مثالىنامە نمونانە رقمىپە اتى آنىمېك:

هاره

پارى زېن تىپى

زېنە منزىپە رۆپ تىپى

رۆپن منزىپە سۇن تىپى

سۇنە مانكىپى سېسە

مۇن منزىپە بى كېسە

آتسە پېن ھار ژۆپە مېم

هاره بى مندا تىلە مېم (۱۰)

هاره

اي جاي بابا كېن دى تىپە

خوش منگۈلىك دى تىپە

كى آنىبە

لعل جوھەر آنىبە

كرە بى گاتە كە نى

امە بى زۆركە كە نى

اپ اپ

هاره

وادمىغان پېتىكى

يك شانكە ماللىقى تىپە

يك شانكە درى تىپە

- دستارخان ډل تینه ټوپلی نه بمېم- باريمه لو تينېت گینې نه بمېم- انګوشتني يك تینې پېدى نه بمېم. (هګاګس- تاره- ماسوی)

- آيه بازن گاشتني- پشتووه خانن گاشتني- ګه کوراکانه گاشتني. (هیم)

- وات ګایمان- آنده آنیان. (بدنگوړیک او وات)

- تله مېمې شوله مان، تله ټم بُو خوند کېمان. (بنګړي) (۱۴)

ډلپه نامه نه عام ولسي هاره نام: ايمې هاره نام گوري زېنه نې منظوم ولسي هاره نامه نه ډپوه کې يك قسم عام هاره نام تينېت زې خوخي او خوشحالۍ نه مراسم نامه کې او مختلف وخت نامه کې ډلپه نامه نه (لورې او شیگالۍ نامه نه) بکه پېنه جان دېمېت. ايمې هاره نام يك قسم ليګالي او کېتني هاره نام تينېت زې خاص ولسي هاره نامه نه خلاف اسه نه شاعر معلوم نه تیبان او مختلف شکلې ژوپننام لريان. اتي اسه هاره نامه نه يکته مثالنامه نمونانه گاشتني آنيکه:

هاره

ډګه ډګه، ډګه مانوشه نه گومېم نا
ډګه بي مانک____ي بالیان نا
او تانو ډونديک____ه بي شمان نا
خدایا ډګا بي نه گ____ومېم نا
ډګه ډګه، ډګه مانوشه نه گومېم نا

ډګه پته ك____ي بالیان نا
خدایا مو بي نه تمان نا
اسه شيلا نه گ____ومېم نا
خدایا اسه بي شي کېمېم نا
ډګه ډګه، ډګه مانوشه نه گومېم نا

خدایا لو شوباني تینیم نا
اسه شيله ډګا بي شي کېمېم نا
خدایا مو بي مسبي تیمانیو
اسه ډګ____ا بي نه تمانيو
ډګه ډګه، ډګه مانوشه نه گومېم نا

متل نام تسي کتني، خو پخيسن، توليسن او ګندالي جمله نام تينېت، زې لو ميشتني او تاثير ۋادي شكلې تينېپ كې ډل ډل مفاهيم اينخان دي تينېت او لو ټونگي معنا لريمېت. متل نام يك جامعانه او ولسه نه خلكه نه زرگونه پېلې نې تجربه نامه نه نتيجه او نچور تینه زې اسوئه عقل او منطقه لېړه مان.

متله نه بلاغت او فصاحت اتي کې تینه زې فورمه نه مۆخه پېنه کتنه او مؤجز، معنا نه لحاظې مستعار او کنایه، افهame نه مۆخې ساده او عام فهم او افادانه لحاظې سې هدفه رتني سم او رسا شخيمېت.

متل نامه پېنه ولسنامه نه ذهنیت، ګلتور، تمدن، ګردار او واري مشخصات تانديمېت او خلكه نه منزې باتي ماتي نامه کې لو ټوله دليل، سند او حجته نه گاشتني تسه پېنه ٿم گان ديان. متل نام ولسي ادبیاته نه لو مهم او ارزشت ۋدي ډپو تینې زې خلكه نه منزې اجتماعي زېنېلىكه کې لو ميز معمول تينېت. اتي متل نامه نه يکته مثالنام آنيېپك:

- جاي بابه نه هره آپله رتني- آپله نه هره نيله واته رتني.

- زېب لو ميشتني تینې- زېب لو پېتني تینې.

- مشي نه نام- ماچي نه نام.

- يا ميشتني ماچي- يا جاياني باتي.

- ليلى خوی بې پاچا بيسه- کڅ خوی بې گدا بيسه.
منظوم کيشيتينه نام (چيستان نام): کيشيتينه يا چيستان زې ولسي ادبیاته نه واري ژائزname نه گاشتني ارزشت او اهميته نه ور تينېت، امه نه پوڈه مۆکه ولسنامي ساعت تيريه او وخت پره تىكه شخې او تانو ذهننامه نه امتحانه شخې ژوپه مان بوت، مگر نوروکه وخته کې چيستان نامي علم النفس نه نظرې سې لو ارزشت لېپي توں او ذهنې امتحانه يك وسیلانه گاشتني استعمال بيمېت او روحياته نه پرزيته نام چيستان نامه ذهننامه امتحانه لو مهم موادره پېنه گېنېمېت. چيستان ولسي ادبیاته کې خولوکي سابقه لريمان زې ولسنامه نه بکه پېنه آنسى نه آنسى آنکې او سينا نه سينانکې پېدي تينېت. نمونانه گاشتني گوري زېه ني يکته منظوم گيشيتينه نامه نه ياداوه کېريکه:

ني يکته منظوم گيشيتينه نامه نه ياداوه کېريکه:

مشخصات لریمان زې اجتماعی زېنگلیکه نې مختلف تۇنېھە
نام او موضوعات تىپەت کې زۇخان دى تىپەت.

كىرنگە يې زې عشق او مینانىي موضوع انسانى
زېنگلیکه كې حياتىي موضوع تىپەت او انسانىي زېنگلیکه كې
تسە پىنه انكار ناممكىن باتىي تىپەت او يك زن بى اتې چتى
جذبا پىنه تانقۇشكە ساتىي نە بىمان، تو ايا يېن اساسىي مىنە
او محبته نە حياتىي موضوع يې ولسىي ادبىاتە كې وارىپەر
موضوعه پىنه لو پىلل كىرىي توس. گورى زىبە نى اتې منظوم
ولسىي ادبىاتە (هارە يَا شعرنامە) كې عشق او مینانىي قىتلە
تۇنگىي، وصال او هجراننە مراحل، مىشىتە مىشىتە شۆلنم،
دیدننە خندىنام، صبر او تحملە نە كىنە نام او بعضى
كلۇرىي ارزىشتىنام، رسم رواج نام او وارىپە لامى نام تىپەت
كې تصویر بى تىپەت. اتې هارە نامە كې وارىپە مسايىل او
مراحلە پىنه علاوه شۇبانىيار، سينگار، مىنە او محبته نە
مختلف تۇنېھە نام، مسايىل او مراحل زۇخان دى تىپەت زې
سادە او پىلل رۆپەت اتې هارە نامە كې لامىاپى كېرنە پېشىنە
نامىي او كلۇرىي شراپىطي براابر شۇبانە شكلىپى يىيان او پۇدم
بى تىپەت.

پتنىشپىل(پايىله)

فولكلورىي ادبىات ساپ ولسىي نە مشترىك مال زانان
دىيان او هر جامعا او ولسىي نى تىپەت دېۋەتىنىي زې اجتماعىي
زېنگلیکە نى تمثىيل او تصویرە فولكلورىي ادبە نى مختلف
فورمنامە كې كافىي ولسىي مهارت او پىزنا منزىي زۇخى
تۇس.

هر زىبە نە فولكلورىي يا ولسىي ادبە نى ارزشت ۋەدە
دېۋەت نە موادنامە نە تۈپلاوه او گىري تىپە نە تحليل او
خېپاوه لو ضرور تىپەت، شىلانىكې زې فولكلورىي ادبىاتە
كې يك جامعانە او قومە نە فرهنگ او تارىيخە نە مختلف
تۇنېھە نام زۇخان دى تىپەت زې يك منطقانە او قومە نە
اجتماعىي زېنگلیکە نى عنعنات او فرهنگە نە مختلف
دېۋونامە نە پىلل كېرىيە كې كەك كېرىي بىمان او وارىپە بىكە
نە كە ايمىپە مواد تۈپلان نە گېت بۆ، تو وختە نە پەرە تىپەت كې

هارە

پۇلى پۇلى نۇرىي دەل بى تىپەت
خېرە پېخە نۇرىي بدل بى تىپەت
اول شانكە نۇرىي غندل بى تىپەت
پۇلى پۇلى نۇرىي دەل بى تىپەت
هارە

شۇبانە استە ك_____ي گېشا مۇنى مىدى
اپى زىزىي اوپە بى خۇكۇس مۇرتى شۇك تىپەت
هارە

كانخىي اىيھىن تۇنې آمۇر يۇ كېن تىپەت
تان مانكىي لېپا بارىمە بىمە تۇنە
هارە

پۆكە بى سىنك_____ى آىي
لو بى شۇبانىي مۇنى نانى آيى (۱۵)

گورى زىبە نى دېپەت نامە نە عام ولسىي هارە نام وارىپە
بى مختلف مثالنامە لرىپېت، خۇ اتې مقالانە تۈپلە نە
تۈپلەكە نە هدفى يكولە نمۇنانە گاشتىپى بعضى مثالنامە نە
ياداوه كېرۋووه زې اتې هارە نامە كې اجتماعىي زېنگلیکە نى
مختلف موضوعات او مسايىل ترسىيم او زۇخان دى تىپەت.
گورى زىبە نى ولسىي ادبە نى مختلف منظوم فورمنامە
پىنه زې اتې تىپە رتى كېتىپە بىح كېرۋووه، لو مثالنامە نە
آنىكە پىنه مقالانە لو لېڭالىيارە نە دامىكە نە مقصىدىپە ترۋەك،
يكولە نىكە نىكانە او جاي نامە نى هارە نامە نە، منظوم
متل نامە نە، منظوم كىشىتىنە نامە نە او بعضى عام ولسىي
هارە نامە نە يكتە هارە نامە نە ياداوه كېرۋووه، خۇ مجموعە
كې گورى زىبە نى منظوم ولسىي ادبىاتە نى
محتووا(مضموننى) دېۋەت ساپ تىمې مختلف اجتماعىي،
اقتصادىي، كلۇرىي، اخلاقىي او مذهبىي عناصر، مفاهىم،
مفکورە نام او احساسات تىپەت زې اتې منظوم فورمنامە
كې توضىح، ترسىيم او زۇخان دى تىپەت.

گورى زىبە نى منظوم ولسىي ادبىاتە نى محتووانى تۈپلە
مختلف اجتماعىي، عشقىي، مذهبىي او اخلاقىي موضوعىي

بیته، شیلانکی زی ولسی ادبیات امده نه ادب او فرهنگه نه ارزشت ۋدى چيو او زیبه نى مەم سرمایه زانان دیيان.

شتو ته و نخنام (ماخذنام)

- ۱- سانپن، شریف الله. د گوئی ڏيپي ولسبي ادبیات، د افغانستان د علومي اکادمي د اطلاعاتو او عامه اړیکو ریاست، کابل: الهم نبی زاده مطبعه، ۱۳۹۹، ۱۱۳.

۲- روهي، محمد صدیق. فولکلور پېژندنه، سریزه او بیا کتنه، سید غني غني، ۶۸ او ۷۹.

۳- گودر کتاب خپرخنڅ ننګرهار: ۱۳۹۴، ۲۲، مخ.

۴- هاشمي، سید محی الدین. ادب پوهنه، دوهم چاپ، میهن خپرندويه ټولنه، پېښور: ۱۳۹۴، ۱۱، ۲۱۴ مخ.

۵- خاورې، غوتی. د پښتو شفاھي ادبیات شکل او مضامون، د علوموا اکادمي د ژيو او ادبیاتو مرکز، دولتي مطبعه، کابل: ۱۳۶۶، ۱، ن او س مخونه.

۶- سانپن، شریف الله. د گوئی ڏيپي ولسبي ادبیات ۷۴ مخ.

۷- پورته اثر، ۷۹ مخ.

۸- پورته اثر، ۸۴ مخ.

۹- پورته اثر، ۹۱ مخ.

۱۰- هاشمي، سید محی الدین. ادب پوهنه، دوهم چاپ، میهن خپرندويه ټولنه، پېښور: ۱۳۹۴، ۱۱، ۲۴۹ مخ.

۱۱- ضياء گور، ضياء الله. زبان گواري (مونوگراف)، پوهنتون ننګرهار پوهنځي زيان وادیبات دیبارانت فارسی- دری، سال فراغت ۱۳۹۶، صفحه ۹۵.

۱۲- سانپن، شریف الله. د گوئی ڏيپي ولسبي ادبیات، ۹۸ مخ.

۱۳- رفع، حبیب الله. د متنلونو پر کیسو ټوله به کیسه (مقاله)، کابل مجله، ۵.

۱۴- گنې، د افغانستان د علومو اکادمي د ژيو او ادبیاتو مرکز، ۱۳۹۳، ۱، ۳۵ مخ.

۱۵- سانپن، شریف الله. د گوئی ڏيپي ولسبي ادبیات، ۱۰۴-۱۰۶، صفحات ۹۶-۹۸.

۱۶- ضياء گور، ضياء الله. زبان گواري (مونوگراف)، صفحات ۹۶-۹۸.

A brief look to the verse folkloric literatures of Gawari language

Assistant Research Sharifullah Sanin

Abstract:

The verse folkloric literatures of every language are considered as very important and valuable part of the literature and culture of its language, which the most important aspects of cultural and social life of an ethic are illustrated and enveloped by versify form. The Gawari language also has various forms of verse folkloric literatures in the field of its folkloric literatures, like other languages of the country, which in the contents of its various aspects of the social life and issues are illustrated and enveloped. In this article, in addition to the content of the Gawari language verse folkloric literature, various forms of folkloric literature possibly have been discussed and their samples have been bright.

او جامعه نامه نه عصری بیکه منزی پیموشیمپت او پوز دیمپت.

گوری زیب بی تانو فولکلوری ادبیه نه دپوه کی منظوم او منتشر ادبیاته نه ارزشت ۋە دی سرمایه لریان زې جامعانه خلکه نه اجتھاعی زېنپېلیکه نه مادی او معنوي مشخصات او عنعناته نه آرپىشە زانان دیيان. اتى زىبە نه فولکلوری ادبیات منتوره نه نېرى منظوم مختلف فۇرمنام لریان زې اتى زىبە نه منظوم فولکلوری ادبیات گىری شىكلە نه مۆخىپى خاچى او عام فولکلوری ھارە نامە نه متنالنام بى لریان زې اتى زىبە نه خاچى فولکلوری ھارە نامە کې مقام (رباعي)، غزل(بدل)، لوبە، بگىنى، چاربىتە او داستان او عام فولکلوری ھارە نامە کې نىكە نىكانە ھارە نام، جاي نامە نى ھارە نام، منظوم كىشىتىئىنە نام، منظوم متنلنام، يك رقم دلپە نامە نه عام ھارە نام او وارپى فۇرمنام تىپت زې متنالنامە منزى تسو رتى بىح بېرۈ.

مجموع کي گوري زيه نې منظوم فولکلوري اديباته
ني مختلف فورمنامه نه محتوا کي ساپ تسي مختلف
اجتماعي، عشقي، تاريخي، كلتورى، اخلاقي او مذهبى
مسايل، عناصر، مفاهيم، مفكوره نام، احساسات او
موضوعات ترسیم، تصوير او زوخان بي تينيت زي اتي
ولسه نه فرهنگه ليره مان.

پوڈم کرنے نام (پیشنهادنام)

- ۱- گوری زیبه نی مۆخپۇدمىك او بىداینانه هدفی
مربوطە ادارە ناماڭىكى پۇدم گېرنە(پېشنهاد) بىمان زې اتى
جىپوه کې مفید اقدامات او پرۇڭرامنامە عملى كېرىپتى يو او
اتى زىبە نى مختلف دېنونامە نە نېرى ولىسى ادبىاتە نە
تحقيق او تۈپلىكىانڭى لازم زىمینە برابر كېرىپتى يو.

۲- اوى زې ولىسى ادبىات ولىسە نە مال تىينە او ولىسە
منزى تىيان، تو گورى زىبە نى ليكىتە، خېرىتە او
فرەنگىيانانڭى پېشنهاد بىمان زې تاڭو وارى فعالىيتنامە نە
نېرى اتى زىبە نى ولىسى ادبىاتە نى تۈپلىكىانڭى خاص پام
كېرىپتى يو، زې يك بىكە پېنە اوى ولىسى ادبىات مىكە نە
چىر نامە بىنە ساتان دىتە او وارى يكە نە خۇندى او بىدای

خديز خېنۇن شاه ات وى نېپس بدرجماں

يال المستى خبرسخ ات پاتىنسا اردى لوفچ. پاتىنسا همىئىنأ دى جەتى بىنин يال لېدى قدر چۈرج. پاتىنسا خوبىپوچ چى پىخ اردى اس كۆئى قاف بىن ذاذاج. ياؤى بىن دۇندارە خىشىرى ئىچ، تولۇف ادې يى طرف پېچ وەند مېست ات يىگە طرف خير، اما بلور شاه مىس خېت كاڭا ات خىشىرى آدم ۋەذج. بلور شاه ات وى بىنپىن يىكىدگىلپ زىيوج. بلور شاه بىن اس پىرى خۇندان اند ۋەچ، اما بلور شاه دى گائپ نە فەمچى. ھروخت ترۇم خېزىخە سىذج ياخشىرى ئىخشىرى دى سخ.

اس بلور شاه ات پېرىزاد اند بىن ذويپخ سخ، بىواند وى نۇم زىربىيۇن شاه ات وى يىگە اند مېرىزا شاه. يىگە رىزىن وېقىند سخ، وە نۇمپىن بدرجماں بىذج. بدرجماں اس خونان گە مىس خىشىرى دى ۋەچ، ادې لۇخو مېست خو پاذاپن قىتىرا زەمىن خاڭچ. بدرجماں يىكبارى ارخېنۇن ارخوباب خېز يىچ ات تىچ. وختا يا اس بىپوھ ارخېنۇن يازىد، خىل تا غلاؤ مەد پەرادى يىچ.

يىك رۆز ات يىأ اس بىپوھ طرفى خېنۇن حركت كىنىت، ارخېنۇن مىس احوال ڏېن ادې پاتىنسا بىنپىس تە يازىد. بدرجماں خېنۇن فراپت ات كەدۇم نفرىي زىرەد كۆئى ذېۋىقىچ ورد لۇقپىن، ادې پاتىنسا بىنپىس ارخېنۇن چى يىت. دى ذىپى نۇم قىشىم پەلۇون ۋەذج. بدرجماں دى ذېۋۇنۇمى بىذج، اما وى باراندى اچىزىت نە فەمت.

بدرجماں وختا اس نائ سوۇد، وە داد وە اکوى وختىند خو خالاڭپىخ ارد دولتىنائۇم ارد لفظ ات وى خالاڭ مىس قىرىنىمى لېمال وە كاڭ تى كىنىت ات اس خو خېرلىپ قىلغىبادى كىنىت. بلور شاه خالاڭپىخ خنج

در ساللەھاى سال، در وخت ھاى وخت، ۋەذج نە ۋەذج، خېنۇن ملکىتى دى پاتىنسا ۋەذج. وى پاتىنسانۇم خديز خېنۇن شاه ۋەذج. وى پاتىنسا نۇم خديز خېنۇن شاه ۋەذج. يو پاتىنساپ بىشائىد آدم ات دلسۈز ۋەذج. دى پاتىنسا وختىند ئىلم ات ئۆزى ئەنەن وېزىچ. يد پاتىنسا غارىب اردى كۆمك چۈرج، گېنىھ اردى خراڭ ذاذاج ات شك ارد پۇناساک.

وى پاتىنسا يىندىپن ذېيۇن پىخ ۋەچ. وى يى پىخ نۇم وخشۇن شاه ات وى يىگە پىخ نۇم بلور شاه ۋەذج. وخشۇن شاه يىردى داد پامير مەلک سپارچ ات بلور شاه يىردى بىپوھ زەمىن داڭىسىت. اكدى رقم داۋدى وى ذو پىخ يىوپامير مەلک اند پاتىنسايى چۈرج ات يىدىگە بىپوھ زەمىن ارد پاتىنسايى چۈرج. خېنۇن شاه تاخو مىداوېچ اس خېنۇن اند تراجاڭ نە سىذج. خېنۇن شاه يىندىپن ارى المستى خزمتگار ۋەچ. وېف المستىپىن نۇم بىنین يال ات زىردىيال ات تېرىيال ۋەذج. وېف المستىپىن خەرچ وارگ جىڭار ۋەچ، وېف غۇنچ مەدۇم وېف پېچ ارد تىت ۋەذج. پاتىنساپ بىش جېپ وېف ترقىلاق نېتىيداونە لائىچۈرج، ادى اچائى بىساج مائۇرت. وەز المستىپىن بىأبىجەپ اس پاميرات بىپوھ خېرزاپىچ ات پاتىنسا دېن خېر قۇرۇچ. يد زىردىيال المستى اس زىردىكە ۋەچ. وە نائ مىس خېنۇن پاتىنسا يىردى خزمتگار ۋەچ، اما جوۇننى يائاس بىن تېچ.

خېنۇن پاتىسا وە تېرىيال المستى يى اس يارخ قۇلندانجۇ ۋەچ، وە زات ات بئۇد معلم نىست. بىنین يال المستى كەدۇم گائپ اند پاتىنسا خېزىند گروگۇن رېذج خو، پاتىنسا درباراند خزمت كېنىت ات رېذج. خېنۇن مەلک ارد هەر گائپ خە سىذج، پېپىن اس فكت بىنین

چۈرۈج ادې، مورزىن خېر نۇن ات بىپوه يۇنىدىين
ارد پېد.

پرى يېن اس كؤيى قاف حركت كىپن، يىدېن
اربىپوه، دېلىپوه ات خۇنۇن بىن ارد بىكىپن.
خۇنىدىن رمزوبىذج ات خۇنىدىن ارجەھۇن نما يېنك
چۈبىچ، اس بىرجالىن اچىزى خېرنە ۋۇرۇج؛ دۇند
جهت ادې يائېپى وېن ۋەخ ات نېتىداوى نە
ۋارڈاچ، دى جەتپىن وەن نە وېنج. دى ارى مېشىد
بىرجال بى خودخە ۋەخ، قىشىم خوقرادارقىتىر قول
مېزج، وېق بلند كۇيېنپىن غلائى كىپچىپن قتى اس
درماخت طرف خەموجات ۋادىچ، تاسىرىپىش. دېق
بىپوه شەقىداچىپن فكىت دە قول طرف گەرذېنج،
دېيدىدېق قول لېپ قىلخ زار سەخ.

ارى مېت بىرجال بى وېن يادىد، چاست پى
زىركۈنۈلک يى طلايى تأاخت تى بىنچىل قتى
فييىچىن، ات يى ايش سىاه وە پەلەندى ترخۇزم. يأ
ھەرخۇند وېق بىنچىلپىن تى زۆر خە ۋادىچ، وېق
خلاص چىدى نە فارڈاچ. دې به اواز بلند جۇن
خەذايى تلائىت ات قىود. پرى يېن وى صەتايى
خېرسپىن، تا وادىپى وى كۇنۇلک ۋاراپىن، ات
يدابىش پەلەوۇن بىرجال وە تأاخت قتى پىدأم كېت،
خوراست دە قول درەن. يەد ايش اردم قول درەن
خەر بىند قصر مېزج، بشاند باغ مەس وند ارم ۋەج،
دى باڭند هەرقىسىم مېۋە ۋەج. لېت خەزىتگارىنى
يدابىش اس هەرجا خەپچ ات ۋەجى اردم قول.

يدەلەوۇن بىرجال قتى فرایپىت اردم قول بىن، دې
دېزىد تەردم قصر، دە وە خەقىرەدروازە يېن چىت
كېت، بىرجال پاذاپىن ات ذىپەتن مەس يېت كېت.
بىرجال مەس فامىت، ادې دەگە تە زۆرتى دى ايش
قتى نە بافت، دە دەنیيەد دېد، پەلەوۇن قىشىم يادىپى
ومند، خولۇقدۇ: آنازىن! توچىز دۇند ناۋى، وزم
توۋىچىج، تاتوخىت موادر دۇم خە نە ساۋى پى توته

ات دەلۇنىسىپى پاتىبا ۋەج. رېسۇن مەس يىلەف جاي
درتابىعىت وى ۋەج.

بىرجال بىپوه كۆتل فرق تى فرایپىت ات قىشىم
خوييختىپن بە چەل ات نېرنگ باپىچ، تا بىرجال
ترچىد مەرأت كىپن. دەق قىشىم ياخىنپىن بىرجال
مەرأتپىن، اما يالۇقچ نى وزتە نە ئارذىم، اما دەز
غاخېن لېپ لاسك سپىن، بىرجال وېق مەرأت قبۇل
كېت، دەخونفرەكىت زېزد، خوار چۈپۈنپىن بېلگە
وېق تى مەھمۇن. بىرجال ات وە نېرپىن سپىن قىشىم
جاي مەھمۇن ات وەز آدمىپن ارفكىت خراكىپن بې
وېنى دوا (بى وېنى بىتە) پېپوپىن. بىرجال ات وە
نېرپىن يۇدند خراك خوييغېق دېن ات فكىت بې وېن
سپىن. دى حال انداتە قىشىم تەخت تى، دە بايدىر دۇمن داشت،
بىرجال سەقېت تەخت تى، دە بايدىر دۇمن داشت،
يدېن راست پى زىركۈئارى مېق دېق بى وېنى
ارد نېرىجىزجەت فكىت دېق قومپىن پى دېق نىسخ
بىرجال اند ارخېنۇن وە باب ات خېپىن ات قوم
پېرىشۇن، ارپىپوه وە نائان ات داد، اردوںلىنىيى وە
خالا ات وە خەسەنۈنچ، پى پاميروم عمك ات وە
قومىيات فكىت جارە اس دەست وە سرگەرۈن ات
بىكىرىپن تە وە.

ارى مېت بىرجال نېرپىن بە وېن يىدېن، چەنپىن
چۈپۇنپىن يېلگە رە زاغ ات بۇئم نىست. كائند دەز
نېرپىن تېپن اربىپوه ات كائند ارخېنۇن. پاتىبا اس
بىرجال نېرپىن پېپىخت، وەدمسە ھەچىزپىن خە
وېنچ راست راستپىن لۇقچ. پاتىبا خەمالىستى يېن
تلائىت، خو وېق ارد لۇقىد: ھەرچەدۇم اس تە سەپىرا
اس مونبىس احوال مەرد خە ئىيرت، وە وزنتى تە طلا
ات نەقەرە وە ارد دەزام. دەز المىستى يېن بىناب تامېت
بىكىرىپن، مەگراس يى جايىت خېرنە ۋەرىپىن. بلورشاھ
بۇن ماھ خېنۇن بىرجال نائان مەس اس خورزىن
پەداو خېرسەخ، بعدىپى كؤيى قافى خو نائان ارد احوال

اریارخ قول. اریارخ فرآپن، بنین یال المستی تېزت زىرد مای خوگرذېنت، خوراست اردم قول بن. الڭ ارېد رست يى چارك دم زىرد مای وينت ات لۇقىد: دسگە مای غل نه وينچ. يىم مای عجب خشرؤى. بنین یال فأمت يوچارك لې شوقى وم تى، دىتېزت تروى پرا يازد. يوچارك وم قول پاتىبا ۋەذج، تېزت تۈرىپتۇد، خۇوم مای انجىقىد، بىدىپىست تىرىي ژىرن مەلائۇم قول درون اند ۋەذج، ترم.

وختاوم زىردىما يى اس تۈراندۇز وېند، يامما يى خوپرى رانىڭ تى گرذېنت. يو چارك لې خش سەذج ات لۇقىجى: وزم فأمت تويت دى خشرؤى تى پرى اته نه ما يى وم قول درونا يىندى يى غلايىكى بىندى خۇناۋەذج. وم قول پاتىبا اس هرجاش نفرىگىرچۈرج ات يىمنى بىندى چۈرج. وختادم پرى ترم وېند، يأچاست، ادې يى كەپىرىنىك مىس يىمندات وم حالت لې خراب. وم ذىستېن ات پاذاپن فۇسچىن ات نالان كېبت. بنین یال پۈرگ خوگرذېنت، وم تىاب اس وم بىنك ذىستېن تى ات پاذاپن تى تېپت ات وم خلاص كېبت، دەذاگەرذېنت خوپرى رانگتى. برابر بىأب سۇدات پىس ياددەتروم كەپىرچىز، پېپىخچى وم: تويت چىزجهت بىندى؟ ياكەپىرلۇقىج: اى نان فكىت اس دىستى مويچ. پېپىخت: توپخ چاي؟ لۇقىجى: قىشىم پەلەوۇن. الڭ تە ابش مىس وى لۇقېن.

بنین یال لۇقىد: آمئۇم اس يۇندى خلاص توخە كىن، تۈمرد چىزكى؟ ياكەپىرلۇقىجى: هەرچىز توخش خە قېد، وزىردىكىن. يىدىرى خودرۇن سۆخىن تى وېند، پتى پتى زىبىت ات نالان كېبت. دىيد قول پاتىبادم نالان بىنىت، يادىد، خۇوى وۇراغېف پېت كېبت، بعد يىدىرى دى چارك ارد لۇقىد: تىت خەرآنىڭ بى انصاف، موپت تىمى وۇراؤ بېذج، نە خېچت مەرد لائچەۋەت نە بېخ، مندە شىج موزرۇنىچافت، مودۇرۇن لې سۆخىن كېبت، مواسىيۇندۇز وېند، ياس

نه رفم ات اس مىم موقۇل اندىنىتىيد او ترد لېت قېن ات اچايتە مىس تۈزۈپستاۋ نە ۋارذىد.

بىدرىجەل چاست دگە چارە نىت، دىلۇقىد: مندىمس يى شرط يو ابىش لۇقىج: تىندىچىز شرط لۇق، وزىتىشەن قېئۇم. مەگم اكدىنەند تومىس مۇزىيوج كىن. بىدرىجەل لۇقىج: تۇنېخەم تىردى رۇم خە سەخ، تىرتوخېزتە نە بىنا فاخىم ات تومىس تىرخۇخېز مادېذ. يوابىش مىس وم شرط قېئۇم چۈرج.

وختا يوابىش اس زىردىكۈتى روپىچ، وأذپىرى يېنپىن وى وينچ ادې يو ارقۇل خە دېزج. پرى يېنپىن بىدرىجەل نان ارد، وم داد ارد ات وم فكىت قوم ارد لۇقىج ادى ياكەندىن. بلور شاه ات وى بىنپىن خورزىن جەت دگە قىندر سەخ ات غىرەنالاڭ ات فغۇن وېندى اچىز گە چارە نە ۋەذج.

پاتىبا المستى يېنپىن بىبىت مېت سرگەرذۇن ات يك رؤز بىنپىن یال احواز ۋەچۈرچ ادې ابىش اندۇي نان اریارخ قول كەدۇم كاراند بىندى سەخ، بعد تېرىيال المستى گارىزد خولۇقىجى: اې يىخ توپسناورى ۋارذىي؟ تېرىيال المستى لۇقىجى: وزوم قولنىد غالا سەخ، هەرخۇند قىلخ خە قېد، موارد ترلىنگ، ياخ جناوتېز، فنا ويزىقتى هەرخۇند درخە قېد تېزت سام ات يەم. بنین یال المستى اند مىس يى كىمال ۋەذج. يأھرچىز رقم تى خو گرذېنت. چارك رانگتى خوكېبت. مایى رانىڭ تى خوگرذېنت. بنین یال المستى تېرىيال المستى گارىز خولۇقىد: آىيغ توپسادىي خزمت كى. تېرىيال لۇقىجى: آىيغ چىز خزمت تىركەنم؟ لۇقىجى: موار يارخ قول فېپ، ارم قول درۇن يى بىنك بىندى، وزم معلومات چۈد، ادې يأپەلەوۇن ابىش نان. ماش ۋارذىيام و اس يەندى خلاصامخۇ، خوخېزندۇم گروگۇن انجاڭا، بعد دوم تى فشار ۋارام، تايأخپىخ (ابىش) ارد لۇقىد، ادې بىدرىجەل پېت كېبت.

بعد تېرىيال لۇقىجى: اې غاخ توپىزدى مۇپىدام يەد. بنین یال سۇد تېرىيال پىدأم خوياخ گارىزد، راست

در فکر گروم خلاص چید سنج، تاوم خلاص کنیت ات
انجیق دوم. بنین یال اس دم بِنک گاپ فامت ادی،
گاپ کاندی، بعدتر پاتنسا گارذ خلوقد: ای ملک
پاتنسا! وزاس توکومک تلابم، تو اس نراند مو اس
مېش ذوگه المستی جدا کن، تاوز فام ات موکار.
پاتنسا پېښخت: تو چیزارد اس دېف جداساوی؟
بنین یال لوقد: مند دېف تی شک. پاتنسا ٹاپېښخت:
دېف تی تند چیزشک؟ بنین یال جواب ذید: ذپون
کاره مېنسا اجاجکونا. پاتنسا بنین یال گاپ قبل
کنیت خو، دم اس دېف خبزند به یی بونا اربن پوه
خوچ بلور شاه خېز بېزد. بنین یال تیزد، اربن پوه
فرایت، راست ترماه خبرنون خېز سو خو، و م ارد
لوقد: ای پاتنسا زان تو اس نرند لپ ماؤ، اس نیود
او جایتی دعا کن، پی خذاي یارب کن ات وزم
ترد کومک چیدیچ ات توموتی یاري کن. ماہ
خبرنون لوچ: وزتو فتی چیز کومک کنم. بنین یال
لوقد: وز فام تت اس خونان اند پری زاد، دی مس
ترد لوچم ادی یارخ قول پاتنسا تو رزین تی عاشق
ات کوئین کنیت، ادی تورزین انجیق د، اما اس
وی تشویش ماؤ، وندم وی کار خلاص چؤبوج.
ماه خبرنون لوقد: خرأگ ات وی کار خلاص
چؤبوج؟ بنین یال لوقد: وزم بندج، ادی یارخ قول
پاتنسا تورزین جهت قششم نانی گروگون انجوف
ات بندی یی و م چؤبوج. اکدی رقم دزم قششم يخ
اس توباب خبزند زانست خو، ستم قششم نان
خلاص چید. قششم نانم هزار چل تی اس وی
خبزند خلاص چؤد ات وی چارکم (یارخ قول
پاتنسا) ذادن پیش خو، یوغل ترخؤدم ات وی بندی
خونا و بیخنم مس خوقتی ۋۇرچ، يمه موجه یېن.
مند توداد خزمت گارپن (تیریال ات زیر دیال) تی
شک ىد، دی جهتم ارتو چېزیچ، تا اس تو خبزند
خوکارپن پېن یاسم. وز فام اس تو رزینی چائی
قششم ارد رفوت ذاتج. تو غم ماؤ و زته تورزین

ترخو خبز. یدچارک خش سو د، و م پری پېست
ترخو خبز. اب ش دم پری ارد آب ات طعام ذیدات
یا بعد اس دی پېس دتروی دومان خو، لوچجی:
ژیو جم تو. یوا بش مس باور کنیت. بعد اس دی اته
دی چارک خؤدم پېست، خو دی چارک ذید نیش. ذیو
سو د بی ون، اس وی مأ کرد وی بندی خونا
وبنیع زېزد، راست یا زاد وی بندی خونه پېت
کنیت، دم کمپیراس پېدن دزوبن، دې قرب کنیت،
وم وبنیع وېزد خوماک ارد، خووم بِنک قتی اس
وم قول اند نېتیزد، یا زاد پی و م قول لاف ادی تېریال
المستی غل پی وېف نیسخ. تیریال وېف کنیت
خوپدأم، است یدپن پی خبرنون.

خبرنون پاتنسا چاست بنین یال ات یگه بِنک تېریال
پدأم ات یدپن. بنین یال المستی لوچجی: ای
پاتنسایی ملک اکم بِنک قششم پهلوون نان، يم
مأش خبزند شچ گروگون. وزم مس اس یارخ قول
اند یی بندی خونا، اس يمندم مس خلاص چؤد، يم
شچ باید خوچ ارد لوقد، تایبو بدرجمال پېت کنیت.
خبرنون پاتنسا لپ خش سنج ات لوچجی:
اکمپیر! تومون پیس پېت خه کنی، تو وزن تی طلات
نقره ترددأم، خود بارند تو کارگر انجا فم، یارخ قول
پاتنسا کاڭ مس تر دلارم.

یا بِنک خبرنون پاتنسا گاپ قبل کنیت ات لوچجی:
مویخ اندیبی عادت، يو ته ترخؤدم خە ذېد، ذوم پېست
تی تە اگا سو د. مأش مگم شچ دوماه يېخ انتظار
فيام، تایبو ترخؤدم ذېدات لوقد: وز فام مویخ تو
نېپسی اربن پوه قول درؤن اندیبی قصر، ارمى و م
بندی چؤبوج. پاتنسا دم بِنک پېښخت: آمادر تو یی
یارخ قول پاتنسا چیزارد بندی چؤد؟ يأ جواب ذید:
اگه راست مو خە پېښى، یارخ قول پاتنسا مس
تون پیس تی کاتە (عاشق) سنج. يواس وختى خە
بندجى تون پیس قششم ذست گيرات بندی چؤبوج،

یوچارک چاست، ادی وأذوی و بشیخین فکث وی
ذپو(بینین یال) مأکرد، دذلوفد: مند اول یی گاپ.
بنین یال وی پېسخت: لوق خوگاپ یوچيز؟
یوچارک لوقجی: اول موون بشیخین مرد دأکیت، بعد
هرچيزتمند کارخه ڦد، وزتمه دلتی کارکنم. بنین یال
لوقد: نی اول ڏې پری یېن کار انجموم ڏاڻ، بعد
خو و بشیخین زېز. یو چارک پېسخت: تمند چيز
کارات چيز تمرد بکار؟ پری یېن لوقج: مأش ارد
قششم کايل ٿاُر. یو چارک لوقج: وند وُقد کايل،
چدوم کايل تمرد ٿاُر؟ ڏاڻ لوقن: مأشدوی
زيردکايل بکار. لوقجی: وی زيرد کايل شج ترخؤذم،
يوته وختی اگاسود، ادی خونان وأغداوښینت اته
وی نان اردم قول درؤن موخېزند بندی، یو ذپو ټپول
نه چوچج؛ دوُند جهت ادی قششم نال خونون پاتبنا
خېزند گروگون. یو ذپو یاذا دقششم نان اس خونون
پاتبنا خېزند پرجيقد، پېست تردي چارک خېز، یاتا
دی چارک وپنت ات دروأغد ڏېد، ید چارک لوقد:
آكمپير ماُوغ اته ید تایدام پی زيردکو. وم پېست پی
زيردکو، وم غوئنج ارد انجيقد ذيدتر بشپدات و م
خبرغست برفلک.

قششم پهلوون خونان صداتی اگا سود، دذ اس دم
قول اند نبستيزد، خو سودپی زيردکو چاست وی نان
يمند شليگ وپنج ات نالان بنت، و م سفحين مس
وم مأ کرد نست. اکدى رقم قششم پس خونانش
سرگرذون ات یوچارک سود خودپند ارق قول، دذ اس
درما رخت طرف چونت چونت ات ید بشخ یکبا اث
ارخې نون طرف نبستيزد، قريب ڦنج ادی خونون
زمین فکث پېست. قششم چاست یدقو درنماديد.
سود اس درمارخت، دذ غالا خدارج زيرزېزد، ڏېد دم
قول موري یند ات ياقوأ باند سود. یو چارک اس
وم قول اند نبستيزد، خوراست پی زيردکو، قششم
نأن وپند تردا م خو با بربودون دشت، یاذا خونون.
بنین یال دم پنک اس دی چارک پرجيقد، پس

هرآنگ خه ڦيد خلاصم. اته وزم مبر ٽونج، یی
چيز مرد ٺار.

ماه خې نون بلورشاه ٻن اس دم بنین یال المستى
پېسخت: تت چيز ژيوج ات چيز تردفارت؟ بنین
یال لوقد: وزم وأرگ جگارات مېنند بسو ڦد ژيوج.
ماه خرنون لوقج ادی، ید آسون، وزتر پيدا کنم،
دذخو نان ارد حوال کښت پی کوئي ټافوم. ارد لوقد:
مرد لپٹ منپچ باز ادی، بسو ڦد مس و پېند ڦيد. ماه
خرنون نان دذوم ارد پنجاه وأرگ ات پنجاه بسو ڦدن
مېر پېزد خورزين ارد. بنین یال وأرگپن کيرد، ڏې
جگار خيرت ات ڏې ڦرمپن بسو ڦد گه خيرت ات
بلور شاه ٻن ارد ڦالوقد: اپ پاتبنا زان! مواريگه
خزمت کن. بلورشاه ٻن لوقد: چيز خزمت تردکنم. یا
(بنین یال) لوقد: وزم اريارخ قول درؤن، پوند
بشاندنه فامم ات پوند تينه ٿارذيم موارد اس خو
نأن اري پری زاد پرجي تاوأذ موaram یاسپن. ماه
خرنون لوقجی بشاند. بعد خونان ارد احوال کښت،
ادی موارد اري خزمت گارباز. و م نان و م ارد اري
پری زاد پېزد، اما لوقجی: لپ آزار ڏې ماذد.
دأذ پری پېن بنین یال زېن خو راست اريارخ قول.
بنین یال ات دأذ پری پېن دم قول گايل تی الأف خو
دأم ڏېن، بعد بنین یال ډېذدار دم قوم درؤن، سود
تردي چارک محلاء، چاست یوغل ترخؤذم، دذخو
غوئنج قسى وی ذست ات پاڙ فيست، خوتر دأم وی
ذيد، سفينت پی قول زيمبائي پری پېن خېز. پراکي
یي وی نېش خه ڏاد، وی جايرد خوتونج مالت ات
يو به خود ٻاڏد. ید چارک چاست قول لاف تی
اری پری ات وی ذست ات پاڙ ڏېن فؤسچن. ید
بنین یال المستى دذ گرذښت خو ڏېورانګتى، دذ دى
چارک ارد لوقد: تويم وز زيدجت، اما ماذ پری
پېنن تو زيدا مومنه لڳوئد. شج تونه فامي ات ماذ.
اگه مېف کارت انجموم ڏاد خب، اگه نى تند
خلاص.

سأم. مند جای نست ات یکبار نبستیم ات معلم سود، ترکاته موپوند تیزد.

یدچارک دم ارد لوقد: اریارخ موقتی سأوی یا؟ تپریال لوقد: سأوم. بعد یدچارک ات تپریال اس خرنون حركتن. الاف تیپن ات یدچارک لوقد: تپریال! وزم مات، دذتپریال دی چارک گه خویدام کبنت بشؤخ گأردد، راست اریارخ قول. داؤتیپن ات دېف دأم تى بنین یال ات زیردیال ات داؤپری یپن مس حركتن. یدچارک لوقدی عجب همراه بم خورد چئد، بی خپم ترپنندی ارود موفرپیت. ید چارک تپریال قول گآل تى لاكبنت ات خبث دېند اردم قول، سود ترخوبندي خونایدی، وأذوی بندي یپن غل یمند ات دېی قلف.

یوچارک یا زادپی قول گآل، چاست داؤپری یپن ات یو ذپو(بنین یال) مس غل پىدنده، دذ اس دی ذپولوقد: آذبو و بنيخېن یکبار موارد دا چیداو ۋارذى یى؟ ید ذپوپېنىخت: و بنيخېن خە کى؟ یدچارک لوقدی: مم خوهمراه يکبار ارخومحلاً ياسىم خو، يدم. ذپولوقدی: و بنيخېن تە تردنە دا گم ات خبث توقتى سأوم، یدچارک قبول کبنت. بنین یال ات یدچارک ات تپریال دېذن اردم قول، يدېن تردى بندي خوناڭىف، یدچارک اس تپریال و بىذدتىرى بندي خوناڭخو، دېی چست کبنت خو، يدېن ۋاپى قول لآف. یدچارک دى ذپوپېنىخت: دم تپریالت فأمت يانى؟ ذپولوقدی: اوں! وزدم فأمم. یدچارک فاپېنىخت: یدچاي؟ ذپو جواب ذېد: يدقشىم ياخ ات لوقد: وي نائىم اس توذسىتىد خلاص چئدات ۋات وي ياخ ترقاپ وېند، اما توپندي خونا ات فك و بنيخېن موجە، تۇنېخت بدرجال خلاص نە چۈرج، مېف تە تردنە دا گم. یدچارک لوقدی: وزته مس دى دۇند وم جەت تلاشم ات موارد معلم ادې قشىم پەلەونىند سېرى نست ات دى ارد يى كارنه كنم ادې يو بايد تېزت خراك باس كبنت. ذپوپېنىخت: چىزكارسۇد: یدچارک لوقد: اس وي نائى ياواي ياخ بازوئى دۇندك گۈنىت زېم

پېست خېرنون يارخ قول پاتىبا خېزند گروگۇن لاكبنت ات قشىم ارد احوال كبنت، ادې تونان يارخ قول پاتىبا خېزند گروگۇن، تا بدرجال پېت نە كىنی يوتە مس تونان يېت نە كبنت ات اندۇم باش تە وم كبنت. شىچ توفامى ات تو كار. خونان ات اگه ژىوج، بدرجال تە خلاص كىن، اگه نە ژىوجت خلاص مأ كن.

قشىم پەلەون خېرنون پاتىبا ارد احوال چۈرج، ادې مند خشارشرط، اگه موشرطېن ات اجرا چئد، خب اگه نە چئد و زته توپرس (بدرجال) پېت نە كىن ات اس وم رنپس خېرنون پاتىبا قشىم گاپ دى شىيت، خوبىخېن اس پامير، بىپوه ات فك خورعىت ارخېرنون جمع كبنت خو، دېف قتى مصلات(مصلحت) كبنت ات قشىم شرطېن مس دېف ارد لوقد: يارخ قول پاتىبا اس بنین یال پېشچى قىشم اندىچىز: شرطېن؟ بنين یال لوقد: وندىن خشارشرط: بى شرط يد ادې، پاتىبا بايد يك رۆزا خرج ورد ذېد، ذىيۇم شرط يد ادې، وي نائى بايد پېت سود، اريم شرط وند دسگە يىدې، پاتىبا بايد بىپوه قول قاق كبنت ات خشارم شرط يد ادې، پاتىبا بايد وي قتى ذېد كبنت. بنين یال دى چارک ارد لوقد، ادې پاتىبا فك شرطېن وند قبۇل چۈرج.

خرېرنون پاتىبا بنين یال تلارپىت، وم ارد لوقد: تە مس مورزىن جايىتى. قشىم موقتى شرط چۈرج، توته موقتى چىزكۆمك چىد او فارذى یى؟ بنين یال لوقد: هرچىزاس مودىست خە يازد، درىغ تە نە كىن، زيردیال لوشىجى: اي پاتىسا! وزم مس تو خزمىتىد، اما تپریال المستى پاتىبا يرد لوقدى يىدې، وزته اس مى ترۇد دگە تردى خزمىت چىداو تە شارذىم، بعد اس پاتىبا خېزند نېتىزىد خو، تېزد، تردرگا نېتىزىد ات يارخ قول پاتىسا دم ذىست ارد انجىقىد، خولوقد: تو ترکأساوى؟ يال لوقدى: وزمس خبىت نە فامم ترکا

ارد احوال ذید، یدت خرج تیار، دذ قششم اس زیردکوئتی حرك کیست، یا زاد ارخنون، دی صدمال، صدیک با جت برنج خیرت اچیزت ورد نه سود، گارذتر پاتنساخو، لوفد: اپی پاتنسا صاحب! یم تو خرج موارد اچیزت نه ست، وزته شج هرخوند حیونون تندخه فبد، خارم ته اتا بین یال ات زیردیال خود یک قتنی یدپن خو، قششم پهلوون ارد لوفبن: اپی پهلوون یمه الاف خرچام مس ترد ڦؤد، مه خارصی. قششم بی لقا زبزد پیست پی غیف چې ڏپدات وی نان ات يخ بوی تروی نېئ یا زاد. اکدندي ات وی زارد بد سود خو، درسفرازبد، اوچ اوچ کښت ات وی کاں مس دارذتی ڏپدات وی حال لپ بد سنج، دذ پاتنسا ارد لوفد: آپاتنسای شرطت یاد، بعد تیزدپی زیردکو، خونان ات يخ چرت اند ڏبد، خوقتی لوفد: عجیم ته گوښت پی خودستپن خود.

خرنون پاتنسا چاست قششم پهلوون اند وی حالت لپ گندأ، بین یال ارد لوفد: تمپت درد چیزداد، ید دس خه ست. داذلوفبن: مأشام دوندک گوښت اس دی يخ خېز بازات اس دی نان چاپ بازو تی زابست، پیختام ذادأم درد. دی سپرچیدلپ قین، فقط دی چاراً اکدى تی ڦد. ید ته شج اچیزگه نه خیرت ات دی شرطت مس اس دی یاد. پاتنسا اس بین یال پیښت: دی نان ات اپی يخ کارتھ خراؤک سود؟ بین یال لوفد: ېټ چاراً ته مس سود، دذ شیرات نسوار گدگنست، قششم سفراقتی یکجا کښت، پیست قششم نان ارد خروننت. زیردیال اس پاتنسا خاهبن کښت، اپی یکبار مرد اجازه ذاڻ، تا پاتنسانأن قتیرونن، دؤسک کارمندوم قتیر. پاتنسالوفد: اپی رزین ترد اجازاً اپی وم قتنی ون ات گاپ ذاڻ، اما تو فکر ڦبد اپی، اس تو ذست اندنه رخیشت. زیردیال لوفجي: اپی پاتنسایی ملک مندوفکریست. یائته اس موذست اندر خیستاو نه ڦارذبد.

راوی:

آخوند دادعلیشا، ۷۷ ساله ۱۳۸۶، دهقان، شغنان بد خشان

اروی خراک پتېم، یوته ېټ بوی فامت دذ ته خراک اچت نه خیرت ات وی کاں ته دارذتی ڏبد، دذوی ڄمبن ته نسباً سپن. اکدى جهتم قششم نان خوخپزند گروگون زابست، یاشچ مو خېزند نست، اما خشم اپی وم رزینم ٺاترقاپ ۋېدد. ېدجاريک یا زدپس پی خرنون ات سپن یال ات زیردیال قراراث ڏپدپن ارم قول، سپن تروی بندی خونا، ڏپدپن ترم. تېریال فکر چوچج اپی ڏپن مس بغیر بندی چؤد، بعد ریش خندی تی ڏېت ارد لوفد: آخروزات تمه یی بندی خوناً اند. موته مو قراد قششم هروخت ات هر رانگ څه ڦبد خلاص کښت ات تمند دگه خلاصی نست، بعد زیردیال انجیقددم بازو وارد دی ذید دکن، تېریال بازو گوښت رست پی و م زیردیال ات لوفد و م ارد: تات تو نائب مأش قاپ اند، تمند خلاصی نست ات مأشام خلاصت. تېریال پیښت: مونان کائی؟ زیردیال لوفد: اکاپنک خرنون پاتنسا څېزند گروگون څه یکا تو نان. تات خبىت برخو چؤد، اس پاتنسا څېزندت څه تايد.

بنین یال ات تېریال بعد اس دی اس بندی خوناً اند نېستپن وی ډېتی چستپن. تېریال چاست دی بندی خوناً پیشچن مس ډېت جه، دذ درنیو سود، داذفاپس یدپن پی خرنون. پاتنسا چاست زیردیال مذست گوښت، بنین یال مس و م قتنی ات یتپن. پاتنسا ډېت ار دلوفد: وزم اس گوښت خیدتمه منع چؤد ات ید گوښت تمه جه څه، دی څه کښت؟ ید آدم گوښت یا مالند؟ داذلوفبن: اپی پاتنسایی ملک! یم گوښت چیزگه مس تیار کښت.

بنین یال ات زیردیال دؤسک گوښت ګه اس قششم نان بازو تی سچندپن خو، قراراث اریسی دیکچاؤی پیشچن. دوندگه باج، برنج ات یا باج اروی پتپون خو چا اتفاً گه وی ور قېنپن ات پاتنسا قششم پهلوون

مطلوب نورستانی

دموك وعيين گوبنېع عبدالرازاق

شتراو (چتراو) مره کويي د نورستان بدنشين جيښتوارنه کعسه

حاکمیت پکووییسته ای اتيکوستع ۱۷۶۹ بولی سه تسع ويک باپرشاه سته پترس شاه ريسه چې بدخشان تعس ستع ايسى امکيان سه حاکمیت بيسه.

امکيان پتیاره وکتورامه وعيین ایکى بدنشين جيښتواربدوي اشى سه، (دي اين اکه) معانيه کوسته منن اينه وري پوعوانه بيسه کى اماکى کلېښ کچى اي با امکى دی اليناتات بعال سته خادام تعس اى کى که. سوراله بریتانيه چې چى ويس بولان جے خيرسته پوت تعن کوديوم اونګک تى افغانستان اتوژه تى پکووسته بگانه سکال برون کارکوتاسي چين ويس اتوژه تى نوته بوتي گوسه. انگليس ۱۸۹۵ بولی سه تسع کوين ستة کافرستان (نورستان) سته پوت تعن کوديوم اونګک تى کابل پعاسته بگانه بليوک تلوں والاسى اينه بگانه ووشتيک کما. ایکى انگليس اينه بگانه آپه منچى دی نورستان پارسمين چې اتكى گتى اتكى سته منچان منن وري تسع پعه تى آپه منچى نورستان ستع چتراو وله يه اتكى ستع امکى نورستان ولايت سته بگهام اتیال سته آره بنسى واستوک چې امکيان جلى جے آره سوره سرے واستوک انگليس پارستع معاش

ایمومتنه نورستان گول تسع آره اينه پتیان وا اى کى کاريما نورستان گول تسع کوين ولئن شتراو سته بلین مرکاريا نورستان بدنشين جيښتوارکعه کى که، اينه بگانه اينه مطلب تسع اسنه وري بگانه عوج اشى سته بوته کى پاکستان ډټشنېن نورستان که وري جى ڪان بگانه اوچوته تى (تحقيق) کوسته تسع لئه که دوسي اتران وا مهرت سته شيخ ناھر سته آسنه مطلب بگانه چې ايموتن سمعي سته بگانه کى اورستان گول تسع بلین مرکى جيښت وارکعه نهين نهين؟ تحقيقي مقاله ايموتن سمعي سه چې شائ پېيوک تمیش:

مارک پول ۱۲۷۸ بولی سه تسع چتراو پار جے ايارانکيارسه اوچو (سفر) کعه تسع دی آره امکى زى سه منا امجله (ساه پوش) کى چتراو سه کلين دی انکى اموسه کتاب تسع ذکر کعه اى، انکى اموسه وري تسع گجيکو:

امکى کلين تات بعال کلى اليناتات بعال سه خادام تعس اى کى که چتراو امکيان ۱۵۴۰ بولی ميلادي سه تسع ويک جيښتارکعه، انکيوبعن ۱۶۲۰ بولی ميلادي ترکیس سه

نورستان بدنشین کی کتی دمسته تس دوی پخوع بولوم کی
که ؟

آسته منن ول پاوالی منن نورستان منی بکښته
امیرعبدالرحمن سته ولتن اسلام سته دین تس اتوایه سته
منن انگلیس سته کی پلان چے نورستان سته پوت تع
کابل پعاسته وشتیک اسیا باسته تس نوتی با.

کی ولتن نورستان سته منچی مسلمان بی تس آړه امکی
منچی چے چترال سته بلی سعین منن اوتي نسيه با امکی
دی مکی شترال (چترال) ګوہ، امکی مکه تی الله ګجی
سته اسيه با امکی چترال سته جیښې پارسته پوین
(سرحد) په تتنی شال ګعام پهه تی نچیه چے دی کی ولتن
کله بیبا امکی پوتو نورستانیں سته سعین سته میوک دمله
کی که.

ایکی بگام اتال سته کله تس بلی سعین پکعه نوتی بوتی
اتکی ستع نوکسیه، کی ولتن امکی بلی سعین نوتی بوتی
ګوشن بریتانیه ۱۹۱۹ سه تس آړه سعین منن ابل کعامکی
نورستان بدنشین سته منچان نوتی کول بوتی اویس پلکه
دی اتوزیا، اسوون ګول پارسته اړه نورستان سته دنش دی
سته بدوي اشیه چے کرnel ډنگ سته قومندانی منن اتکی
نورستانیں پکعه پیجن کوتاسی اچاک دی آړه دنش دی
سته اونګته سی، سوره امکی انگلیس سته سعین بریکوټ
بدنشین ارندوسته بدنشین اتوزیه.

سورره اانگلیس پکعه جهاد کس سنا وښته تی استقلال
سته شتابولی جبهه تس سته بگښته نایب سالارعبدالوکیل
خان سته قومندانی اسماسته جبهه تس اتوزیا اتکی ستع
امکی انگلیس اتکی ستع تع اشیم ګتی بریکوټ ستع تع
اشی تی لمربیت تس ویک انگلیس سته سعین تع اشیم بعه.
سوره ارندوپه الی پوت تس دی نایب سالارعبدالوکیل سته
نام تس الی سیو(پل) دی تعی سته وزراد جون ماس سته
۲۳ بولی واس اسی چے اتکی ستع انگلیس سعین تع
اشیه. ایکے دی منن انگلیس سته سعین منن دوی سناله
بوتی چترال سته بلین مر اسوون ګول ستع اخه تی کام
بگام (کامدیش)، بدنشین ستع اتوزه تی تس نایب

دی پعسته بول اسی امکی شتکن سوره نورستانی ګول
وعین تع شتکن انگلیس تعن ټنگ وګل اسی، امکیان
شتکن انگلیس منن معاهده دوشیال(امضا) کمی.

امکیان سته ایکی معاهده کعسته تس سوره نورستان ګول
وعین نبویوتی سته معاهده سته پتی دی پعچ پعچ کتی اتله.

آړه روایات تباينه دی ولسته ای کی امکی اینه تس دوی
پخوع به کی نورستان پوت تس سکال کتی سعین جے
لجري اوسته منن اتکی امکیان بگام اتا اونګنا اتکی ستع
امکیان سته ابل اینه اسی کی! ایکی پوت یاچاکن نیروک
بوم اخه تی کړ جے سوره بدنشین دوی پخوع بوتی
انگلیس کی اتج بس سته پوت لسته که بنتان الی کی که.
آړه روایات تس اینه دی ایسه کی امکی سعین بگام اتال
پعی تس اتکی سته منچی دیوبتی به آړه ته امکی انگلیس
سته سعین منن اپاره آړه سوره دی امکیان پکعه اوئینه.
اتکی بلیوک کړواکله دی امکیان پمیچ بیسه، آسته کله سته
ولتن بوده موک (نیک میوک) ستع دی دموک وعین دی
امکی انگلیس پکعه کله جې پچن کوسته بگانه اتکی بگام
اتال پاړګوه اتکی بگنووان کله تس دموک وعین تس دوی
پخوع به کی امکی سعین نوتی کوله.

ایکی منن امکی نوتی بس سعین دمه تی نی اوه تی
بدوموک ګعام تس نیره چیه تتنی لسته درګعین سیو دی ته
ویه، چې بلین سعین تس توی سیو(پل) اسه کی که زعن
سته بولی اسی.

ډګرنسین ګوله منن شترک درے تس ولتن سته سیواوکته
تی زعن سته نه کعیسه. سته دی سیو دی ایموسته ګول
وعین سته اشی تع اجی کتی زعن سته بوڅي کی ګم
وعین بنام پهه تی اووه سعین تن تویسته ای کی که.

امکی سعین نوتی کوسته بگانه اتکی ایسی نوتی بوتی اوغیابوتي
بلیوک ګسوا پلان منن اتکی ایسی نوتی بوتی اوغیابوتي
اتکی ستع نوکسیه. سوره راله ایکی نبوپنسو چے انگلیس
سته سعین نورستان بدنشین نوتی بیسته ای کی که بگښته
امیرعبدالرحمن تس پعیا سته دی اینه چورته وینا کی ایکی

امکی سنان منان تعن چرے کیوع کیوع تات بعاف کلی ایک شترک پنهانه یی ته تت چرے بلیوک کوین ستع ایکی کوون نورستان، چترال جرے گلگیت بدنشین سته منچی ایکی پنهانه یی تل ای . پاکستان چترالی شوکاکوون سته نام منن سوره افغانستان نورستانی شوکاکوون سته نام منن زعن سته بول اسه. اینه دی حقیقت اسه کی ایکی شوکاکوون کی اسه با سته شوکا کی اسه باسته چترال اپیل اسه اینه بگانه ایکی چترال سته نام منن سکال زعن سته بوته. اینه تس دی کی شک نه اسه کی ایکی لتری کی اسه باسته ایموسته نورستانی گول وعین بلیوک کوین ستع وریال ای ، سوره چترال دی نورستان گول منن ایارایکی وریاسته بوته. اینه دی لسته که زعن سته بولا کی! نورستانی گول وعین سته فرهنگی چارجی امشین سته چیره یی واردی ایکی شوکاکوون اسه . اینه دی لست که زعن سته بولا کی ایموسته نورستانی گول وعین تس اینه شوکا کوون گتی گون آپه کوین سته کشولان سته وری ای چرے اینه پوعونانه کوتت کی ایموسته نورستانی گول وعین سته ایکی شوکاکوون منن سکال کوین گتی گوسته ای ایموسته گول وعین تس ایکی چیره یی چارجی فرهنگ تع اسه اینه بگانه ایموسته نورستانی گول وعین سته بلیوک متل جرے ضرب المثل ای کی اینه شوکاکوون بگانه وله پیسته ای. آمکی وری تع آمنی ای.

ممريا جرے کسوان منن نورستانی گول وعین آپه فرهنگی ایاربوبن بگانه اچاک معلومات. کی لتری چرے نورستانی جرے بلیان چترالی منچان پمیج ای اچاک دی پولسه تی خنگ پارستعن زعن سته پیسته ای امکیان تعن اودى شوکاکوون اسه. ایکی شوکاکوون پنهانه یی تسته دی اموسته چیره یی وارروا اسه.

۱- شوکاکوون اتل که پلنگ : اینه تع اینه وری نوكسته کی ودعيک نه یین اوبيجيک کشي کوون نه ودعيه!.
۲- شوکاکوون اتل کعسه! . ایکی تعن اینه وری نوكسته کی تکيول (غم) نه یين اوبيجيک کوته کی لتری تس چورته نشين نه گوسه.

سالارعبدالوكيل خان اموسته سعین په تنسی ۱۵۰۰ نورستانی گول وعین منن سته انگلیس سته سعین پلوته تنسی نوتی کتسی انکی ستع تع اشیا، آمکی انگلیس سته سعین گاتی چترال چرے تع اشیه ، اینه وری تع اینه نوكسته کی ! نورستان بدنشین کوی دی چترال سته بلیان مرہ ایموسته نورستان بدنشین حاکمیت نه کعسه نه دی امکیی اینه تس دوی پخوع بیسته ای چرے ایموسته نورستان بدنشین امشین سته دوی درگعن کتسی اتوکخ نه بیسنه ای اتكی نورستانی گول وعین دوی پخوع بیسته ای.

آپه منچی اینه پتیان وا ای کی! نورستان گول تس کوین چترال سته مرہ سته کی جیبنتووار بیسنه کی که. آمکی اینه پتیان وا ای چرے نورستانی گول وعین سته اوتيں نشين سوره امکیان سته کوین سته سنان منچان اوچوپخوعه چترال سته منچان سته ای، اچاک دی پولسه تی شوکا کوون چرے ایموسته نورستانی گول وعین سته چارتعن اسه امکی گجی ويشتی سته ای کی ایکی دی امکی چترال سته منچان سته (بلیان) چاراسله کی که ، وری ایکی نه اسه بلکه ایکی شوکاکوون کی اسه با ایکی ایموسته نورستانی گول وعین سته بلیوک کوین سته چارتعن اسه اچاک دی پولسه تی ایکی چارايموسته چیره تی به گاتی نورستانی سته زعيك وارتعن اسه. اینه وری اسه کی آپه امکی چارجی اوتيں نشين چرے پاروشين بی با ياقاک اسوره منن ایارسته کودیوم وابول ای ، ایکی کودیوم ياقاک واس پاواولی منن سته امکی اروشين سته پلتنه چارجی فرهنگ تعن بول اسه منچی دی گجی ويشل ای کی امنی اروشين ایاراوتيں نشين چرے فرهنگ وا ای کی که. آجست کتسی سنا منا (لباس) دی اروشين ووپسیل امکی ایارايسار سنا منان امچی سته دی اسوره منن کیوع کیوع تات بعابوسته منن دی امکی ایارسنا منا امچیل ای سوره آپه سوره چارجی اوتيں نشين ایاروا بول ای.

سته سته نظام لقب اتكى جىينىت مى جىينىت پارستع سته سته افتخاركى سته پەعسته بول اسى . سته سته شوکاكوع تى تره و خى سته پېتە لشاشتە بول اسى . آمكى منچى كۈو گۈباشتە شوکاكوع امكىيان پىنسە ئى تەستە بول اسى منچى دى امكىيان ايكى نظامى رتبە اوش كى امكىيان لستە كە ويشاپعل اسى امكىيان سته ورى كارتلى اسى امكىيان سته امشىن سته اوگۇمان تى بليوک گۇنا نام بول اسى . شترك كى ولتن مەتىك او كېنىآستە ولتن (فوتوگرافى) ول پەيىش كى ايموستە نورستانى گۈل و عىين سته مەتىك (عکس) او كېسە يىستە اى بالامكىيان تى خىنگ تى اينه لستە زعن سته بوتە كى امكى او جوپچوغى شوکاكوع پىنسە يى تىل اسى اودى كورە بىسى و عىستە نە بول اسى . كۈو آپە سازد جەنادر شكل تى آمكى دى مشىل بىبا كىدى كودييوم تى كوع نە پىنى تىل اسى . آمنى ورى اينه ورى تع زعن سته بوتە كى شوکاكوع ايموستە نورستانى گۈل و عىين سته چارجى بليوک كۆين سته فەھنگ تع اسە نورستانىن سته سنه مناعىن چىاستە بوتە . ايكى نورستانىن سته سنانع اسى شترك دى اسە انىوپۇن دى بول اسە .

اينه ورى كچى دى ولن نە بتت كى اينه ورن تعن او عىسە كى اينه ايموستە نورستانى گۈل و عىين سته چارتىع نە اسە كوستە كچى دى حق نە وا اى چىز اينه ورى وله لە كى نورستانى گۈل و عىين امكى لىتى ورن تعن بدۇرىي اشى سته اى كى كە .

ايموستە نورستانى گۈل و عىين سته شوکاكوع پىنسە ئى تىتە بليوک كۆين ستع چاراسە شترك دى ايكى آستە پىال دواام وا اسە انىوپۇن دى ايموستە نورستانى گۈل و عىين ايكى تعن كودييوم اونگى لە اى ايموستە نورستانى گۈل و عىين سته چىزە ئى وارتىع اسە .

ماخذ: _ ۱ _ كتاب (نورستان) جىنزاڭ صفرمۇھەممۇد وکىيل غۇزى _ ۲ _ نورستان درگىزىرگاھ تارىخ سرمۇلۇف سليمان سون ارا

۳- شوکاكوع وکبىه وھ يسە ! ايكى تع اينه ورى نە نوكىستە كى اموپە الله (سزا) پىسە، كى ولتن كچى دونى و عىن (مجرم) امشىن پە الله سزا پەتە با سته ولتن اينه ورى وله لە اسى . ايموستە گۈل و عىن بلىوک كۆين ستع آپە امكى منچى جىز امشىن اوئىن نشىن تى كى گۇنا گۇنا باتات كتى بوجۇعمۇت امشىن سته نام او بعستە بىبا سته دى سته ولتن امكىيان امشىن سته نظامى رتبە پەلە بىبا سته دى شوکاكوع تى آپە زعىك وابولە بگانە لشالە اسى . ايموستە نورستانى گۈل و عىن بلىوک كۆين ستع كله جى وجوسورە لوبى مېن مېشىل بوتى او بېجىك كەسە ، پەنۇن برعە ستع كله مېن اتوكھالان مېن كله تى بىستە اى اينه بگانە امكى نورستانى گۈل و عىن كۆسکال كى امترە جىعىستە بىبا امكىيان امشىن سته ولتن اوتا جىز ماج پورستە ماج كتى ولا لە اسى سورە امكىيان آپە و يىشىتە وان بگانە رتبە پەنۇن تى سته سته شوکاكوع تى مال كرالە اسى . امكى نظامى رتبە جىعىستە شورە ماج سورە دىيوبولى شورە ماج ايكى پېتىارە ترە بولى شورە ماج سته نام مېن زعن لە اسى .

۱- نشتىرى شورە ماج : آستە منچى بول اسى كى سته كېنىع كىسى دوخ ماج امترە جىعىستە بىبا . گچان دعوا مېن نە يىين بلکە امكىيان سته بىسى جىز كرماتىھ و عن كېسە تى اوھ تى اوگەمان تى پېمىوک تعستە بىبا . سته ولتن سته شوکاكوع تى او خى سته كەسە كۈل سەرەتە چات تى ووشىلىي اسى . ايكى سته زعن سته بول اسى كى اينه گچىك شورە ماج بىسە كى كە .

۲- دىيوبولى شورە ماج: آستە منچى كى كۈل اسى چى سته پەچىخ (۱۵ - ۲۰) و خە ماج تى وېك جىعىستە بىبا سته مېن پە تى امكى جىعىستان سته بىسى جىز كرماتىھ اوگەمان تى اوھ تى پېمىوک تعستە بىبا اتكى ستع سته سته شوکاكوع تى و خى سته دىيوبېتە مال كرە تى لشاشتە بول اسى ايكى مېن سته زعن سته بول اسى كى اينه دىيوبولى شورە ماج اسە كى كە .

۳- ترە بولى ال شورە ماج : آستە منچى كى كۈل اسى سته كېنىع كىنى و خە ماج تى وېك اتكى ستع پولسە تى چوڭ بوتت با آجىك منچى جىعىستە بىبا .

آئه تیلی - ملت روحی

شونده‌ی ایکن، آئه تیلگه حرمت و اوئنگ بی‌بها
خرینه سی دن اوینتلی قاید، لیش، نقطی سودا خانه
لیکه اپریشیش شو نیل و کلی بولگن هر بیر انسان
تینگ مقدس بورجی دیر.

معلوم که، عزیز آئه تیلیمیر (افغانستانه) کوبیسب
تلاسوب وار- یقینلر دوربیده، که مدنی تجاوز، شفت
سیز ظلم و یاتسره شارنی باشیدن کچیریسب، معیوب و
محروم بیس احوالدی بیزگجه یتیب کیلدی، عصرلر آئه
جنوبی نورگستاده حایه سر فالیب کیلگن تیلیمیر منه.
هلاکت باقه سیگه کلیب سوریشی دیسک هیج مبالغه
سی بوق، چندن هم او قیمنلی، سوادلی لریمیر قول
له بانگن تیلیسی او زیبک تیلی دیب بوله بیدی، بو
برینجی ماله. ایکنجی ماله شوکه، هیج فجان
آسانلیگی جه بیس خلقشی بوق ایتیب، اوئنگ تیلیسی
یشش دن محروم قلایب بولس ایکن، بیونی حیات و
تجربه کورتیب توریپتی.

سیقلایب - سوریلب، قمرخن - برانلردن امان
فالگن ایلیمیر، اوز لهجه لریده محلی او زیبک تیلیده
سوزلشی، او زی تیلگ ارداقلی تیلی سغلب قاله آئه
دی. عادی خلق تیلگ تیلی آزران شکنلگن، کم
راق خپره کورگن دیماجمیز سو اوینشه، تیلیمیر که
خوف - خطر همان سایه سالیب نور گنیشی هم ایدن
چیزملیک لازم، بو وضعیتی حاضرگی گلوسا للشو
جهانی اوز ارا یقینلشو) جرسانی تاباره نیز لشتریش
ماقده، آزران غفلت قلایک، تیلیمیر زدن ایلدی
قالشیمیر هیج گب ایمس، حایه سیز قالگن تیل لری
یمریلب، آرہ دن بوق بولیب کینیشی بار گی. شوینگ
اوچون هم تیلیمیر حایه گه محتاج اوسی اسره ب -
اویلب رواجلشنرمان ضرور، بو تیل نی رواجلشنریش
اوچون هر سر تیل اشاره بیز نی رحمت چیکشی کیره
ک دیب اویله یمن، هر بیس ملت او زی تیلیسی.
ادیباتی، اجتماعی - اقتصادی تورموشی و اوتمیں

خلاصه: بو مقاله ده او زیبک تیلی نینگ رواجلشن
تاریخی، بیزیگی و صاف لیگی مساله سی حقیده همه
بوگونگی کونده تیلیمیر نینگ بیزیگی و رواجلشن
بولبده گی بعضی بیز خیل معما لر حقیده بو معاله نینگ
پیجمی حقیده فکر بیلدیرلگن.

کلید سوزلر: صاف لیک، ملت، مدتیت، وطن، حس،
تویفو، خلق، لهجه، تفکر، نوابی، تیل، ایسکلوبیدیا،
ملت کوزگوسی، کیله جک اولاد.

تیل ملت نینگ ملکی، او نینگ حیاتی، او نینیشی،
کیله جگی، قلیس حسابله دی، هر بیس ملت نینگ تیلیده
اوشه خلق نینگ قدریشی، معنویتی، اوزلیگی نمایان بوله
دی، دیسک، تیل - ملت نی، ملت خلق نی خلق قلایب
بیزشتریسب، توره دیگن بی‌بها، نادر خرینه دیر. بو
خرینه ده اوشه ملت گه تیکشلی بولگن معنویت نینگ
بیللر، عصرلر دوامیده سیفللتبی، رواجلشنریسب کوز قاره
چیغی ده ی اسره ب - اویلب کیله دی.

اور زیبک تیلی هم تیللر ایجیده اوز او زینگه موقعیگه
ایگه بولگن، ایسگ بای و ایسگ جاذبه دار تیللر دن
بهری دیر.

دیانتلری ایجیده نفوذیگه کوده او زیبک تیلی
۴۱. اوینشه، توره دی، بیو تیلیده، دیانتلیگه تیل
ناشی قویگن.

تیل - ملت نینگ قلیس، او نینگ بیش پیلگی
سی دیر، تیل - فکریس بیان قلیش و او زگه لر فکری
الگلش واسطه سی دیر.

تیل اسان لر فعالیت ده باریق نی جلیش، تفکر
الشیش، جمعریلگن بیلیم لری اولادن اولادگه
پیکریش ده هم که اهیت کب ایمه دی، تیل ده
ملت نینگ بار - بیو غنی، اوی - فکری، دیانته شی،
آزو - ایمیلری، وطنی، حس - تویفورلی عکس ایمه
دی، تیل ده گئی هر بیس سوز اسان تفکری و تویغوسی
نینگ نیجه سی دیر.

تاریخی و فرهنگی سایلیکلری بیلن تیریک دیز، اوزبیک ملشی نینگ اوئمیش تاریخی، ادبیاتی و فرهنگی سایلیکلری جهان ادبیاتی خزنه سی نینگ کوزگه کورپولی بیز بولیسی نی تشکیل بیزدی. اوزبیک تبلی دستوری لحاظ دن هم قانون - قاعده گه کیرسنگلکن بیز تبل مسنه له دی. ایندی هر حالده بیزلر اوشبو محروم قالگن ملت میز، تیلمیز، تاریخی میز، فرهنگ و مدنیت میز اوچون اوزبیک تبلی و ادبیاتی بویجه اوقيگن لرمیز، قولگه قلم آلب، کتاب و قوللندىم بیازىش جرأت نی اوزیمن گه بیزه بیلک، اولوغ بابا میز علیشېنوابى:

ولى جون مین حفیر و ايش اولوق دور
بوسۇز عرضىن ضرورىت قىلغۇلىق دور

ديكىلرى دېك، تبل يليلش اوچون تبل گه تىيىكتىلى سىلم لەنس اورگە تېشن شرط دىز، بىز تېلچى گە تارىخ اوقياپى اينىسى تبل توغرى سیدە يېتللى معلومات گە اىگە بولىش اوچون تبل نىنگ تارىخى نى اوقيش كىره ك بوله دى، قالە وېرسە تبل گە عابد فاكورلىنى بىلش شرط دىز، يوگون تبل مسنه سى جوده قىزىق بولىك بىز مسنه دېز، تبل پىر ملت نىنگ بارلىك و سایلېگى نى كورسە دى دېك، عالم نما كوزگو صقىدە بولب بىز ملت نىنگ اوئمیش و حالى شو كېسى كىله جىكى منه شو كور گوده گوده لە دى.

يوگون رواجلنگن تبل لر قطارىدە اوزبیك تىلى ھم افسە - سىكىن رواجلنلىپ كىتاقدە، بىراق بىز رواجلنلىش ھدقىندە تېلچى لەنمائىدىن بولە ياتىكى جوده بختى يوز بىرىش دېز، مثال اوچون اوتكىن اىككى دە اىجى دە افغانستان شەمالى دە ھيات گىچىرە دېكىن اوزبیك لر نىنگ ضىالى كېشى لرى بىشى تىچەلى ايشلىب اوزبىكانه سۈزلىك، دېكى لغت نامە لر بىرە تېب سو تبل نىنگ رواجى گە رونق قوشىلىرى مثال اوچون حرمتلىسى نورالله «أتساي» بىزە تىگن اوزبیك تىلىسى سورىلگى نامىدە گى لغت نامە، محمد حليم «پارفين» هەندە شەفيقە «پارفين» جىزالى تىايىدىن جاب قىلىنگن لغت نامە شونگە اوخشى اېرىم كەنە - كېچىك حجم دە گى سۈزلىك لر و ادبىي التر لر جاب بولىگى اوزبىك

تىلى گە جانلىھ نىش امڪانى نى بىسردى دېسىك مىالغە بولىس كىرك.
بال دن ك ورە شىرىن راغ آته تىلىم اوزبىگىم
گلستان ك اوياخ آته تىلىم اوزبىگىم
اساس دستورى بىلن دلگ اداستان
تىللر ايجىدە ج راغ آته تىلىم اوزبىگى
سۈزلىرى نفيس نفيس سېنەگ او حافظ
توخىسىرى اوسلوب گە او ساخ آته تىلىم اوزبىگىم
اگر توغرى گىرسىنگ ق اعادە ئى اساس آلب
ۋارس تىلەيدن اساس راغ آته تىلىم اوزبىگىم
شعر ايتاققە مناسب شىوه سى ھ مەسىب
گرام سىرى باقىمدن تاخ آته تىلىم اوزبىگىم
توكچە تىللر ايجىدە ق اعادە دن خوش روپ او
روپن نىڭ دن فراغ آته تىلىم اوزبىگىم
يخشى دېز اوزبىك بولىنگن تېلىنگە صاحب بولىنگ
ك جىگەن چىلەنچىراغ آته تىلىم اوزبىگىم
يېشىگەن آغالارگە سلطان و پاچە لر
چونكە گلستان دېگ باخ آته تىلىم اوزبىگىم
اوكتاى اس لانىنگ قىلىدىن
ماڭىز

1. آلتاي، بورالله، دستورىيان اوزبىكى، سال ۱۳۹۱، اتر ناجاپ.
2. ايسانچ ذكرالله، حاضرگى اوزبىك تىلى، كىانادا، ۱۳۹۲.
3. اپىركە باباپو، تىرگىر، اوزبىك تىلەدە، معروضە لىر توپلىمى، جاپ بېرى: تاشىكتى: ۲۰۲۱)
4. حاجى سەپت، عظيم، اوزبىك تىلەدە، كومىكىي فەلسى، (۱۹۶۶) تاشىكتى - اوزبەكستان
5. رەخت اللە سەپت، سوکت، حاضرگى اوزبىك ادبىي تىلى، (۱۹۶۶) تاشىكتى.
6. سەپت الایسو، دەنگىلى سەپت، و، باشىتى لىر، (۲۰۰۹) حاضرگى اوزبىك ادبىي تىلى، تاشىكتى، «فن و تىپتولوگىيە سەرتىپانى».
7. سەكۈراف، سوکت، اوزبىك تىلى، تەعلەملىرى تېقىانى، بىل، (۱۹۸۰) تاشىكتى - اوزبىكستان
8. عەبدالرەحيموف، اوزبىك تىلى (زىان اوزبىكى)، سەرقەن، (۲۰۰۶)
9. عمرقل افەد، اوزبىك تىلى سىك عملى گەامتىكە سى، (۲۰۱۹) بېرمە - اوزبەكستان
10. آلبىن، محمد عالى سارلاق اېھوار، جاپ بېرى، اقسىز تۈركى، اوزبىك مەندىسى، (۱۹۹۰)

ستمتوئی اپھمو دین ثور کا چن کا ایک تاریخی دین افغانستان کیمہ

دیان تی خبر ہو جائے۔ انتی این تاریخی دیان کو لیکھن کو ایک برو فایدو یو اے چی آنی نسل افغانستان اپنه لنگیا لوکان کی زحمت نہ تی تکلیف نہ دیکھی انتی کوشش کرے چی ایس دیس کی ازادی نہ ہمیش کہ بستی رکھلیاے ایس خاطر برو چی یو دیس پرے تکلیفان یو ازاد ہو یو اے۔ انتی کیوزن چی تم ہباد ته معلوم اے چی افغانستان ایس رقم لوک اپنه دھیمد مه درھاے جی کدے بھی بیگانان ته اپنو گاتو تنه نیں کیو انتی ہمیش اپنی ازادی کہ بستی مبارزہ کیا این انتی ہون بھی افغانستان کو لوک ایس کوشش نہ کرے جی کدے بھی بارکہ دیسان کہ بیگانہ لوک نہ ایس دیس مه جازو نیں دیته جی ایس دیس مه آکی اپنے بھرہ هدفان ته اپرجاے تی اپنے بھرہ هدفان نہ افغانستان کہ لوکان کی ہم ایس ارادہ کرلیاے۔ انتی آنی نسل افغانستان کہ لوکان کی ہم تی ارادہ نہ تی ارزونہ درھاے چی ہمیش ایک اباد تی مستقل افغانستان درھالیاے انتی بارکہ دیس ایس دیس مه مداخلہ نکرلیاے انتی ایس دیس کہ لوکان کی ازادی نہ سلب برو فکر ہرے نسل اے چی انشالله جی کدے بھی جازو نیں دیته جی بارکہ دیس ایس دیس پو تجاوز کرلیاے تی ایس دیس مه اپنے شوم هدفان نہ لوک ایس دیس کہ برو تحمیل کرلیاے۔ انتی ستمتوئی اپھمو دین ثور کہ چن کہ تاریخ افغانستان کیمہ اس رقم دین اے چی کدے بھی افغانستان کا لوکان تی نیں بسرتہ۔ انتی اکثر تحلیل کرنے این دونہ دیان نہ ہون کی شرایط اس دیس کیا نا ربط دیاے۔ ستمو ثور کو دین چی برابن ہوے ۱۳۵۷ خورشیدی کا سمه کیو چی اس دین مه سردار محمد داود خان پو کو دتا ہو ویں تی نتیجہ کو دتا کامہ سردار محمد داود اپنے گھر سمیت ارگ مه شید ہو گیوتی قدرت افغانستان کی نور محمد ترہ کی کاہت ته آگئے۔ بی گل تھی چی مهارو دیس افغانستان اوس دین کا پا تا ہون تاکو وہ گھوپتی لپے اینوں دوا مکرگئے۔ بالآخرہ برو مبارزہ تی جہاد

کیوزن جی هبیں پرنه مهارہ ایس دیس کا ستمه دین ثور کا چن ۱۳۵۷ کا ناپری اشنا اے، ایس خاطر پوچی یو دین وہ دین اے جی سردار محمد داود خان اپنے ہبہ گھر سمیت ارگ مه خلقیان کا ڈھاتی ماری گیو۔ یو دین وہ دین اے جی اوستی کاد چپیں سمه مهارہ دیس مه گھوپ تی لپی لنگی دوباری برو قدرتائ جی پیل کی باری روسان نی تی کاد کی باری امریکا نی ایس دیس پو تجاوز کیو جی نتیجہ مه دونی باری بی برو قدرت ایس دیس کا مجاهد لوک نی پہچیں موکارپی چورلا چھی۔ برو تی عمدہ عوامل ایس کو دتا کا بی تھا جی سردار داودخان نی اپنو روابط پاکستان ناپری تھو پرو اگلو چنگو کرلیو تھو انتی ایران ناپری نیپری روابط برقرار کرلیو تھو، انتی اپنے مصر کاتی سعودی تی کویت کا سفران مه تعهد مساعدت کا ہت ته آن لیا تھا، برو گل یہ تھی جی جیمی کارتر ریسیس جمہور امریکا کانی سردار محمد داود خان تی دعوت کیو تھو جی امریکا تی دیکھن کرلیاے، انتی پروگرام ایس رقم تھو جی سردار محمد داود خان ایسین سمه مه امریکا تی دیکھن کرلیاے۔ نو این تحركاتان نی شوری موج تشویش پو کرلیو تھو انتی بوج گیا تھا جی افغانستان مهارہ ہت تی نکھر گیوے۔ اپھمو ثور کو دین وہ دین اے جی ایس مه دین مجاهدین پیروز ہو یہ انتی روس اپنے ہبہ سنگیان سمیت ایس دیس دیس نکھریو، نو یو دین وہ دین ایس پرے کامیابی کا بستی ہبہ لوک افغانستان کانی تریم جنیان نی قربانی دیتی تھی اما متاسفانہ کا پ کامیابی جہاد افغانستان کا لوکان کی روس کا مقابلہ مه وہ کپڑو ارزو جی افغانستان کو لوک صلح تی امنیت اسلامی نظام ایسو ہور... درھاے وہ پورو نہ ہو یو انتی افغانستان ایکی باری مہیں اینا کا اپنے بیچ مه گھوپ تی لپی کا ڈھاتہ چلگیو۔ افغانستان موج ایک پرائیس تاریخ درھاے انتی یو دیس ایسے تاریخی دین درھاے چی وی تاریخ افغانستان کیمہ لیکھی گیاے چی آنی نسل ایس دیس کی اون تاریخی

مہ ایسوغیرت مندلوک اے چی هروخت مه تی هرحالت ژیت کاں مہ اپنہ دیس تی دفاع کرے انتے کوشش کرے چی کدے بی بیگانہ آکی مهارہ دیس نہ نپ لیاے تے اپنی بھپے تی خراب فرهنگ نہ هم پو تحمل نکرلیاے. انتے یہ گل بی هم مهارہ اس دیس کا غیرت مندلوک نی تجاوز کرنا نہ دیسارے اے چی کیس نی چی اس دیس بو تجاوز کیو اس دیس مہ مہین سرنگون هم هو یواے، نو خلص اس گل نہ کی سکون اے چی یو دیس تجاوز کرنا کو قبرستان اے. نو اس خاطر هم یه نوین نسل هم اپنہ اگله لوکاں کی تاریخ نہ مطالعہ کرلیاں تی کوشش کرلیاے انتے اپنہ اوس بھپڑتی شوم هدفان ته نہ اپر جائے. انتی یہ گل هم یاد کرن ته اے چی نوین نسل افغانستان آتھمہ دین ثورکہ چن کی تی همیش کہ بستی ایک چنگی درس لیاے انتی همیش اپنی ژیت مہ کوشش ایس گل کینہ کرے جی اون جواناں کہ ارمان پورہ هوجاۓ جی اوناں اپنی جن هت تی دینی انتی تجاوز کرنا کہ مقابل مہ کھپہ هویہ انتی نہ چھوڈیو جی افغانستان نہ تجاوز کرنه نپ لیاے تی اپنہ بھپڑتی هدفان ته اپر جائے. باج اتھمہ ثور کا چن کا دین هور موج دین هم درهاوں جی ایس تی بھی بھپڑتی هدفان ته اپنہ بھپڑتی هدفان ته اپر جائے. باج اتھمہ ثور کا چن کا دین هور موج دین هم درهاوں جی ایس تی بھی بھپڑتی هدفان ته اپنہ بھپڑتی هدفان ته اپر جائے. باج اتھمہ ثور کا چن کا دین هور موج دین هم درهاوں جی ایس تی بھی بھپڑتی هدفان ته اپنہ بھپڑتی هدفان ته اپر جائے. باج اتھمہ ثور کا چن کا دین هور موج دین هم درهاوں جی ایس تی بھی بھپڑتی هدفان ته اپنہ بھپڑتی هدفان ته اپر جائے. باج اتھمہ ثور کا چن کا دین هور موج دین هم درهاوں جی ایس تی بھی بھپڑتی هدفان ته اپنہ بھپڑتی هدفان ته اپر جائے.

ماخذ:

عطایی، محمد ابراہیم. (۱۳۸۹). تاریخ معاصر افغانستان، کابل: انتشارات مطبعہ میوند.

تی کاڈ اسلامی امارت نی یو دیس امریکا کا اشغال تی کدليو انتی ازاد کرلیو، انتی ہون ہبوا لوک افغانستان کو ایک ازاد تی مستقل افغانستان کا درہان پو افتخار کری انتی موقع درھاۓ جی یو ہون کو اسلامی نظام ہمیش کابستی صلح تی امنیت تی چنگی ژپت کا درہان کابستی ایستی بھی زیاد کم کرلیاے. ولی کپڑہ وخت مہ جی مجاهدیناں نی دیس کی ازادی کابستی مبارزہ شروع کیاتی بالآخرہ اپنہ مبارزہ مہ اس اتھمی ثور ۱۳۷۱ کا دین کیمہ پیروز ہویا چی یو دین ہمیش کابستی تاریخ افغانستان کیمہ ایکی سونہ دین کا ناں پویاد ہوئے تی ہمیش اینوین سونو ہوبگو اسپو چی کتنہ سمه تھاچی لوک افغانستان کانی مبارزہ کیا چی بالآخرہ اپنہ مبارزہ مہ پیروز ہوگیا. نو اس خاطر پو هر سمیں مهارہ دیس مہ اس دین تی تجلیل ہوئے تی یو دین برو دیکھی جائے، نو اس خاطر برو اتیر هم مهارہ دیس مہ هر تھار مہ یو دین برو مراسماں پو تجلیل ہویو چی این مراسماں تی ایکو برو مراسم بدھشان کی ولايت مہ گجران کہ منطقہ مہ جو پوچھی ایس مراسم کا اشتراک کرنا نی یہ گل وضاحت شکل پو یاد کئے جی جہان مدیون جہاد افغانستان کالوکاں کی کو اے اسپو چی افغانستان کا لوکاں کی جہاد هبہ دنیا کا لوکاں کابستی تھی. نو این گل ان اشتراک کرنا کیا کا اساس پو جہاد افغانستان کی جہانی تاثیر درھاۓ تھی اسپو چی اگر جہاد افغانستان کی نہ ہویں وہاں نو برلیں کی کن بی ہون بی موجود ہوتے۔ یہ گل هم ایس مراسم مہ یاد ہویں جی کاڈ پیروزی جہاد افغانستان کی تی مهارہ دیس کولوک اپنہ بیچ کا اختلافاتاں پو مبتلا ہوگیا چی یہ گل سبب اس گل کو ہوگئے چی داخلی گھوڑ مهارہ دیس مہ شروع ہوگئے ولی اوس وخت مہ مهارہ دیس کہ هبہ لوکاں نی ایک پورہ تی باہدہ ارادہ پو تجاوز کرنا کا مقابل مہ کھپہ هویہ تی اپنہ دیس کی کیھت گیھت میتھی تی دفاع کیو تا چی هم ہون کو نسل ایک ارام تی چنگی ژیت درہان لیاں. نو محترمو چھوٹی گل یاۓ چی مهارہ دیس کا لوکاں نی ہمیش تاریخ مہ یہ گل هبہ جہان کا لوکاں نہ دیسارے اے چی کون چی اس دیس پو تجاوز کرے تی اس دیس نہ اپنے قبض مہ نپی نو وہ کدے بی اس دیس نہ نپ سکتو، انتے ایس ارمان اپنے گورتہ لچلیگو اسپوچی ایس دیس

بلوچ و بلوچستانی باروا

داتنت که به عمر اچشین پروشی را نه دیستنت. دمگین نندوکانی مکابلا، آ اوشتاتگی نکرتنت هر گجام به وتی دیم شت. اسکندری جند باز په سکی و ترا شه بلوچستانی سردگارا در کرت و رندا شه شصت روچا و ترا به (فهرج) انونین ایرانشهر رسينت. شه ای بایتا که جور و درواه شه اودان در بوت، هیت شپ وهپت روح شادی و خوشی کرت. ساسانیه بادشاه هم بلوچستانی سرا لشکر کشی کرتگنت و په آوان مزنین تاوان رسیتگیت. هر واکی که دیمی هندوستاننا پوج کشیه کرت، شه بلوچستانی سردگارا گوست و آوانا پاد موشه کرت. به اسلامی دینی سر سالان کرمانی ولايت به عربانی دستا کپت. دیری نه گوست که بلوچستان هم گپتگ بوت. دیما شه ايشی به هجری قمرین اول سده که مسلمان دیمی بلوچستان رادگ بوتنت، ای مردم و ترا (مکا) گشتنت. عرب آوانی سردگارا مکوران یات کرتگنت، یعنی مکا هانی دشت شه مروچی هزار سال دیما جغرافیه نویسوک و تاریخ زانت به وتی نمشستانکانی تها، ای دمگئ مردمانا بلوج گشتگیت، رندا شه ايشی که عرب به کرمانی سرا همله و هلگر کرتنت و کرمانا گپتنت، بلوجی که کرمانی ايشکو آشکا زندگیه کرتنت دیمی روح دراتا به بلوچستانی تها شتنت. هلگرکنوک که به بلوچستانها همله کرتنت، گون

بلوچستان مزنین سردگاری انت که شه کرمانا بناء و تان زاهدان، نیمروز، مکوران، کویته، کلات و کراچیئ شارا دوامه کنت، ای شارانی گیشتريکين نندوک بلوج انت و به بلوچیئ زيانا هبره دينت، بلی دگه کثوم چو پارسی (تاجیک) پشتون و لاهوری - پنجابی هم گون بلوجان یکجاه زندگیه کننت. بلوچستان به تاریخی تچکیا مدام چشین دگار و وطنی درست بوتگیت که آیی قبضه کنگ و ساتن باز سک آت. هر بادشاه و واکداری که به آیی ايشکو آشکا واکی و اونده بوت، په ايشی که وتی واکا روش و درا بکنت، پوجی را په بلوچستانی گرگا دیمه دات که ای پوج گون ای سردگاری مردماني اوشتاتگیا دیم په دیمه بوت و بازين مردمی شه جنگی اثرا کشتگه بوتنت و آوانی ملک و آباتی خراب و برباده بوتنت. په آبادیي بدلا گیشترا خرابی و دیه بوت.

شه اسلاما دیما داريوش اسکندر و هده یی که هندوستانا گپتنت، شه بلوچستانی راهما به ايرانا و اتمر بوتنت که سکندری پوجی بازين تاوانی دیستنت. چوش که آیی تاریخ نویسوک گشتگیت که اسکندر و آیی پوجی چوش ژند و ناتوان بوتنت که و ترا په آسانی در کرتگه نکرتنت. و هده یی که به بلوچستانی دگاران پترنن، بلوچستانی نندوک گون یونانیانی پوجا په جنگا تياريه گپتنت و آوانا چشين پروش

۱۳۰
نحوه
بلوچ

شه بین برتنست. سلجوقيئ و اکدار هم اى دمگئ سرا واک داشتن و شه کرمانی والى نيمگا بلوچستانی سيم ودمگ اداره بوت. ملک قاورد که کرمان و بلوچستانی سرا و اکدار ات، په اى دمگئ آباتيا بازين خدمتی کرتگيت.

مارکوبولو درگتى که شه چيني وطنا واتر بوت شه مکران گوستگت و به و تى سفر ناما چوش نمشته کرتگيت. کسمكوران هما دمگئ انت که آيی مردم جتا و آزاتی بادشاهی دارنت و شه و ت جتاین زبانی واوند انت. و تى گزرانا شه سوداگري راهها دیما برنت، آوانی دین اسلام انت، سوداگري شه هشکار و دریابا دیما برنت، آوانی ورگين چيز برج، تاجگ، گوشت و سبزی انت که به اى دمگا باز وديه بيت. کسمكوران شه دو کلمه کج و مکران جور بوتگيت.

چنگيز و آيی اولاده وهده يى که جلال الدین خوازمشاه پروش وارت بلوچستان قبضه کرتنت و شه آيی رندا تیمور لنگ به هجری قمریين ۸۰۰ سالا بلوچستان چور و چپاول کرت. و شه آيی پدا سلطان اویس که شه تیمور نيمگا بلوچستانی والى بوت تا يك وهده يى اودان و اکدار ات. به صفويانی و اکداريا بلوچستان شه آوانی نيمگا گپتگ بوت.

به نادر افشاری حکومتی درگتا بلوچ به هندوستانی جنگا گون آيی کمک کرتنت، پميشا بلوچستانا په میر نصیر خان تسليم کرت. وهده يى که احمد شاه درانی به کندهار و تى بادشاهيا جار کرت گون نصیر خان بلوچ جوانين

مزنيين سکيان ديم په ديمه بوتنست، چوش که حاجاج په و تى يك پوجى امر کرت برويت بلوچستان و تى واکى چира گريت، به پسوا اوشكت که ته منا به چشين سرگاري ديمه دئى که آپ نداريت، اورماگى وارتگ بوتگت و آيى نندوک باز جنگى و دلاور انت. اگه لشکر و پوج کم بيت پروش ورنست، اگه باز بيت شه شن و گرميا مرنت. هماوت که حاجاج و تى برازاك محمد بن قاسما ديم دات که بلوچستانی سرا همله بكت. به آهد و زمانگان بلوچ به کوهستگان که به کرمان سیما نزیک ات زندگيه کرتنت. آوانی کار و بار مالداری ات، گدانی تها زندگی داشتن و گون دگه مردمان کاري نداشتند و هيچکسا آزار و اذیتی نکرنت، به طاهري دوره حکمرانيا، بلوچستان به سندی ایالتا بستگی داشت. يعقوب ليث صفار به هجري قمریين ۲۵۰ سالا بلوچستانی مچین سيم و دمگ آيی و اکداري چира ات. صفاريانی کهول بازين سالي به بلوچستان واك داشتن، چو که به همى گدېين زمانگان آوانی دمگين سراواک موجود اتنست، آوانی قبر ته انون به بلوچستان بynam کيانيانی قبران درسته بنت. هميراز ساماني، ديلمى هم اودان حکومت کرتگنت.

سلطان محمود و آيی اولاده که به غزنويان کهولا درسته بنت، بلوچستانی سرا همله و هلگر کرتنت و بازين مردمى را کشتنت و بلوچستان و تى واکى چира آورتنست و گون بلوچانی رېپينگا آوانا گون زهربيين سيبانی داتنا

وربیدگا ته انون په جوانی ساتگنت، چوش که
ته انون آریایین دود و دستور و اصلین آریایین
چهرگ آوانی تها په شری دیستگه بینت. زات
درست کنوک بلوچانا چوش سپته کننت: برزین
بالاد، برزین و دراجین پوز، بزرین و سیایین
مود و گله یین پوست دارنت. گون ای برزگئ
سپتان که شه زات درست کنوکانی نیمگا پت
ویول بوتگیت دانندگ شه آوانی اوشتان و
نشتن و دروشما به ای آسر رستگنت که
بلوچانی زریات و زات چو آریایی غدیمین
کئمان انت و گون آوان باز نزیکی دارنت و
بلوچ چو دگه آریایین کئمان انت.

ستركه ای مرادارین کئوم به هند و
پاکستانی همپلیا زندگی دارنت: یعنی به
بلوچستانی ایشکو و آشکا زندگیه کننت، مگه
شه آوانی زاتا توپیر دارنت و وتبی اصلین زات و
زریاتا په شری ساتگنت. دانندگ به ای پکر و
نظرا انت که شه آریایی هما اصلین زاتا که وترا
ساتگنت و بدل نبوتگنت یکی هم همی بلوچی
استنت و شه دگه نیمگی آوانی زبانی تها هم
باذین آریایین کلمه ته انون دیستگه بیت، وتبی
هما اصلین خاصیتا ته انون ساتگیت. ای وتبی
نشانه دنت که ای کئوم و آوانی زبان آریایی
انت و آوانی زبان یک شاخله شه آریایی روچ
کیپئ زبانان انت، انگریزی دانندگی گشت که:
بلوچ هیچ نزیکی گون عربان ندارنت که وترا
اسماعیلی اوlad بگشنست و آوانی فزیکین جوړه
بوګ هچ رازی همخوانی گون عربان نداریت.
بریبر گون علمین پست و پولان ای هبر ثابت

رابطه وسیالی داشت. مگه پدا شه ایشی که میر
نصیر خان مرت، بلوچستان به قبایلانی نیاما بهر
بوټ، هر گجام په وتبی دمگا هکومتی جوړ
کرنت. قاجاری دولت بلوچستانی گیشترین
دمکانا واکی چیرا گپتنست و بازین ظلم و ناروايی
گون بلوچان کرنت. وهده یی که انگریز لوټنست
شه بلوچستانی راها اوگانستانی سرا همله وهلگر
بکننت، میرمهر رنجان آوانی دیما سد و پونگ
بوټ و موکل نه دات که شه آیی سیم و دمگا
اوگانستانی سرا همله بیت. رندا شه سکین
اوشتانگیا مهراب خان شهید بوټ و انگریز شه
آیی زاگئ راها و به آیی کمکا به وتبی مخدسان
رست. شه دگه نیمگی مزینین جتابی و بی تپاکیئ
بلوچانی نیاما ودبی بوټ ات که انگریز شه آیی په
شریسی وند و بهر زرتنست و زوتیا بلوچستاننا وتبی
واکی چیرا آورنست.

بلوچی کئوم یکی شه آریایی کئمان
انت که به سرا به ایرانی برزا به کسپینی کر و
گوران زندگی داشتگنت و گون هر روچی گوزگا
شه برزا دیم جالی روچ دراتا و جالایی سر
گپتنست. ای که پرچی شه برزا جالایی باهوټ
بوتگنت دگه کئمانی زور و گورنچگ ات.
بلوچانی زات آریایی انت. ایش که چون وترا شه
آزمانگان ته انون شه دگه کئمان دراه و جتا
ساتگنت ایشنت که شه شار و آباتیانی دورا
زندگی کرتگنت و نه لوټنگنت که گون دگه
کئمان لس ولور بینت. آوانی زندگی گیشتر
گون مالداریا گوستگیت هر هند و جاگهی که
آبات و سرسبزین ډکاری بوتين همودان هنکینه
گپتنست. پمیشا شه دگه کئمان وتبی زات و دود

مان بلوچستان و اوگانستانی ملکا مان نیمروز، هلمند، بادغیس و اوگانستانی برزا بلوچ زندگی دارنت. هما مردمی که به اوگانستانی برزا زندگی دارنت بلوچیا نزاننت، گون دگه کوئمان لس و لور بوتگت و وته زبانا شه دست دانگت مگه شه زاتئ نظرا بلوچ انت. بلوچ هما کنومی انت که به تاریخی تل و توکا آوانا بازین سپتانی واوند گشتگت چو: غیرتی، دلاور و راستکار، اماندار، ناموس دار، جنگی و مهان نواز، بیرگیر. به جنگا باز مهارت دار انت. اگه گون ای کوئما په راستی و صداقت کار بیت آهم باز صادق و راستکا انت و وته هبرئ سرا تا گدین و هدا اوشتاتگی دارنت. اگه گون آوان دروگ و چمبازی بیت، ایش په بیر گرگا تیاری دارنت و وته بیرا هر چوش که بوته گر انت. گوند ایش که ای کوم به تاریخی تچکیا وته زندگیا گیشتر باهوت بوتگت و شه زوروکانی زور و گرونچگا شه یکجايی به دگه جای لپ و بار کرتگت، شه هما وده یی که شه ایرانی برزا لدتنت به کرمان ایشکو و آشکا هینکین گپتنت، مگه دیری نه گوست که ادنا هم آوانی سرا زور و گرنچک بنا بوت و ناچار بوتنت دیم روج دراتا بلدنت. شه ای لدتنئ اثرا به چنت نیمگا باهوت بوتنت، یک ډلی به انونین بلوچستان و هندی هشکاری روج کپتا هنکین گپتنت، دگه ډلی برزایی شتنن تا ترکمنستانی سیمسرا و ترا رسیتنن و دگه ډلی به اوگانستانی انونین نیمروزا منتنن و همودان ډگارداری و مالداریا دیا گپتنت و زندگی دارنت.

بوتگیت که بلوچانی سرئ کدول شه آوارین کدولانی جما انت، مگه هندی و عرب شه دراج سران استنن. آوانی مجگئ ساختمان نشانه دنت که گون آربایین زات و زرباتا باز تزیکی داریت. بریر گون بزرگی هبران گشتگه کنن که بلوچ کنوم آربایی نژاد آنت، شه دیمئ زمانگان ته اون به آربایی سردگاران زندگی داشتگت که شه زور و گرونچئ چیرا، لهتین وهدان مجبور بوتگت که شه یک هندی به دگه هندی و جاگهی لپ و بار بکنن.

بلوچستان ها سردگار انت که اون بلوچ اودان زندگی دارنت بریر گون سند و مدرکان به راجدپرئ تها ثبت بوتگت ای هبرا روش و درا نشانه دنت که به غدیا به بلوچستان جتا جتاین کنوم زندگی داشتگت، جتابجاین زبان و لهجگ اودان هبر داتگه بوت و راز رازی مردم یکی آدگری پهنادا گزاره داشتن. دیما شه ایشی که آربایی به بلوچستان بیاینت اودان بومین مردم زندگی داشتنن یعنی سیاه پوست. دراویدی اودان اتنن و جتا جتاین دود و ریبدگ داشتن. راجدپر به ای باروا گشیت که بلوچ به عیسایی یازدهم و دوازدهمی سده به مروچین بلوچستانا لپ و بار کرتنت. اودان جاگیر بوتنت. یانی بومین مردمانا شه اودان در کرتنت و جندش ای ډکارا واکئ چیرا آورتنت. مروچی بلوچ به جتابجاین و طنان زندگی دارنت چو روج درات و روج کپتئ بلوچستانا، عمان، متعدده عربی امارات و ترکمنستان، سعودی عرب، کویت، عراق و کینیا افریقای روج دراتا. بلوچ گیشتر



محقق نوری‌اغدی نور

مطلوب ترکمنی

ترکمن خلق ارتکى لرى و اولارين گۈرنىش آيراتپىلېغى

رحمدارىق، گچىمىلىك، روح بىندىلىك يالى عجايىب خاصىت لر جمع لىنىپ دير. اينگان باى تعليملى آيراتين ده، چاغە ليغىنگ، ياشلىغىنگ همراسى بولان ارتکى لر دينگە بىر ترىيە چىلىگ گۆيجى بىلەن داڭ، اولار ترکمن خلقى نىن دۇرمۇشى، تارىخى بىلەن باغانلى عجايىب اشر لر بۇلاق بىلەن، اولارده آتسا- بابالارمىزىن گۇن- گىذران لارى، ياشايش شرط لارى، مشغول لانان ايش لرى، داپ- دىستورلارى، دۇرمۇشە، دنيا غرايش لارى، ملى خاصىت لرى اوز بىيانىنى تايىپ دير. شۇنىن اوچىن هم ارتکى لرى اوئرنمك ترکمنى اوئرنمك دير.

ارتکى لرده خلق گلچك ده عدالت لى سركردانىن سيايسپىnde سايالاماغى، پراخت زحمت چكىپ بۇل ئىنلىك ده ياشاماغى آرزو اديپ دير لر. اولارده عدالت لى آدم لارдан شاه سايالاماق يالى مسالە خاص اولى اونس بىريلىپ دير. اغلبًا ارتکى لرده قره دن غايتماز مرد، ادرمن، عدىتلى، حلال، انسان پرور، قېنچىلىغى يىنگىپ گچىپ بىلەن ياش قەھمان لارىن شاه سايالاماغى، اساساً شو آرزو لار بىلەن باغانلى دير. مۇنگە مثال حكمىنە «گل»، «شاد و بخيل تاجر لر»، «باش قلندر»، «عقللى گلىن»، «يۈز طلا»، «شاد غىزى» يالى ارتکى لرى يادلماق بولار.

ارتکى لرى عالم لار، اوز آنگلادىيۇن معنى لارى بۇيۇنچە اساساً اوچ تۇپاره بۇلۇپ نشر اديپ دىرلر.

١. دۇرمۇش بىلەن باغانلاشىقلى ارتکى لر.
٢. حيوان لار حقىنداقى ارتکى لر.
٣. حىالى (فاتاستىك) ارتکى لر.

ارتکى لر ترکمن خلق دۇرە دىيجىلىكى نىن اينگ اساسى هم غېزپىلى گۈرنىش لرى نىن بىرى بۇلۇپ، بىللى بىر واقعە نى آلىپ، شۇل واقعە اساسىنە آيدىلچاق بولىيون فكرى اونگە سۆرپۈر. شاعرانە سۋەز صنعت نىن اينگان كۆپ هم ساغدىن نسخە لرىنى سۈزىنەدە جمع لان، مۇنگ يىلىق لارىن دوامىنەد دۇرە دىلەن ترکمن خلقىنىن باى ادبى تجربەسى نىن ائنۇمى بولان ارتکى لر مضمونە جۇدا بايلىغى، چىرچىلىك تاپىندى لارى، گۈزلىكى، قلبە يقىن لېغى، تاثير ادجيلىك گۆيجى بىلەن عقلينىڭى حىران دايدۈر.

ترکمن خلقى نىن عجايىب حالىسى، دۆرلى رنگلى يىوب لردن بىرى- بىرىندىن چىر گلىن- غىز لار طرفىندا دۇقاپىپ، بىرى- بىلە كى سىنى غايتلامىيون عجايىب گۈل لردن عملە گلىشى يالى، ترکمن ارتکى لرى هم انسانىت، حيوانات دنياسى نى، طبىعت سىنچى نظرى بىلەن اىچكىن سىنلان دۆرلى- دۆرلى فەم لر ارتکىچى آدم لار طرفىندا دۇرە دىليپىدىر. شۇل فەم لردن عقلينى حىران ادىيۇن عجايىب گۈل، يۈزلىچە نقش لار ارتکى لر دۇرآپ دير.

ارتکى لرده خلقىن گلچك بولان اپنانچ لارى، اىسلەك- آرزو لارى قدىم بىر وقت بۇلۇپ گچن واقعە حكمىنە شەھە لىدىرىلىپ دير. شۇل ساندە ارتکى لرده ترکمن خلقىنە مخصوص بولان اساسى خاصىت: وطن پرورلىك، انسان پرورلىك، مەمان پىرسەتلىق، اىل- گۇنە و دولت لى اوْجاغە وفالىق، حلاللىق، سخى لىق، قدر بىلەن، قدر غۇيماق، يتىم- يىسىرە

حیوان لار حقینداقی ارتکى لرین اينگ اساسى آیراتین لىغى اولارداقى تصویرلىرىنگ اساساً شرطى فورمە دە آله گۈرلىك خاصىت دە صوراتلاندىرىلىبۇن لىغى دىرس. بۇ يerde هر بىر حیوانىن اۆزىنە مخصوص آدم خاصىت نى آلىيۇن دىغى نى آيتىق گەرە ك؛ مثال اوچىن: توشانە اجىز و بىچارە آدمىن كىشىنى بىرىپ دىرلر. تىلکى نى حىيلە گەر، غارغانى شوغولچى، غارىنجانى زحمت سئير، يۇلبىسى گۆچلى و باشغە لار ادىپ گۈركىزىپ دىرلر. حیوان لار حقینداقى ارتە كى لرده بۇلسە اوبرازى آله گۈرلىك خاصىت دە صورات لاندىرىماق اساسى پرانسىپ بۇلۇپ اونگە چىقىرۇر.

تركمەن خلق ارتکى لرى نىن بىر ناچە سىينىدە حیوان لارىن اساساً اۆز باشايشى، اۆز بۇلۇشى بىان ادىليۇر؛ مثال اوچىن: «غرينجه و كېتىرى» دىين ارتکى دە كېتىرى سووه غاچان غرينجه نى گۈرۈپ، اونگە كەمك ادىيۇر. غرينجه- دە اۆز گەزە گىنندە تۆينىگى نى چنأپ دوران آوچى نىن آياغىنidan دىشلاب اونىن كېپتىنى آتماغىينا پائىڭل برىيۇر. بۇ ارتکى لرده اساساً حیوان لارىن خود اۆز لرى نە خاص بولان حرڪت لرىنىدە اۆزلىرىنە خاص بولان خاصىت لارى يۆزه چىقارىلىيۇر.

حیوان لار حقینداقى ارتکى لر «يىللان و غارغە»، «يۇلبىرس و تىلکى»، «اشك و اوكۇز» يالى ارتە كى لر دىگىشلى. بۇ ارتە كى لرده اساساً حیوان لارىن اۆز بۇلۇشلارى، اۆز خاصىت لرى جان لانىيۇر.

خيالى ارتکى لر- خلق يىن اۆسەن آرزو- اىسلەگى بىلن باغلانشىقلى. اصلاحىندا دە لارىن اھلى سى ھم قىن فرەست دە ناھىلى دىر بىر قدرتە غارىشىپ ياشايۇر. شؤپىلە ھم آدمىن گۈنى همىشە اۆز ياشابۇن دورىنندە خاص اونگىنە پىلىلىيۇر. خود شو سبب لر آرقالى آدم لار حقيقى دۈرمۈشىدە بۇلاديق خيالى زات لارە ھوس ادىپ دىرلر.

مثال: «كۈر غارغە دە» اىچى ناز نعمت لى جادىلى ساچاق بارە دە گۈررەن ادىليۇر.

دۈرمۈش بىلن باغلانشىقلى ارتکى لرده گۈرۈن بىرىلىۇن واقعە آدم زاد دۈرمۈشىنداقى غارشىلىق لارى اۋز آرا آرابا غلاڭنىشىق لىغىنى آچىپ گۈركىزىپ. بۇ ارتە كى لرده خىالى، حیوان لارى كىشە سالماق يالى چەمە لىشەمە مخصوص دەل دىرس. بۇلاردا عادىتى آدم دۈرمۈشى بۇلۇشى يالى اولاالدىپلەن- كىچىلىمان گۈركىزىلىيۇر. آدم پايخاسى نىن گۆيچى اساسى اونس مرکزىندا ساقلانىيۇر؛ مثال اوچىن «غريپينگ غىزى گەل جەھان» آتلى ارتکى دە گەل جەھان اوقۇمېش، دانا غىز بۇلۇپ دىرس. اول اۆزى نىن عقللى لىغى بىلن كەم عقل شاه دان روحى تايدان اۆستەن چىقىرۇر. گۈرۈشمىز يالى، بۇ اشىدە اينانىپ بۇلماز يالى واقعە لار يوق دىرس.

دۈرمۈش ارتکى لرده قەھرمان لارىن تصویر لرى هىميشە دىين يالى غارشى لىغىن چۈزۈلىپ باشلانىون فرەست لارىندا رەمانىتىك اۋشىگىن آلىپ باشلايۇر. شۇنگە چىلى ولىن قەھرمان لار اۆز دۈرلىرىنداكى عاداتى آدم لارىنى يالى بۇلۇش لارى، حرڪت لرى بىلن تانالىيۇرلار. دۈرمۈشى ارتکى لرداكى قەھرمان لاردان؛ مثال اوچىن: آياز خان اىلکى باشدە يۈنە كى چوپان، اول چۈلدە غۇيۇن باقىپ يۈركا پادشاه نىن نوکر لرىنە دۇشاندە، نامە لرىن اربىت بۇلۇن دىغى نى گۈرۈنگ برىيۇر. پادشاه اونى اشىدىپ، آيازخانى يانىنە گىيردىيۇر، اوندان اوج زادىن پادشاه نىن، آله حكگائىن نامە اوچىن اربىت دىگى نى سۇرە يۇر. آيازخان اونگە باتىرىلىق بىلن مناسب جواب برىپ، اۆزۈننەن يىتى عقللى دىغى نى گۈركىزىپ. شۇندان سۇنگ پادشاه اونى اۆزىنە وزىر ادىيۇر. پادشاه اولن سۇنگ آياز خان اونىن يېرىنە گچىرۇر. دۈرمۈش ارتە كى لرداكى آياز خان يالى سۇنگىنidan اىشى اونگە دۆشىيون بىلە كى قەھرمان لارىن بۇلۇشلارى، حرڪت لرى بارە دە آيدىلاندە- دە شؤپىلە ھوا گۈرۈشمىز يالى ارتکى لرده اينانىپ بۇلماز يالى واقعە لار يوق دىرس. دۈرمۈش ارتکى لر دۈرمۈشە خاص يقىن دىرس.

مُؤجک: دوْغان، بُونیئه نامه بولدى؟ دىيپ، سُوراپ دير.

ايٽ: هېچ زات داڭ دوست، گۇندىزىنە ايام، بُونىيمە زنجىر سالىپ دانگىپ غۇيۇر و گىجه سينه بۇشاپتۇر. اوْزال- اوْزال آزاچىق غېن بولدى، سۇنگ اۇرنىشىپ گىتىدىم دىيپ، جواب برىپ دير.

مُؤجک: دىنگە شۇل مى؟ دىيپ، دۇرۇپ دير. اونىن يالى بولسە، ساغچە بول ايت دوْغان، دۇق گزىپ قىل بولانپىدان آزاد گزىپ آچ يئورانىم غۇوى دىيپ، ايزىنە غايىدىپ دىر (بۇلداش: ۱۳۹۲: ۹).

۲. بىلىم و قلم يىن فايىدە سى بىلين باغلانشىق لى "بای و عقدار" آتلى ارتە كى:

قديم زمانده اۋلاقان اوبه ده، بىر يىلى و ماللى بای ياشىيۇراكن. بای گۇنلەن بىر گۇن سودا آمانە بازاره گلىپ دير، گۈرسە بىر يىرە بىرناچە آدم اوشىشىپ، بىر عقدار كشى نىن پايخاس لى سۆزلىرى نىن تعرىفىنى ادىپ اوپتران مىش لار. بای آدم، اۋلارىن يقىنىدان گۆرۈرەن لىنى دىنگلەپ حىران غالىپ دير. بای آدم "بۇل عقدار بىلين من هم تانپىشايىن" دىيپ قرار آلىپ دير، اوندان- مۇندان سۇراغلاب آخر عقدارىن اوى نى تاپىپ ايشىگى نى قاپقىپ دىر و عقدار آدم غابى نى آچىپ، "السلام عليكم صوفى آغە" دىيپ، ال برىپ دير.

عقدار: آيدىپىرىن صوفى آغە! من سىزە نامە خدمت ادىپ بىلىرىن دىيپ دير.

بای: تعرىفييىزى اشىيدىپ، اوْزاق بولىدان سىزىن دردانە سۆزلىرىزىن فايىدە لانمانە گىلدىم، سىزىن سۆزلىرىن ئالتن يالى قىمت لى سۆزلەمىشىن دىيپ اشىتىدىم، دىيپ دير.

عقدار: يۇق صوفى آغە! اونىن يالى هم داڭ، يۇنە ايل- خلق فايىدە لانئۇرۇس دىيۇرلار، من هم ايلىن فايىدە سينه بولسىن دىيپ بىلنمى اىكىرچىنگلەن ئەن گلىيون، يۇنە صوفى آغە هر بىر مصلحت و اۆگىت

خيالى ارتە كى لردا «محمد جان»، «آق پامىق»، «قىرق يالان»، «كىلچە باتىر» آتلى بىرناچە ارتە كى لر بار.

قىدبىمى دورىيىن آدم لارى چاقلمە اساسىنده اوز خاصىت لرىنده توسلان گۆز اۇنگونە گىرىن دئو، پرى يالى زات لارىنده عادات دان داشارى اوپتىگە شىك خاصىت لر باردىر دىيپ اپنانىپ دىرلار. خيالى ارتىكى لر اۋچىمۇن حالى نىن، نامە دىسەنگ آيدانىنى ادىپ يئورن جن نىن تاپشىرىق بىرىن اۆستى ناز نعمت دن دۇلىيون ساچاغىن، ياغشى نىتلى دۇلەرىن ھم پرى لرىن، خوش غولاو آق آزىرها نىن خيالى كشفي ارتە كى لر سىنگىپ دير.

ارتە كى لردىن بىرناچە مثال ۱. اركىن لىك بىلين باغلانشىق لى "مُؤجک و اۋى ايتى" آتلى ارتە كى:

بىر بار اكن بىر يۇق اكن، بىر آرىق مُؤجک بار اكن. بىر گۇن آچىلغىندا ان اولر يالى بولۇپ گىدىپ بارىپورقا، اۇنگىندان بىر سەمیز ايت چىقىپ دير.

ايٽ: مُؤجک دوغان! سانگە نامە بولدى؟، ياغداين نىچىك؟، دوست گورىپورىن ولى آرىق لاب سىن نامە بولدى؟، نامە اۆچىن منىن يالى زحمت چڭائىن يۇق و ايشلائىن يۇق؟، يالىن و نهارىن وقتسى وقتنىندا ئۇنگىنگە گلمە گى اىسلامان يوق مى؟ دىيپ دير.

مُؤجک: هانى شەۋىلە بولسە دوست، كاشكى من هم سىنن يالى بىر مناسب يە تاپسامدېم دىيپ، هاشلاب، آه چكىپ دير.

ايٽ: غايىپرمە دوست، من سىنن اۆچىن بىر مناسب يە تاپارىن دىيپ دير. يئور منىن بىلە، ايام كا بارالى و بىرلىك ده ايش لرى پايلاشىپ ايشلارىس دىيپ، خواجە يىنى نىن اۆنبە اۋرالاپ دىرلار. بولىدە مۇجگىن گۆزى ايتىن بۇينىنداقى تؤىيى غاچان غارە يارالى يە دوشۇپ دير.

غېنچىلىق لار و غریب ليق دۇرمۇشى بىلەن ياشايىشىنه دوام اتىرىپ دىر. اول دۇرمۇشىنىدە بالىقچىلىق ايشىنىه مشغۇللانىپ دىر، كاؤقت بالىق توتىپ بىلەن آغشام آچ يېتىپ دىر. اول بىر گۈن ارتىر دريانىن بۇيۇندا بىر نارسە يۇمانا گلىپىدىر. اول عيال غریب خانان يىن بالىق توتۇپ اوْتىرانى نى گۈرىپ، اونگا نفسى آغراب اوينىدىن اىجك بولۇپ كتىرىن بىر اوقارە پلوى نى و چۈرە ئىنى بىرىپ دىر، خانان اول عيال دان خوش بولۇپ، مەندارلىق بىلدىرىپ، بىر گۈن اليم گلسە بىول ياغشېلىپى ئى غايىتاران دىيپ عيالە سۆز بىرىپ دىر. ناچە يىلدان سۇنگ خانان، پادشاھ دان ناراضى غۇزغالان چى لارىن تۇيارىنە غۇشۇلىپ، ظالم و خىرسىز پادشاھ بىلەن بىرناچە گۈن سواش ادىپ اونى تختدان دوشۇرىپ، اوزى تختە اوْتۇرىپ، خلقىنە خدمت اتماگە نىت ادىپ دىر. خانان، عىالىنگ ادن ياغشى ليغى نى ياددان چىقارمان دىر، بىر گۈن خانان ياساول لارىنە ياغشى ليق ادن عىالى گىتىرمك لرىنى بۇيورىپ دىر. خانان پادشاھ گۆرسە اول عيال بىر غاررى مامە بولۇپ غالانمىش. خانان پادشاھ، غاررى مامە نىن ادن ياغشى ليغى نى يادلاپ، الله يالقاسىن دىيپ، بوجى- بوجى بۇغدايى، بىرچى، آزىق و طلا بىلەن اونى اوينە اورادىپ دىر. ياغشى ليغى دىنئە ياغشىلىق بىلەن غايىتارمالى دىيپ، خوشلاشىپ دىر (شول، ٤٧).

اۋلانىلان چىشمە لر (منابع):

- ١ حىدر اوف، B. (٢٠٠٤). ترکمن خلق دۇرە دېجىلىگى، ترکمن آباد، دولت مطبعە، ص ٣٢.
- ٢ رجب اوف، دوردى مىراد، (٢٠٠٦). ترکمن خلق دۇرە دېجىلىگى، بىرىنجى چاپ، ترکمن آباد: دولت مطبعە.
- ٣ گىلدى اوھ، ى. (٢٠٠٦). ترکمن خلق ارتىكى لرى، عشق آباد، ترکمنستان نىن ملى مەندىت مرکزى، صص ٣٣٨- ٣٣٥
- ٤ يولداش، حاجى قلى. (١٣٩٢). ذهن لى چاغالار (غىسغە اخلاقى ارتە كى لر). كابل، بشارت مطبعە سى.

لرمىن بەھاسى قىرق تىنگە دىر، سببى بىلىمەن ارزشى و قىمتى آشاق دۆشىمە سىن، دىيپ دىر. باى بۇ سۆزلىرى اشىدىپ اوڭىكىدىن ھم عقلدارىن سۆزلىرىنە اپنامى كۆپلىپ دىر.

باى: اونىن يالى بولسىه قىرق تىنگە نى بىرىوْرین، دىيپ اوڭىكىنىدە غۇيۇپ دىر.

عقلدار قىرق تىنگە نى كىسه سىنە غۇيۇپ، قلمى نى چەقشارىپ كاغذە شۇيلە يازىپ دىر: "شۇل گۈنин ايشى نى أرتاً غۇيىمە، أرتاً اپنام يۇق، أرتانىن ھم اۋز ايشى بار".

باى، كاغذى أپلائپ دۇنى نىن اىچگى كىسه سىنە سالىپ، خۇشلاشىپ غايىدىپ دىر. باى شام آرا اوينە گلسە، ايشچى لرى بىر آز بۇغدايى و آرپانى اورۇپ، گىتىرىپ داشاردە غۇيۇپ دىرلار، ارتىر اىچرى باساريىس دىيپ، اوينە اۇرماپ بارىيۇر اكن لر.

باى: زىحمت كش دەقان لار! داشاردە باسىپ غۇيان پخل لارىنىزى اىچرى سالىپ گىدىن لر، يۇغىسە من تۆلک لارىنىزىن و پول لارىنىزىن غايىتارمالى بولارىن دىيپ دىر.

دەقان لار: باى آغە! باشغە خلقىقى ھم داشاردە، دىنگە سىنىنگكى دأىل دىيپ دىرلر. باى، عقلدارىن آيدان سۆزلىرىنى پختە يادىنده ساقلاپ، اۇدىپ بؤدىپ ايشچى لرە بۇغدايى و پخل لارى اىچرە باسىرىپ دىر. خدانىن قىرتىنەن شۇكىچە غاتى بىر ياغېش ياغېپ، اھلى قىسلاق داقى باى- غربىينگ داشاردە باسىپ غۇيان آرپە- بۇغدايى لارىنى خراپلاپ گىدىپ دىر و غالانى ھم بولسىه چۆرىپ غالىپ دىر، يۇنە دىنگە يالقى باينى آرپە- بۇغدايى لارى ضرر گۈرمائى دىر. باى، عقلدارىن بىن اۋگىت لرىنىدىن كأن فايىدە لانىپ دىر (شول، ٢).

٣. جومىدىلىك و ياغشى ليق بىلەن باغانلىشىق لى

"خانان باتىير" آتلى ارتە كى: قدىم زماندە بىر خانان آدلى اوغلان ياشىوْرakan. اول ياشلىقە انه- اته دان يتىم غالىپ، انچەمە



د تولکي مدیریت

دادمحمد ناوک

زده کوونکي او بنوونکي د همدي
ټولنې غړي دي، بنایي ټولنیزې،
سیاسي او اقتصادي ستونزې هم له
بنوونځي خخه د زده کوونکو د
کر کې یو علت وي، خو دا زموږ د
فردی ملامتی د خلاصون یوه
تکاري پلمه ده، چې کوو یې؛ که
شرایط برابروي، د کار پر وړاندې
هیڅ خنډنه وي، یانا نود کارګر او
پکاره توپرنه شي کېدلۍ، ټول
ورته متې رابله وهی، خود کار
خلک هماغه دي چې د شرایط د
جورې دو په پلمه نسلونه تباهنه کړي،
بلکې شرایط څانه جو پکاره، که
کلې شرایطو کې پاتې راتلى شي، په
جزوي برخو کې باید لاس پکار

د مشبت ذهنیت د تلقین هڅه کېږي،
خو پر دې برسپړه زموږ ټولنې کې
چې کله یو بنوونځي رخصتېږي،
زده کوونکي یې له دروازې په وتلو
کې سره مسابقه کوي، لکه له کوم
زندانه چې خلاصېږي او که کومه
ملې ورڅ د رخصتی اعلان ورته
وشې، خوشالېږي، د دې او ورته
نورو ګنو مثالونو معنی داده چې
دوی په بنوونځي کې تنګ دي او
داسې انګېږي، چې که د پلار او
مور، کورنۍ یا هم ټولنیز جبر لاس
ې په سرنه واي، بنایي نن ې د
بنوونځي وروستي ورڅ واي، یا هم
له سره بېخې راغلي نه واي؟ د دې
علت خه دي؟

په بنوونه او روزونه کې لکه چې
څومنه د یوې بنوونیزې ادارې
مدیریت د بحث وړ دي، په هماغه
اندازه د ټولکي مدیریت هم پر بحث
ارزي او جدي پام ورته پکار دي. په
بنوونیز نظام کې مور د مدیریت په
طبقه بندې کې د ټولکي مدیریت په
یوه بنوونیزه اداره کې تیست پورې
مدیریت بولو، چې منځ پورې
مدیریت «سرمعلمیت» ته راپور
ورکوي، مرسته ترې غواړي او د
هغوي له لوري خارل کېږي.

د بنوونځي په کتابونو کې زده
کوونکو پرلپسي د یو بنه بنوونکي
څانګړنې لوستې، د بنوونې او روزنې
اهیت لولې، د خپل ټولکي والو په اړه

ښوونکی د هېواد د راتلونکو مسؤول دی، ظکه خو که دنده ورته په زړه پورې نه وي، پکې ننوتی نه وي، ارامنه وي، نوښه ده دا خو زره افغانی بلخای پیدا کړي، دا خای یوبل دې دندې ته تبری کس ته پربینو دل شي. د افغانستان د پوهنې وزارت په ۲۰۱۰ ميلادي کال یو داسي ښوونيز Inclusive Education» لاسليک کړ، چې پکې د زده کونونکوله مقايسي، او سنیو دودیزو ازموينو او د میتود په برخه کې پر شاګرد محوره میتود دېر او پراخ تینګار پکې شوي و، مورب چې کله هم ښوونکو ته دغه سیستم مفصل وړاندې کړي دي، دوی زمورد ټولنې او د خپلې ادارې ستونزې رامخي ته کړي او د عوه یې کړي چې دا سیستم دلته اصلًا د تطبيق ورنه دي، د هغه سیستم په اړه به بل وخت مفصل وغږېرو، دلته مې مقصد دا و، چې د ټولنکي د مدیریت په برخه کې هم زمورد ښوونکي همدا ستونزې رامخي ته کوي او وايسي چې هغه اصول چې د ټولنکي د مدیریت په نامه ياد شوي تطبيق یې سخت دي، مثلاً ټولنکي په مدیریت کې پر موضوع تسلط، له

یوه ښوونځي کې د ښوونکو د روزني په او بدو کې یوه ورڅ له یوه ښوونکي د هغه په ټولنکي کې د دويم کتار کې ناست زده کونونکي نوم و پوښت، نه یې پېژانده، خو نېډې پوره کال د همدي زده کونونکي ښوونکي پاتي شوی و؛ دا زمورد تکرارې ستونزه ده چې ئينو دندو ته مجبوريتونو ور ټپل وهلي یو، ظکه خو پکې زړه نازره روان یو، له لسګونو هغه ښوونکو سره چې مورب مخ شوي یو، د دوي به تکرارې پلمه دا و، چې معاش مو کم دي، نو ولې خواري و کړو؟

دي اندېښنې ته له خو زاویو مناسب څواب موندل کېډا شي، لوړۍ دا چې همدي دندې ته همدا ښوونکي چا په زورنه دي راوستي او د خينو چې تېروخت مطالعه شي حتى د همدي دندې لپاره یې رشوتونه ور کړي؛ ظکه خو دندنه جبري نه؛ بلکې پڅله خوبنه او ان پڅله هڅه ور پېډا شوې ده، پايد پکې اخلاقمند واوسې. دويم دا چې دا دنده بايد له نورو سره مقاييسه نه شي، دلته د هېواد، یو ملت او یو نسل برخليک کې مداخله ده، همدا

واوسې؛ مګر له ښوونځي سره د زده کونونکو د کر کې یولوي علت په تعليمي ادارو کې د ټولنکي ناسې مدیریت بلل کېډا شي، د ښوونې او روزني په ارواپوهنه کې مور لولو چې وړاندې تر دې چې یو ښوونکي په ټولنکي کې فزيکي تسلط پیدا کري بايد د زده کونونکو پر زړونو واک پیدا کړي، د دې لپاره مهمه ده، چې ښوونکي د حالاتو مطالعه ولري یا په بله اصطلاح هم په روان پوهنيز وضعیت کې او هم پڅلسو میتودونو کې له تازه معلوماتو خبر» «اپليټ» و اوسي، پر دې سرېبره د زده کونونکو روانی مطالعه ډېرې مهمه ده، که ښوونکي د زده کونونکو په زړونو کې ئای پیدا کول غواړي، بايد خپل زده کونونکي و پېژنې، مهمه نه ده چې د هغوي زړونو ته د تګ لپاره د فرد فرد د ژوند ټول اړخونه مطالعه کړل شي یا پري خبر واوسو، خو تر خپله وسه بايد هڅه وشي، پر دې سرېبره د زده کونونکو زړونو ته د نتو لو لپاره دا هم کافي نسخه ده، چې د زده کونونکو نومونه ياد کړل شي او هڅه وشي هر یو ته د هغه په پوره او سې نوم غږ وشي.

- له زده کونونکو سره عاطفي تراو
- پر موضوع تسلط
- له زده کونونکو سره د يو همکار او سلاکار په توګه چلتند
- په بنوونه او روزنه کې له تازه معلوماتو خبرېدل
- د تدریس لپاره د هر میتود غوراوی، د پخو دلايلو پر اساس د يو بنوونکي په توګه دا باید په ياد ولرو، چې پر بروني میتود، دن زده کونونکي د سباورخې لپاره نه شو روزلى!
- طاهره ميرزايي چې پارسي وييانو کې د بنوونې او روزنې په برخه کې ليکني کوي، د ټولگي د مدیريت د اغزمنتوب درې څانګړنې په ګوته کوي، چې نړدي ټول تمرکز یې پر بنوونکي دی، هغه ليکي، د بنوونکي شخصيت، د بنوونکي میتود او د هغه تدریسي فن د ټولگي پر مدیريت خورا اغزې لري.

باوريم، چې زموږ د یو لري کلېي په بنوونځي کې هم کولي شو، چې د ټولگي د نسه مدیريت بشپړه نمونه ولرو، امادا مو بايد له وړاندې په ذهن کې وي، چې لوړۍ پیل به یې له ستونزو خالي نه وي، د پیل او بريا تر منځ فاصله به یې له ګنو زړه ماتيو او ستومانيو ډکه وي، خو تطبق ناممکن نه دي؛ لکه پورته چې مود ټولگي د مدیريت ئينې اصول ياد کړل، د دې پر وړاندې یوازيښي خنډه د زده کونونکو غږګون دي، بنوونکي استدلال کوي چې له زده کونونکو سره په خندانه څېره منځ شي، دوي ناسم برداشت کوي او له دي چلنده ناسمه ګته اخلي، خود ټولگي د مدیريت د اصولو د تطبق لپاره باید تدریجې پر منځ لار شو، بيا بنائي له ډېرو ستونزو سره پکې منځ نه شو.

د ټولگي د مدیريت اړوند ګن اصول بنائي په کلېي توګه داسي یاد کړو:

زده کونونکو سره د ستر ګو اړیکه، د زده کونونکو روانی وضعیت پېژندل، د هغوى د خیر کتیاد کچې درک او ئینې نوري څانګړنې چې کله زموږ بنوونکي لولي، نو تطبق یې ورته سخت بنکارېږي، ستونزده دلته ده، چې لا هم د نوري نړۍ په پرتله زموږ بنوونیز سیستم ډېر شاته دی، مهمه نه ده چې زموږ بنوونیزې ادارې دي له ټکنالوژیکي اړخه ټولې هغه اسانتياوي ولري چې ئينې پر مختللي هډادونه ې لري، خو حد اقل د یو پې ادارې د رامنځته کولواو د یو بریالي بنوونیز سیستم پر پښو درولو لپاره خوه څه چې په لاس کې لرو باید استعمال کړو، له نوري نړۍ شاته پاتې کېدو علت یوازې ټکنالوژیکې نیستې نه ده؛ بلکې زموږ په بنوونیزو ادارو کې هغه اصول هم نه تطبقهړي چې تطبق یې هیڅ مادي امکاناتو ته اړتیانه لري، لکه د بنوونکي متبسمه څېره. زه پر دې